

واج	تکواژ	واژه	گروه	جمله	جمله مستقل
قواعد ترکیب	۱- قواعد واجی قواعدی است که مانع از هم نشینی برخی از واج ها کنار هم می شوند.	هم نشینی مناسب واج ها برای ساختن تکواژ و واژه	واجگاه مشترک : آشنایی ذاتی هر اهل زبانی با زبان خودش ، پیشاپیش او را آگاه می کند که واج هایی که واجگاه یکسان دارند نمی توانند بدون فاصله مصوت و صامت کنار هم بیایند . نظیر (/ ب / ، / پ /) ، (/ چ / ، / ش /) ، (/ ت / ، / د /) ، (/ ژ / ، / ش /) ، (/ ف / ، / و /)	آشنایی ذاتی هر اهل زبانی با زبان خودش ، پیشاپیش او را آگاه می کند که واج هایی که کنار هم قرار می گیرند طبق الگوی هجایی زیر باشند (۱) صامت + مصوت مثال: به (ب +) ، ما (م +) ، رو (ر + و) (۲) صامت + مصوت + صامت مثال: در (د + + ر) ، کاش (ک + ا + ش) ، آب (ا + + ب) (۳) صامت + مصوت + صامت + صامت مثال: درد (د + + ر + د) ، گفت (گ + + ف + ت)	
	۲- قواعد هم نشینی	ساختن گروه مناسب اسمی فعلی و قیدی	قواعدی که به ما کمک می کند تا بتوانیم از ترکیب تکواژ ها و یا واژه های مناسب ، گروه های اسمی ، قیدی و فعلی مناسب تولید کنیم . پرنده آن دو زیبا مردها کار آن دو برمی گشته اند داشتند		
	۳- قواعد نحوی	هم نشینی مناسب گروه ها برای ساختن جمله مطابق با زبان معیار	قواعدی که جمله ها را از نظر الگوهای زبانی بررسی می کند و در صورتی که مطابق معیار های زبان باشد اجازه تولید می دهد . تو ، تو را در آینه دیدی . او به مدرسه رفتی محمد تاریکی را ترسید.		
	۴- قواعد معنایی	هم نشینی مناسب گروه ها برای ساختن جمله های معنادار	قواعد دیگری در زبان وجود دارند که به ما کمک می کنند جمله های معنادار بسازیم و به جمله هایی اجازه ی تولید می دهد که از دیدگاه معنایی درست باشند چوپان آسمان آبی را به خانه رسانده است		
	۵- قواعد کاربردی	کاربرد درست جمله ها در جایگاه مناسب	قواعدی که به ما کمک می کنند جمله را در جایگاه مناسب به کار ببریم . امروز به کجا می روید ؟ شیشه شکست . * قواعد کاربردی: مصداق ضرب المثل "هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد" است.		

نکته: « هجا » مجموع دو واج یا بیش تر است که می توان آن ها را یک جا ادا کرد. هجا، مترادف با « بخش » و « سیلاب » است.

(تذکر: هیچ کلمه ای در نظام آوایی زبان، با مصوت آغاز نمی شود و کلماتی مانند ابر، آب، اردک، اسم، این، او .. با صامت همزه آغاز شده اند. از این رو « آ » ، « ا » ، « اُ » و « اِ » هر کدام، دو واج اند.)

(۱) ابلاغ و انتقال پیام از ذهنی به ذهن دیگر به چه وسیله ای صورت می گیرد؟ به وسیله ی زبان صورت می گیرد.

(۲) نخستین مرحله ی سخن چیست؟ آن است که واج ها با هم ترکیب شوند و از ترکیب آن ها تکواژ و واژه ساخته شود.

(۴) آیا می توان هر واجی را در کنار واج دیگر قرار داد و از آن تکواژ ساخت؟ چرا؟

خیر زیرا در هر زبان قواعد دقیقی برای هم نشینی واج ها وجود دارد.

(۵) اهل زبان قواعد واجی زبان را چگونه می آموزند؟

قواعد واجی را کسانی از پیش تعیین نکرده اند بلکه آشنایی ذاتی هر اهل زبانی با زبان خودش، قواعد واجی را به او می آموزد

(۷) چرا در زبان فارسی واژه هایی چون: « پف » و « پچس » که دقیقاً بر الگوهای هجایی منطبق است، ساخته نمی شوند؟

علت این امر را زبان شناسان چنین توضیح می دهند: واج هایی که واجگاه (مخرج) مشترک یا نزدیک به هم دارند، معمولاً نمی توانند

بی فاصله در کنار هم قرار گیرند.

نکته : هرتکواژ یا واژه برای این تولید شود یا از زبان های بیگانه به زبان فارسی راه یابند ، باید از **صافی قواعد واجی** عبور کنند.
مانند : تمیر ← یک بخش با سه ساکن پشت سر هم ← تمر ← کاهش آوایی لوستر ← یک بخش با سه ساکن ← لوستر ← دویخش

۸) قواعد ترکیب واحد های زبان را به ترتیب بیان کنید.

۱) قواعد واجی ۲) قواعد هم نشینی ۳) قواعد نحوی ۴) قواعد معنایی ۵) قواعد کاربردی

۹) **واجگاه چیست؟** دستگاه تولید صداها(واج ها) گفته می شود وشامل لب ها ، دندان ها ، لثه ها ، کام ، نای و...است. در آواشناسی سنتی به واجگاه "مخرج می گفتند.

۱۰) منظور از قواعد همنشینی زبان چیست؟ مثال بزنید.

این قاعده به ما کمک می کند تا بتوانیم از ترکیب تکواژها یا واژه های مناسب ، گروه های اسمی ، قیدی و فعلی مناسب تولید کنیم ؛

مواردی که در آن قواعد هم نشینی رعایت شده است:

درس زبان فارسی نظام جدید آموزش متوسطه رشته ی ادبیات و علوم انسانی آن دو دانشمند درستکار ایرانی

مواردی که در آن قواعد هم نشینی رعایت نشده است:

درس فارسی زبان متوسطه ی آموزش جدید نظام ادبیات وعلوم انسانی رشته آن دو درست کار دانشمند ایرانی

۱۱) منظور از ذخیره ی زبانی چیست؟ ← برای رشته ی انسانی

در هیچ زبانی از کلیه ی امکانات هم نشینی تکواژها و واژه ها استفاده نمی شود؛ صورت های ممکن غیر رایج را ذخیره ی زبانی نامیده می شود. مثال : « عمیق زمین » ، « بلند کوه »

۱۲) منظور از قواعد نحوی زبان چیست؟ مثال بزنید.

این قواعد جمله را بررسی کرده ، در صورتی که مطابق با معیارهای زبان باشد ، به آن اجازه ی تولید می دهد؛ «او به من گفت » درست ولی جمله ی «آن ها گفت»(عدم مطابقت نهاد و فعل) غلط است. برای فرا گرفتن قواعد نحوی نیازی به مدرسه رفتن نیست بلکه هر کس این قواعد را ذاتی در ذهن خود دارد و هنگام ساختن جمله ها از آن کمک می گیرند . چند مثال:

مواردی که در آن قواعد نحوی رعایت شده است:

حسن صورت خود را درآینه دید . / او صورت خود را در آینه دید. / من به مدرسه می روم. / ما فردا با آن ها مسابقه می دهیم.

مواردی که در آن قواعد نحوی رعایت نشده است:

حسن صورت حسن را در آینه دید. خود صورت خود را در آینه دید. من به مدرسه می رویم. ما فردا با آن ها مسابقه می دهد.

۱۳) منظور از قواعد معنایی زبان چیست؟ مثال بزنید.

قواعدی که به ما کمک می کند تا جمله های با معنایی بسازیم . این قواعد جمله ها را از نظر معنایی بررسی می کند و در صورتی به آن اجازه ی تولید می دهد که از دیدگاه معنایی درست باشد؛چند مثال:

مواردی که در آن قواعد معنایی رعایت شده است: چوپانان گوسفندان را به ده رسانیدند . ابرها آسمان را پوشانده اند.

مواردی که در آن قواعد معنایی رعایت نشده است:چوپانان آسمان آبی را رسانیدند. ابرها آسمان را خوابیده اند.

۱۴) منظور از قواعد کاربردی زبان چیست مثال بزنید.

قواعدی است که براساس آن ها، هر جمله ای در موقعیت مناسب خودش به کار می رود. چند مثال:

مواردی که در آن قواعد کاربردی رعایت شده است:

درس امروز را خوانده ای ؟ آره . تمرین هایش را حل کرده ام. / این کتاب ها را خریده ام تا در ایام تعطیل آن ها را بخوانم.

در مصرف نان باید صرفه جویی کرد زیرا تهیه آن دشوار است. / تا الان کجا بودی؟ کلاس جبرانی داشتیم . خیابان هم ترافیک بود.

مواردی که در آن قواعد کاربردی رعایت نشده است:

درس امروز را خوانده ای ؟ چوپانان گوسفندان را رسانیدند.

در مصرف نان باید صرفه جویی کرد زیرا در تابستان کولر لازم است. تا الان کجا بودی؟ آره خیلی گرسنه ام.

۱۵. همه ی زبان های بشری از.....و به..... ختم می شوند.

پاسخ فعالیت (۱)

آیا ساختن تکواژ ها یا واژه های زیر امکان پذیر است ؟ چرا ؟ چشمش ، متدین ، بپرند ، داگک

واژه های « چشمش ، متدین و ببرند » زیرا در چشمش در هجای اول هر چند که واجگاه / چ / و / ش / به هم نزدیک است اما بین آنها مصوت / - / فاصله انداخت ساخت آن درست است. و هجای دوم هم طبق قواعد و الگوی واجی است .

در « متدین » نیز واجگاه / ت / و / د / نزدیک به هم است اما بین آنها مصوت / □ / فاصله انداخت ساخت آن درست است .

در « ببرند » نیز واجگاه / ب / و / پ / نزدیک به هم است اما بین آنها مصوت / □ / فاصله انداخت ساخت آن درست است .

در « داگک » واجگاه / گ / و / ک / نزدیک به هم است و بی فاصله در کنار هم نشسته اند از این رو ساخت و تولید آن امکان پذیر نیست

پاسخ فعالیت (۲)

با استفاده از روش جانشین سازی ، دو جمله زیر را بازسازی کنید تا به جمله ی عادی معنا دار تبدیل شوند .

۱. پرنده ، آسمان آبی را نشانده است . این جمله از نظر معنا غلط است ، باید گروه فعلی دیگری جانشین گروه فعلی «نشانده است » شود تا

معنی جمله طبق قواعد معنایی زبان معیار گردد :

پرنده ، آسمان آبی را پیمود یا پرنده در آسمان آبی پرواز کرد .

۲. کیفم با دلخوری مدادش را تراشید .

این جمله از نظر معنا غلط است . باید گروه اسمی دیگری ، جانشین گروه اسمی «کیفم » شود . ← علی با دلخوری مدادش را تراشید

خودآزمایی

سؤال ۳- الگوی هجایی واحد های زبانی زیر را بنویسید.

واژه	الگوی هجایی
گُل	گُل ← ص + م + ص
رعد	رعد ← ص + م + ص + ص
خویشتن	خویش ← ص + م + ص / تن ← ص + م + ص
دانشمند	دا ← ص + م / نش ← ص + م + ص / مند ← ص + م + ص + ص
خورشید	خُر ← ص + م + ص / شید ← ص + م + ص
مؤذن	م ← ص + م / آذ ← ص + م + ص / ذن ← ص + م + ص
بنفشه	ب ← ص + م / آف ← ص + م + ص / ش ← ص + م
ماه	ماه ← ص + م + ص

نمونه سوالات امتحان نهایی درس به درس زبان فارسی ۱۳ خرداد ۸۱ تا شهریور ۹۴

درس ۱ قواعد ترکیب

۱- در هر یک از واحدهای زبانی زیر، کدام یک از « قواعد ترکیب » رعایت نشده است؟

الف) یاران وداع روز ۲۵+ (ب) بارش باران برگ های درختان را شنید. ۲۵+

۲- واژه « می نوازده » چند واج دارد؟ ۲۵+

۳. الگوی هجایی واژه « بهره مند » را بنویسید. ۷۵+

۴. در هر یک از واحدهای زبانی زیر، کدام یک از « قواعد ترکیب » رعایت نشده است؟

الف) غیبی الهامات منبع ۲۵+ (ب) گروه کوهنوردی به قله صعود کردند. ۲۵+

(ب) - فردا کدام آزمون برگزار می شود؟ - سحر را دیدم. ۲۵+

۵. الگوی هجایی واژه « خواسته » را بنویسید. ۵/

۶. در هر یک از واحدهای زبانی زیر، کدام « قواعد ترکیب » رعایت نشده است؟

الف) باهوش دانش آموز این ۲۵+ (ب) گروه کوهنوردی پس از فتح قله ، پرچم کشور را برافراشتند. ۲۵+

(ب) گوسفندان ، علف های سبز را کاشتند. ۲۵+

۷. کدام یک از « قواعد ترکیب » به ما کمک می کند تا هر جمله ی را در جایگاه خود به کار بریم؟ ۲۵+

۸. الگوی هجایی واژه ی « یافت » را بنویسید. ۲۵+

۹. واژه ی « آینده » چند صامت دارد؟ ۲۵/۰
۱۰. در هر یک از واحدهای زبانی زیر، کدام یک از « قواعد ترکیب » رعایت نشده است؟
 الف) کلاس دانش آموز کوشاترین ۲۵/۰ ب) تو او را دیدم. ۲۵/۰
 پ) آن ها آسمان آبی را نوشیدند. ۲۵/۰ ت) روزی چند ساعت مطالعه می کنید؟ من علی را دیدم. ۲۵/۰
۱۱. الگوی هجایی واژه ی « آداب » را بنویسید. ۵/۰
۱۲. در هر یک از واحدهای زبانی زیر، کدام یک از « قواعد ترکیب » رعایت نشده است؟
 الف) آباد این کشور ۲۵/۰ ب) ما دوستان را دیدند. ۲۵/۰
 پ) داگک ۲۵/۰ ت) فردا کلاس ادبیات داریم؟ نقاشی زیبایی کشید. ۲۵/۰
۱۳. الگوی هجایی واژه « آزار » را بنویسید. ۵/۰
۱۴. در هر یک از موارد زیر کدام قواعد ترکیب رعایت نشده است؟
 الف) فلسطین آزادی بخش سازمان ۲۵/۰ ب) سارا با خواهرش کتاب می خردند. ۲۵/۰
 پ) - آیا فصل تابستان را دوست داری؟ - امروز به مسافرت می روم. ۲۵/۰
۱۵. کدام واژه بر اساس الگوی « صامت + مصوت + صامت + صامت » ساخته نشده است؟ ۲۵/۰
- الف) آب ب) صبر پ) خورد ت) رفت
۱۶. درباره ی واژه ی « بنفشه » به پرسش های زیر پاسخ دهید. ۵/۰
 الف) چند مصوت دارد؟ ب) چند صامت دارد؟
۱۷. در هر یک از موارد زیر کدام قواعد ترکیب رعایت نشده است؟
 الف) امیرکبیر دولتی دبیرستان ۲۵/۰ ب) من به کتاب خانه ی ملی رفتم. ۲۵/۰
 پ) پرندۀ آسمان آبی را نشانده است. ۲۵/۰
۱۹. الگوی هجایی واژه ی « گفت » را بنویسید. ۲۵/۰
۲۰. درباره ی واژه ی « آزرده » به پرسش های زیر پاسخ دهید. ۵/۰
 الف) چند مصوت دارد؟ ب) چند صامت دارد؟
۲۱. در هر یک از موارد زیر کدام قواعد ترکیب رعایت نشده است؟
 الف) گوسفندان ، خانه ای خریدند. ۲۵/۰ ب) « لسان الغیب » لقب کیست؟ - شهر ما خانه ی ماست. ۲۵/۰
 پ) مجمع تشخیص مصلحت نظام این موضوع را بررسی کردند. ۲۵/۰
۲۲. الگوی هجایی واژه ی « خویشاوند » را بنویسید. ۷۵/۰
۲۳. در هر یک از موارد زیر کدام قواعد ترکیب رعایت نشده است؟
 الف) بهترین ما دانش آموز کلاس ۲۵/۰ ب) پرندۀ آسمان آبی را خریده است. ۲۵/۰
 پ) علیرضا با دوستانش به مسافرت رفتند. ۲۵/۰
۲۴. الگوی هجایی واژه ی « خواسته » را بنویسید. ۵/۰
۲۵. در هر یک از موارد زیر کدام قواعد ترکیب رعایت نشده است؟
 الف) کلاس دانش آموز کوشاترین ۲۵/۰ ب) کیفم با دل خوشی مدادش را تراشید. ۲۵/۰
 پ) من زندگی را دوست دارم. ۲۵/۰
۲۶. در هر یک از موارد زیر کدام قواعد ترکیب رعایت نشده است؟
 الف) - قرن زلزله ی مهیب ترین ۲۵/۰ ب) - گوسفندان در باغ درخت می کارند. ۲۵/۰
 پ) - در تابستان گذشته به چه کاری مشغول بودید؟ - فردا امتحان داریم. ۲۵/۰
۲۷. چرا واج های / چ / و / ش / نمی توانند بدون فاصله در کنار هم قرار گیرند؟ ۲۵/۰
۲۸. الگوی هجایی واژه ی « خواهشمند » را بنویسید. ۷۵/۰
۲۹. در هر یک از موارد زیر کدام قواعد ترکیب رعایت نشده است؟
 الف) کبوتر روزنامه می خواند. ۲۵/۰ ب) مدرسه شاگرد بهترین ۲۵/۰
 پ) گروه کوهنوردی روز جمعه به قله ی دماوند صعود کردند. ۲۵/۰
۳۰. واژه ی « بنفشه » از چند واج تشکیل شده است؟ ۲۵/۰
۳۱. الگوی هجایی واژه ی « آباد » را بنویسید. ۵/۰

۳۲. در هر یک از موارد زیر کدام قواعد ترکیب رعایت نشده است؟
 الف) امین با دوستانش به نمایشگاه کتاب رفتند. ۲۵/۰
 ب) آشفته کشور آن ۲۵/۰
 پ) چه هوای گوش خراشی! ۲۵/۰
۳۳. لگوی هجایی واژه ی « مؤلف » را بنویسید. ۷۵/۰
۳۴. بر اساس کدام یک از قواعد ترکیب، تولید واحد زبانی زیر غیرممکن است؟ جمله را به صورتی تغییر دهید که تولید آن امکان پذیر شود.
 ۵/۰ « سروهای دشت بلند، با وزش نسیم به حرکت در می آیند. »
۳۵. چرا تولید واحد زبانی زیر امکان پذیر نیست؟ ۵/۰
 لسان الغیب لقب چه کسی است؟ غزلیات شمس از آثار مولاناست.
۳۶. با توجه به الگوی هجایی واژه های زیر ، در هر مورد غلط را بیابید و تصحیح کنید. ۱
 آ مصوت بلند
 الف) آرزو ر صامت + مصوت کوتاه
 زو صامت + مصوت بلند
 ب) بنفشه بـ صامت + مصوت کوتاه
 نف صامت + مصوت کوتاه + صامت
 ش صامت + صامت
۳۷. الگوی هجایی واژه ی « رؤیت » را بنویسید. ۵/۰
۳۸. در تولید واحد زبانی زیر، کدام قواعد ترکیب رعایت نشده است؟ ۵/۰
 « دانش آموز مدرسه این بهترین، با دوستان خود به کوهستان های شمال رفتند.
۳۹. الگوی هجایی واژه ی « آوا » را بنویسید. ۵/۰
۴۰. چرا تولید واحد زبانی زیر غیرممکن است؟ ۵/۰
 امین با دوستانش به نمایشگاه بین المللی کتاب رفتند.
۴۱. الگوی هجایی واژه ی « هیئت » را بنویسید. ۵/۰
۴۲. برای قاعده ی « نحوی » یک مثال درست و یک مثال نادرست بنویسید. ۵/۰
۴۳. در جمله « پرنده ، آبی پاک آسمان را نشانده است. »
 الف) رعایت نکردن کدام قواعد ترکیب، ساخت جمله را غیر ممکن کرده است؟
 ب) الگوی هجایی واژه ی « آبی » را بنویسید.
۴۴. کدام قواعد ترکیب ، تولید واحد زبانی زیر را غیرممکن ساخته است؟
 « سبز درختان شمال جنگل ، انسان ها را می کارند.»
۴۵. چرا تولید واحد زبانی زیر امکان پذیر نیست؟ آن را به گونه ای بنویسید که کاربرد پیدا کند. ۵/۰
 « یاس های باغچه ی سپید مادر بزرگ »
۴۶. الگوی هجایی واژه ی « آیین » را بنویسید. ۵/۰
۴۷. به چه دلیل واژه ی « ربّ » در زبان فارسی قابل تلفظ نیست؟ ۵/۰
۴۸. چرا جمله ی زیر در زبان معیار کاربرد ندارد؟ شکل درست آن چگونه است؟ ۷۵/۰
 « نور، درخت شاخه های نازک ترین را نوازش می کرد. »
۴۹. کدام یک از قواعد ترکیب به ما کمک می کند تا هر جمله ی را در جایگاه خودش به کار ببریم؟ ۲۵/۰
۵۰. کدام یک از واژه های زیر بر اساس الگوی هجایی « صامت + مصوت + صامت + صامت » ساخته نشده است؟ دلیل خود را ذکر کنید.
 الف) فیض ب) کین ج) ابر د) پارس
۵۱. الگوی هجایی واژه ی « انس » را بنویسید. ۵/۰
۵۲. به چه دلیل کاربرد واحدهای زبانی زیر نادرست است؟ ۵/۰
 الف) تو، تو را از دید دیگران پنهان نمودی. ب) صمیمی دوستان آرزوی دیدن خوب
۵۳. الگوی هجایی واژه ی « چاره » را بنویسید. ۵/۰
۵۴. الف) طبق چه قاعده ای واحد زبانی زیر نادرست است؟ ۵/۰
 « علف های سبز، گوسفندان را می درند. »

- ب) جمله ی فوق را به گونه ای تغییر دهید که در زبان معیار قابل استفاده باشد. ۵/۰
۵۵. در جمله ی « من ، من ، من را در آینه دیدم. » کدام قاعده ی ترکیب زبانی رعایت نشده است؟ ۵/۰
۵۶. الگوی هجایی واژه ی « گُل » را بنویسید. ۵/۰
۵۷. چرا نمی توان واحد های زبانی « مرثد و پیر » را تولید کرد؟ ۵/۰
۵۸. الگوی واژه ی « پارس » را بنویسید. ۵/۰
۵۹. توضیح دهید به چه علت جمله ی « دشت ، گوسفندان را می چرانند » نادرست است. صورت صحیح آن را بنویسید. ۵/۰
۶۰. چرا واژه ی « داگک » با وجود برخورداری از الگوی هجایی، در زبان معیار کاربرد ندارد؟ ۵/۰
۶۱. کاربرد گروه اسمی « بلند دماوند کوه » بر اساس کدام قاعده ی ترکیب زبانی، نادرست است؟ ۵/۰
۶۲. چرا ساختن واژه ی « رتد » در زبان، امکان پذیر نیست؟ ۵/۰
۶۳. در تولید واحدهای زبانی زیر چه قواعدی رعایت نشده است؟ ۷۵/۰
- الف- بر می داشتند داشتند. ب- من من را صدا زدم. پ- مدرسه ی یک روز خاطره .
۶۴. چرا تولید واحدهای زبانی زیر غیر ممکن است؟ ۵/۰
- الف- آن دانشمند مرد ایرانی دو ب) پرنده باغ را کاشت.
۶۵. به چه دلیل تولید واحد زبانی « بلند آسمان این » در زبان معیار غیر ممکن است؟ ۵/۰
۶۶. یک مثال بنویسید که قواعد معنایی در آن رعایت نشده باشد. ۵/۰
۶۷. الگوی هجایی واژه ها ی « ریخت و سرو » را بنویسید. ۵/۰
۶۸. به چه دلیل تولید واحد زبانی « بلند آسمان این » در زبان معیار غیر ممکن است؟ ۵/۰
۶۹. یک مثال بنویسید که قواعد معنایی در آن رعایت نشده باشد. ۵/۰
۷۰. برای رعایت نکردن هر یک از قواعد واجی و هم نشینی مثالی ذکر کنید. ۱
۷۱. واحدهای زبانی را از بزرگ به کوچک به ترتیب نام ببرید. ۱/۵
۷۲. همه ی زبان های بشری از تشکیل می شوند و به پایان می یابند. ۵/۰
۷۳. در نظام آوایی زبان فارسی الگوی هجایی با صامت آغاز می شود یا مصوت؟ ۲۵/۰
۷۴. واج ها با هم ترکیب می شوند و واحد بزرگ تر زبانی ساخته می شود. ۵/۰
۷۵. با استفاده از روش جانشین سازی جمله ی « کیفم با دلخوری مدادش را تراشید » را باز سازی کنید تا به جمله ی عادی معنا دار تبدیل شود. ۵/۰
۷۶. برای رعایت نکردن قواعد معنایی زبان مثالی بیاورید، سپس صورت صحیح آن را بنویسید. ۱
۷۷. کوچک ترین جزء زبان چه نام دارد؟ ۲۵/۰

درس دوم

جمله

جمله

پس از جمله ی مستقل، بزرگ ترین واحد زبان «جمله» است که از یک یا چند گروه ساخته شده است. یا سخنی است که از دو بخش نهاد و گزاره تشکیل شده است.

جمله ی مستقل:

جمله ی مستقل بزرگترین واحد زبانی است که از واحدهای کوچک تر ساخته شده است و خود جزئی از یک واحد بزرگ تر نیست.

انواع جمله ی مستقل

الف: جمله ی مستقل ساده: جمله ای است که با داشتن نهاد و گزاره ، سکوت در پایان آن جایز است ومعنای کاملی دارد. به عبارت دیگر جمله ای است که جزیی از واحد بزرگ تر زبان نیست وباداشتن یک فعل مفهوم آن کامل است. دوستم پیراهنی نو خریده است. ← این جمله با یک فعل، معنی کاملی دارد.

ب: جمله ی مستقل مرکب: جمله ی کاملی است که بیش از یک فعل دارد. ← تو ثروتمند واقعی هستی چون قلب پاکی داری. *هر کدام از دو جمله ی فوق با وجود داشتن فعل، مفهوم کاملی ندارند بلکه مفهوم آن ها با هم کامل می شود.

اجزای جمله ی مرکب:

هر جمله ی مرکب از یک جمله ی هسته (پایه / اصلی) و یک یا چند جمله ی وابسته (پیرو) تشکیل می شود. *برای شناخت جمله ی هسته و وابسته در جمله ی مرکب ابتدا باید حروف ربط وابسته ساز (پیوند) را بشناسیم.

حروف ربط وابسته ساز (پیوند)

حروف ربط وابسته ساز در جمله ی مرکب به کار می روند و رابط بین جمله ی هسته و وابسته اند. از میان حروف ربط وابسته ساز حرف «که» بیشترین کاربرد را دارد. وعبارتنداز:

(که، تا)، اگر، چون ، زیرا(که)، وقتی(که)، هنگامی(که)، از آن جا که، همین که، چنان چه، به شرط این که، در صورتی که، از آن جاکه، و...

جمله ی هسته: جمله ی ساده ی غیرمستقلی است که در ساخت جمله ی مرکب به کار می رود و یک یا چند وابسته دارد.

جمله ی وابسته: جمله ی ساده ی غیرمستقلی است که در ساخت جمله ی مرکب، وابسته به جمله ی هسته است.

نکته ۱: نشانه ی جمله وابسته پیوند وابسته ساز است که معمولاً در آغاز آن با آن همراه است.

*در جمله ی مرکب، هیچ یک از دو جمله ی هسته (پایه / اصلی) و وابسته (پیرو)، جمله ی مستقل نیست.

مشکل بود	که	آن ها از رودخانه بگذرند.
جمله ی هسته	پیوند وابسته ساز	جمله ی وابسته
جمله ی مستقل مرکب		

نکته ۲: پیوندهای پر کاربرد «که و تا» گاهی از جمله حذف می شوند ولی بالقوه وجود دارند. آماده ام (تا/ که) تو را ببینم. وظیفه ی آگاهان است که نگذارند (تا / که) هدف انسانی دانش فراموش شود.

نکته ۳: جایگاه هسته و وابسته در جمله ی مرکب: (ساختار جمله مستقل مرکب)

۱- جمله ی وابسته قبل از هسته: چون از تاخیر قطار خبر داشتیم، عجله نکردیم
پیوند وابسته ساز جمله وابسته جمله ی هسته

جمله ی مستقل مرکب

۲- جمله ی وابسته بعد از هسته:

ماشین روشن نشد	چون	هوا سرد بود
جمله ی هسته	پیوند وابسته ساز	جمله ی وابسته

جمله ی مستقل مرکب

۳. جمله ی وابسته درون یا شکم جمله ی هسته:

او از کاری هسته	که	کرده است	پشیمان خواهد شد. (او از کاری پشیمان خواهد شد)
پیوند وابسته ساز	جمله ی وابسته	جمله ی هسته	جمله ی هسته

جمله ی مستقل مرکب

*جمله های وابسته ای که دارای حرف پیوند وابسته ساز «که» هستند، همیشه بعد از هسته قرار می گیرند.

نکته ۴: برای این که مشخص شود جمله ی وابسته، جزئی از جمله ی هسته است، آن را تأویل می کنیم. در تأویل، فعل جمله ی وابسته به صورت صفت یا مصدر در می آید.

۱- معمولاً جمله ی وابسته وقتی تأویل به صفت می شود که وابسته ی یکی از گروه های اسمی جمله ی مرکب باشد.
کتابی که امانت داده بودید پیش من است. = کتاب امانت داده شده

جمله ی وابسته صفت

مهندسی که این سد را ساخته بود تشویق شد. - مهندس سازنده ی این سد.....

۲. اگر جمله مرکب، طبق قاعده ی بالا نباشد، فعل جمله ی وابسته تأویل به مصدر می شود و در یکی از نقش های نهاد، مفعول، متمم، متمم قیدی، بدلی و مضاف الیه ای می آید.

* بدیهی است که ما همه متحد هستیم. = متحد بودن همه ی ما بدیهی است. (نهاد)

* باور نمی کنیم که اعضای این طبقه متحد شوند. = متحد شدن اعضای این طبقه را باور نمی کنیم. (مفعول)

* می ترسم که به گناه آلوده شرم. از آلوده شدن به گناه می ترسم. (متمم)

* به بیمارستان رفتم که دوستم را عیادت کنم = برای عیادت دوستم به بیمارستان رفتم. (متمم قیدی)

* شما که طبقه ی روشنفکر این آب و خاک هستید، چرا در برابر ظلم سکوت می کنید؟ = شما، طبقه ی روشنفکر این جامعه، چرا در برابر ظلم سکوت می کنید؟ (بدل)

* انتظار نداشتم که شما زود بیایید. = انتظار زود آمدن شما را نداشتم. (مضاف الیه)

* علی بود که در خیبر را کند. = علی کننده ی در خیبر بود. (مسند)

نکته ۵: اگر یکی از پیوندهای هم پایه ساز بین دو جمله بیاید، جمله ی مرکب ساخته نمی شود. جمله هایی که با پیوندهای هم پایه ساز به هم می پیوندند، جمله های هم پایه نامیده می شوند.

جمله های هم پایه جمله های مستقلی هستند که با پیوند هم پایه ساز به هم پیوند خوردند و هیچ یک جزیی از جمله ی دیگر نیست.

علی به کتاب خانه رفت و زود برگشتت

جمله مستقل ساده پیوند هم پایه ساز جمله مستقل ساده

امروز هوا سرد است اما برف نمی بارد ولی ما به سفر می رویم.

جمله مستقل ساده جمله مستقل ساده جمله مستقل ساده

علی به کتاب خانه رفت تا مطالعه کند و تکلیفش را بنویسد و به دوستش نیز کمک کند.

جمله ی هسته پیوند جمله ی وابسته پیوند جمله ی وابسته جمله ی وابسته

پیوند هم پایه ساز «و» سه جمله ی آخر را همپایه کرده است و هر سه جمله ، وابسته ی جمله ی اول هستند ، زیرا پیوند وابسته ساز تا ، می تواند پیش از دو جمله ی آخر بیاید.

امادرمثال علی به کتاب خانه رفت تا مطالعه کند وزود به خانه برگشت "و" جمله ی زود به خانه برگشت را با علی به کتاب خانه رفت (=هسته) هم پایه کرده است ، زیرا پیوند تا را نمی توان پیش از زود به خانه برگشت قرارداد.

نکته ۶: هرگاه به کمک پیوندهای هم پایه ساز جمله ای را با یک جمله ی مستقل همپایه کنیم ، آن جمله نیز جمله ای مستقل است و هرگاه به

کمک این حروف ، درون یک جمله ی مرکب جمله ای را با جمله ی وابسته یا جمله ی هسته ، هم پایه کنیم ، جمله ی

هم پایه شده نیز جمله ی هسته (=پایه ، اصلی) یا پایه (= پیرو) خواهد بود. مثال:

یکی از راه رسید و زیردرختی نزدیک جمع ما نشست اما با ما غذا نخورد.

جمله مستقل ساده جمله مستقل ساده جمله مستقل ساده

اگر با آرش تماس گرفتی یا اتفاقی او را دیدی، سلام مرا به او برسان.

جمله ی وابسته جمله ی وابسته جمله ی هسته

جمله ی مستقل مرکب

اگر با آرش تماس گرفتی ، سلام مرا به او برسان و نشانی محل کارم را به بده.

جمله ی وابسته جمله ی هسته جمله ی هسته

جمله ی مستقل مرکب

نکته ۷: پیوندهای همپایه ساز عبارتند از: اما، ولی، یا، و

گروه: مجموعه ای از یک یا چند واژه است که در ساختمان جمله به کار می رود. هر گروه از یک هسته تشکیل می گردد که می تواند یک یا چند وابسته نیز داشته باشد، آمدن وابسته ها در گروه الزامی نیست.

گروه به سه دسته تقسیم می شود:

گروه اسمی: هسته ی این گروه، یک «اسم» است.

هر چهار دانش آموز ممتاز دبیرستان فضیلت

گروه فعلی: هسته ی هر گروه فعلی «بن فعل» است. نوشتیم (نوشت)

گروه قیدی: هسته هر گروه قیدی را «قید» یا «اسم» تشکیل می دهد.

واژه یا کلمه

۱. واژه یکی از واحد های سازنده زبان است که از یک یا چند ° تکواژ ساخته می شود و در ساختمان واحد بزرگ تر به کار می رود؛ پس:

واژه ° ۱- تکواژ ← کتاب، میز، راه، از، که و.....

° ۲- تکواژ + تکواژ + تکواژ + ... ← کتاب خانه، دانشمند، دادگستری، خواهند رفت و...

۱- انواع واژه از نظر مفهوم:

۱- مفهوم مستقل دارند؛ مانند میز، کتاب، باغبان، دانش آموز، نمی روند و...

۲- مفهوم غیر مستقل دارند؛ مانند حروف اضافه، نشانه ی مفعول، پیوند وابسته ساز و پیوند هم پایه ساز، ضمائر شخصی جدا، مشترک،

پرسشی، اشاره، نقش نمای ندا

۳- یا در ساختار جمله مفهوم پیدا می کنند مانند نقش نمای اضافه، ضمائر شخصی پیوسته، حروف پیوند «و»، نقش نمای ندا «ا»، واژه های

اسنادی یا مخفف فعل اسنادی؛ مانند «ی» در تویی (= تو هستی) یا «م» در منم (= من هستم) و....

نکته: بهترین شیوه ی تشخیص و تفکیک واژه ها، شناخت نوع دستوری و نقش آن هاست.

* منظور از نوع دستوری چیست؟ منظور «اسم، فعل، صفت، قید، ضمیر، حروف (=نقش نماها)، صوت» است.

توجه: ضمیر های شخصی پیوسته نیز یک واژه هستند.

* منظور از نقش دستوری چیست؟

هر واژه ای که نقش های «نهاد، مسند، مفعول، متمم، منادا، مضاف الیه، بدل، معطوف، تکرار، قید، صفت، فعل» را بپذیرد؛ یک واژه

به شمار می آید.

۲- معیار هایی برای شناخت و جدا کردن واژه ها:

۱-۲. شناختن و جدا کردن هسته و وابسته ها در گروه های اسمی و قیدی. در گروه های اسمی و قیدی هر هسته و وابسته و وابسته های

وابسته (به استثنای نشانه های جمع و ی نکره که با هسته ی خود یک واژه را تشکیل می دهند) یک واژه ی جدا هستند؛ مثال

این دو بهترین دانش آموز زرنگ کلاس اول ← ۱۰ واژه کتاب هایی مفید ← ۲ واژه

۲-۲. شناختن و جدا کردن نقش نما: زیرا نقش نما ها مرز واژه ها را مشخص می کنند و خودشان یک واژه به شمار می آیند؛ مانند

دوست خوب دوران دانش آموزی من ← ۹ واژه دوست علی، کتاب من را از دوست من گرفت. ← ۱۲ واژه

۲-۳. معیار املائی شناخت واژه:

واژه وحدت املائی دارد به این معنی که در نوشته معمولاً فاصله ای (= فاصله ی میان واژه ای) در دو طرف آن رعایت می شود.

* فاصله ی معین بین واژه ها را فاصله ی «میان واژه ای» می گویند که تقریباً دو برابر فاصله ی بین حروف واژه (= فاصله ی میان حرفی) است.

۲-۴. معیار معنایی شناخت واژه:

آن است که واژه یک واحد معنایی است که بر یک یا چند مفهوم منفرد و جداگانه دلالت دارد. مانند «کتاب» که به تنهایی برشی ۱ شناخته شده

دلالت دارد اما در ترکیب «کتاب خانه» دیگر بر آن شیء شناخته شده دلالت ندارد و به همراه «خانه» بربیک مکان مشخص و معروف دلالت می

کند. پس نتیجه می گیریم که «کتاب» به همراه «خانه» یک واژه ی مرکب و به تنهایی یک واژه ی ساده است.

۵. معیار آوایی شناخت واژه:

آن است که بین واژه های یک مکث یا درنگ با لّوه وجود دارد که بین بخش های واژه ی ساده یا تکواژهای واژه ی غیر ساده، امکان پذیر

نیست. پس مکث و درنگ می تواند مرز بین دو واژه را نشان دهد و آن ها را جدا کند.

* نشانه ی مکث و درنگ، سکون و ویرگول است که در شناخت و جدا کردن واژه ها به نظم کاربرد بسیار دارد و معیار خوبی است.

۶- معیار صرفی شناخت واژه

واژه یک واحدزبانی است که از یک تک واژه آزاد یا چند تک واژه آزاد / یک تک واژه + یک تک واژه وابسته یا چند تک واژه آزاد + یک یا چند تک واژه وابسته (=وند) ساخته می شود و در واحد بزرگ تر زبان ؛ یعنی ، گروه به کار می رود و در سلسله مراتب واحد های زبان ، واژه پایین تر از گروه و بالاتر از تک واژه قرار می گیرد.

۳- چند نکته برای انواع واژه از نظر ساخت:

۱- هیچ تکواژی نمی تواند در میان اجزای تشکیل دهنده ی واژه های غیر ساده قرار گیرد: مثلاً در واژه های خوش نویسی، کتاب خانه، و... آوردن گروه های اسمی وابسته دار، تنها به این شکل درست است:

خوش نویسی ها، این خوش نویسی، کدام خوش نویسی؟ خوش نویسی ممتاز/ کتاب خانه ها، این کتاب خانه، کدام کتاب خانه؟ کتاب خانه ی عمومی اما به شکل های زیر یا مانند آن نمی توانند بیایند:

خوش ها نویسی، خوش این نویسی، خوش کدام نویسی؟ خوش ممتاز نویسی،

کتاب ها خانه، کتاب این خانه، کتاب کدام خانه؟ کتاب ممتاز خانه

۲- اگر بتوان در میان دو تکواژ، تکواژ دیگری قرار داد، این امر نشان می دهد که تکواژها از هم جدا هستند و ما با ساختار نحوی

(= گروه = هسته + + وابسته) سر و کار داریم و هر کدام از این دو تکواژ، یک واژه ی جداگانه هستند و یک نقش جداگانه دارند؛ مانند.

گل بنفشه ← گل های بنفشه، گل زیبای بنفشه، گل این بنفشه، گل کدام بنفشه؟ ← پس این ترکیب ، یک گروه اسمی است و سه واژه

دوست معلم ← دوستان معلم ، دوست این معلم ، دوست خوب معلم ← پس این ترکیب ، یک گروه اسمی است و سه واژه

۳- واژه ی غیر ساده خود واژه ی جدیدی است که از جهت معنا دقیقاً منطبق با هیچ یک از قسمت های تشکیل دهنده ی آن نیست بلکه خود برمعا، مفهوم و مصداق مستقل دیگر دلالت دارند. مانند:

«گلآب» نه گل است و نه آب یا «شترمرغ» نه شتر است و نه مرغ یا «روزنامه» نه روز است نه نامه

۴- واژه ی غیر ساده، حداقل از دو تکواژ ساخته می شود و هر کدام از تکواژهای آن را می توان به تنهایی یا در ساختار واژه های دیگر به تنهایی به کار برد.

گلآب ← گل، گل خانه، گل فروش، گلستان، گلزار ← علی گل می کارد.

آب، آب پاش، آب کار، آب بند، آبی، ← علی آب می خورد.

۵- گفته شد کسره و نقش نمای اضافه تکواژی است که جدا کننده ی دو واژه یا مرز نمای دو واژه است و نشان می دهد که بین آن دو واژه رابطه ی نحوی (= هسته + وابسته) برقرار است بنابراین یکی از راه های مناسب تشخیص واژه های غیر ساده (= مشتق، مرکب، مشتق -

مرکب) عدم وجود کسره ی اضافه بین تکواژهای سازنده ی آن هاست: مانند:

خواهر زن، پسر دایی، کتاب خانه، راه آهن، دانش آموز ...

۶- اجزای واژه های غیر ساده گاه آن چنان با هم ادغام می شوند که تشخیص ساده از غیر ساده ممکن نیست؛ مثلاً می دانیم که «دشوار» از دو جزء «دش + خوار» ساخته شده است. اما امروزه این نوع واژه ها از نظر اهل زبان، ساده به شمار می آیند؛ چون اهل زبان پیشینه ی باستانی

زبان را در نظر نمی گیرند؛ بنابراین واژه هایی مانند: تابستان، زمستان، دبستان، ساریان، خلبان، شبان (چوپان)، زنخندان (چانه) ناودان،

خاندان، سیبوش، سهراب، رستم، تهمینه، شیرین، دستگاہ، استوار، بنگاه، یگاہ، غنچه، پارچه، کلوچه، کوچه، مزه، دیوار، دیوانه، وادار، دشنام، شبستان، بادگاہ، کاروان، دربار، چمدان، زهدان، زنده، دیروز، دیشب، امروز، امشب و امسال ساده به شمار می آیند.

واج: واج کوچک ترین واحد صوتی زبان است که معنایی ندارد اما تفاوت معنایی ایجاد می کند. پس هر چیزی که تلفظ می شود، یک واج به حساب می آید. به عبارت بسیار ساده تر، واج همان است که در اول ابتدایی به آن "صدا" گفته می شود.

انواع واج:

۱- مصوت = ۶ تا ← الف) مصوت بلند: ا، ی، و (ب) کوتاه: ا، آ، اُ، ۲- صامت = ۲۳ تا: ع، ب، پ، ت ...

* چند نکته درباره ی صامت و مصوت:

۱- در زبان فارسی همه ی هجاها با صامت شروع می شوند و در این زبان هیچ هجایی نیست که با مصوت آغاز شود. پس واج اول هر هجا صامت است: خداوند، یادگاری.

در کلماتی نظیر «اصول» و «ایران» که با «ا» آغاز می شوند، حرف «الف» نماینده ی همزه ی آغازی است زیرا کلماتی که با همزه آغاز می گردند (چه فارسی باشند و چه عربی و غیر عربی) با «الف» تنها نوشته می شوند. بنابراین واج اول این کلمات «ا» و واج دوم آن ها نیز یکی از مصوت های کوتاه یا بلند خواهد بود:

اصول ← ء/ه/و/ل ابر ← ء/ه/ب/ر اسم ← ء/ه/س/م ایران ← ء/ی/ر/ا/ن او ← ء/و

۲- هر مصوت - چه کوتاه و چه بلند - همیشه دومین واج هجا است. بنابراین هیچ یک از هجاهای فارسی با دو صامت آغاز نمی شوند. به عبارت دیگر، ابتدا به ساکن در زبان فارسی نیست: کتابخانه، الگوبرداری، ایمان.

۳- «ا»، «و» و «ی» با تلفظ های متفاوت، گاه صامت و گاه نیز مصوت به شمار می آیند. برای تشخیص آن ها کافی است که به جایگاهشان دقت کنیم. بر این اساس «ا»، «و» و «ی» اگر واج دوم هجا باشند، مصوت هستند که در این صورت تلفظ آن ها به شکل «ā»، «ū» و «ī» خواهد بود: پیروزمندانه ← پی/روز/من/دا/ن

اما چنان چه واج اول، سوم یا چهارم هجا باشند، صامت خواهند بود:

درو ← د/رو یادواره ← یاد/وار استقامت ← اس/ت/قا/مت ریحان ← ری/حان

۴- هر هجا فقط دارای یک مصوت است، بنابراین در هر کلمه به تعداد مصوت، هجا خواهیم داشت:

پیروزمندانه ← پی/روز/من/دا/ن

۵- در کلمات فارسی هیچ گاه دو مصوت - چه کوتاه و چه بلند - بلافاصله در کنار یکدیگر قرار نمی گیرند بلکه حتماً در میان آن ها یک صامت می آید که به آن صامت یا واج میانجی گفته می شود. واج های میانجی عبارتند از:

ی ← خدای من، آشنایان، جویا، گنجایش، جایمان، گوینده، می گویم، می گویم

همزه (ا) ← خانه ای، نامه ات ج ← سبزیجات، ترشیجات ک ← نیاکان، پلکان گ ← ستارگان، هفتگی و ← آهوان، بانوان البته گاه واج های میانجی در نوشتار ظاهر نمی شوند که در این صورت از طریق تلفظ و بهره گیری از الفبای فونتیک می توان به وجود آن ها پی برد. این واج ها عبارتند از:

ی (در برخی موارد) ← سپاهیان (sepāhiyān)، فرهنگیان، دانشگاهیان، ایرانیان، بازاریان و ...

و (در همه ی موارد) ← آهوان (?āhūvān) بانوان، زنان، گیسوان و ... البته در این گونه کلمات، مصوت بلند «و» در تلفظ امروزی به مصوت کوتاه «^و» تبدیل می شود (?āhovān).

۶- در هجاهای فارسی، پس از مصوت بیش از دو صامت در کنار هم نمی آیند. بنابراین طولانی ترین الگوی هجایی در زبان فارسی بدین گونه است: صامت + مصوت (کوتاه یا بلند) + صامت + صامت ← باخت، درد

* چند نکته درباره ی شمارش واج:

۱- همه ی حرکت ها اعم از فتحه، کسره و ضمه یک واج به حساب می آیند: رفتنی ← ر/ه/ف/ت/ه/ن/ی

۲- حروف مشدد، دو واج محسوب می شوند که یک واج در پایان یک هجا و واج دیگر در آغاز هجای بعدی قرار می گیرد: همت ← ه/ه/م/م/ت

۳- حروفی که در نوشتار ظاهر می گردند اما خوانده نمی شوند، واج به شمار نمی آیند. نظیر:

«و» معدوله در کلماتی چون خواب، خوشحال، خود و ... که امروزه تلفظ نمی شود:

خواب ← خ/ب خوشحال ← خ/ش/ح/ل خود ← خ/د

«ه» غیر ملفوظ پایانی در کلماتی نظیر ستاره، نویسنده، نه و ...:

ستاره ← س/ت/ر/ه نویسنده ← ن/و/ی/س/ن/د/ن نه ← ن/ه

باید دقت داشت که «ه» در واژه هایی چون نه، مه، تشبیه، کوه، دانشگاه و ... تلفظ می شود و صامت است: نه ← ن/ه

مه ← م/ه تشبیه ← ت/ش/ب/ی/ه

۴- «آ» از صامت «ء» و مصوت «ا» تشکیل شده است، بنابراین دو واج به شمار می آید:

آبادان ← ا/ب/ا/د/ا/ن قرآن ← ق/ا/ر/ا/ن مأخذ ← م/ا/ء/خ/ذ

۵- هنگامی که همزه بر روی کرسی های «أ»، «ؤ» «ئ» و «ه» قرار می گیرد، فقط همزه را واج به شمار می آوریم چرا که این کرسی ها هیچ صدایی ندارند:

مسئله ← م/س/ل/ل/ل اتلاف ← ء/ه/ت/ل/ل/ف

سؤال ← س/ل/ل/ل/ل ملجأ ← م/ل/ل/ج/ل/ء

۶- کلماتی را که دو تلفظی هستند، می توان به دو صورت واج نویسی و هجانویسی نمود:

آسمان ← واج: ا/س/م/ا/ن هجا: ا/س/مان

آسمان ← واج: ا/س/م/ا/ن هجا: ا/س/مان

برخی دیگر از این نوع کلمات عبارتند از: روزگار، یادگار، استوار، مهربان، باغبان، پاسبان، مستمند، ارجمند و ...

باید توجه کرد که کلماتی چون «خیابان» و نظایر آن (سیاست، آشیان و ...) دو تلفظی نیستند و تنها به یک شکل خوانده می شوند: خ/ی/ی/ب/ا/ن ← xiyābān (i = مصوت / y = صامت).

* پرسش: آیا حروفی که در فرایند واجی کاهش حذف می شوند، در شمارش واج به حساب می آیند یا خیر؟

پاسخ آقای غلامرضا عمرانی (مؤلف کتاب): واضح است که بستگی به شیوه ی خواندن دارد زیرا اعمال فرایند واجی غالباً اختیاری است؛ مثلاً هیچ کس نمی تواند حکم کند که «روزگار» را همیشه «روزگار» بخوانیم یا «روزگار» [از نظر آقای عمرانی، روزگار دارای فرایند واجی افزایش است] مگر آن که طراح سؤال به کمک اعراب گذاری شیوه ی دقیق خواندن آن را مشخص کرده باشد. یا در واژه ی «خواستگاری» امکان بروز دو نوع فرایند واجی است: ۱- خواستگاری (کاهش) ۲- خواستگاری (افزایش).

بنابراین، ساختار واجی یک واژه ی مکتوب را بر اساس شکل مکتوب آن مشخص می کنیم مگر آن که در صورت سؤال قید شده باشد که فرایندهای واجی ممکن هنگام تلفظ این واژه، در نظر گرفته شود. به عنوان نمونه:

❶ ساختار واجی واژه ی «دست بند» را مشخص کنید. پاسخ: د/ب/س/ت/ب/ن/د

❷ ساختار واجی واژه ی «دست بند» را با در نظر گرفتن فرایندهای واجی هنگام تلفظ آن مشخص کنید. پاسخ: د/ب/س/ت/ب/ن/د

تکواژ

تکواژ واحد معنی داری است که به واحدهای معنی دار کوچک تر بخش پذیر نباشد.

یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند واج ساخته می شود.

به کوچک ترین واحدهای بامعنایی که از تجزیه ی واژه ها مشخص می گردد، تکواژ گفته می شود.

کوچک ترین واحد زبان است که دارای معنی یا نقش دستوری است.

انواع تکواژ

تکواژها را بسته به این که به تنهایی به کار روند یا نه، به دو دسته ی تکواژ آزاد و تکواژ وابسته تقسیم می کنند.

۱- تکواژ آزاد: که خود بر دو نوع است:

۱-۱- تکواژ آزاد قاموسی یا واژگانی: این نوع تکواژها خود یک واژه ی مستقل و معنی دار هستند، مانند اسم ها، صفت ها، بن مضارع

افعال گذراننده (پرداز، ساز) و بن ماضی افعال گذراننده (رفت، گفت) که معمولاً در فرهنگ لغات تنظیم و معنا شده اند. البته برخی از

تکواژهای آزاد قاموسی از قبیل بن مضارع، در زبان معیار استقلال خود را از دست داده اند.

یا به عبارت دیگر، به تکواژهایی که ممکن است به تنهایی به صورت واژه های ساده به کار روند یا پایه ی واژه را در واژه های فعل یا غیر

فعل تشکیل دهند، تکواژ واژگانی یا قاموسی گفته می شود، مانند:

الف) گیاه، گرم، دفتر، کتاب، میز، دهان و ...

ب) "خند" در «می خندد»، "ساز" در «می سازد» و ...

۱-۲- تکواژ آزاد دستوری: تکواژ آزادی است که کارکرد دستوری دارد. این تکواژها که فهرست بسته ای را تشکیل می دهند یعنی تعداد

آن ها محدود است، عبارتند از:

❶ نقش نمای اضافه (کسره): کتاب من

❷ نکته: کسره در میان کلمات مشتق - مرکبی چون «تخت خواب» و «تخم مرغ» وند اشتقاقی است نه تکواژ آزاد.

❸ نقش نمای متمم (حروف اضافه): از، به، با، بر، در، برای و ...

❹ نقش نمای مفعول: را

❺ نقش نمای منادا: ای، یا، ایا و «الف» در آخر اسم

❻ پیوندهای وابسته ساز (حروف ربط وابستگی): که، تا، چون، زیرا، اگر، ار، چو

❼ پیوندهای همپایه ساز (حروف ربط همپایگی): و، اما، ولی، یا، هم، لکن، لیکن، لیک

❽ ضمائر پیوسته ی شخصی: م، ت، ش، مان، تان، شان

۲- تکواژ وابسته (وند): تکواژهایی هستند که هرگز به تنهایی و مستقلاً به کار نمی روند و همیشه در ترکیب با تکواژهای آزاد ظاهر می

شوند. به عبارت دیگر، این نوع تکواژها هیچ گاه در ساختمان جمله استقلال معنایی، دستوری، املائی و آوایی ندارند و همیشه جایگاه

دستوری، آوایی و معنایی آن ها در زبان، پس از پیوند با تکواژهای دیگر مشخص می شود، مانند «ا» در «بینا».

تکواژها وابسته را از دو دیدگاه می توان تقسیم بندی کرد:

نخست از حیث ساخت واژه و دیگری از حیث ترتیب قرار گرفتن در ساختمان واژه (جایگاه و مرتبه).

۱-۲- تقسیم بندی تکواژهای وابسته از حیث ساخت واژه:

۱-۱-۲- تکواژهای اشتقاقی: برای ساختن واژه های تازه و رفع کمبودهای واژگانی به کار می روند و در بعضی زبان ها تعداد آن ها بیشتر از تکواژهای تصریفی است. زبان شناسان این بخش را ساخت واژه ی اشتقاقی می خوانند. تکواژهای اشتقاقی خود بر دو نوع هستند:

الف) واژه ساز: آن است که واژه ی جدیدی می سازد ولی مقوله ی دستوری آن را عوض نمی کند، مانند:

«ستان»: گل (اسم)، گلستان (اسم) «بان»: باغ (اسم)، باغبان (اسم) «نا»: معلوم (صفت)، نامعلوم (صفت)

ب) مقوله ساز: آن است که علاوه بر ساختن واژه ی جدید، مقوله ی دستوری آن را نیز عوض می کند، مانند:

«مند»: هنر (اسم)، هنرمند (صفت) «گین»: غم (اسم)، غمگین (صفت) «با»: ادب (اسم)، بادب (صفت)

تعداد وندهای اشتقاقی بسیار زیاد است که تقریباً به مهم ترین آن ها در در بیست و یکم زبان فارسی ۳ اشاره شده است.

۲-۱-۲- تکواژهای تصریفی (صرفی): این تکواژها واژه ی تازه ای نمی سازند، بلکه واژه را برای قرار گرفتن در ساخت جمله آماده می کنند. زبان شناسان این بخش را ساخت واژه ی تصریفی می خوانند.

تکواژهای تصریفی عبارتند از:

■ نشانه های جمع: ها، ان، ون، ین، ات ← کتاب ها، درختان و ...

■ «ی» نکره که به آخر اسم افزوده می شود ← کتابی خریدم.

■ علامت «تر» در صفت تفضیلی (خوب تر) و قید (شجاعانه تر) و علامت «ترین» در صفت عالی (خوب ترین).

■ «ه» صفت مفعولی: اگر در ساختمان فعل به کار رود، تکواژ تصریفی است (عذاخورد شده) اما در غیر این صورت، تکواژ اشتقاقی است

■ پیشوندهای فعلی «ب» (در فعل امر و مضارع التزامی)، «ن» (در فعل های نهی و نفی) و «می» (در فعل ماضی استمراری، مضارع اخباری، ماضی مستمر و مضارع مستمر) ← بخوان، بنویسم، نرو، نرفت، می رفت، می رود و ...

■ پی بندهای ماضی نقلی: ام، ای، ایم، اید، اند ← رفته ام، گفته ای و ...

■ شناسه های فعل: م، ی، د، ید، ند ← رفتیم، رفتی و ...

■ تکواژ گذرا ساز «ان» ← پراند (پر + ان + د)، خندانید (خند + ان + ید) و ...

■ تکواژهای ماضی ساز: ید، د (فقط در فعل های گذرا شده جدا می شوند)

۲-۲- تقسیم بندی تکواژهای وابسته از حیث ترتیب قرار گرفتن در ساختمان واژه:

۱-۲-۲- پیشونده: وندی است که پیش از تکواژ پایه می آید. پیشوندهای موجود در زبان فارسی امروز با توجه به نوع واژه هایی که به آن ها می پیوندند، به شرح زیر قابل ذکر هستند:

الف) پیشوندهایی که به آغاز اسم اضافه می شوند و صفت می سازند. این پیشوندها عبارتند از:

■ «با» ← بادب ■ «بی» ← بی ادب ■ «ب» ← بجا، بخرد، بنام (مشهور)

■ «نا» ← ناسپاس ■ «هم» ← هم کار

ب) پیشوندهایی که به اول فعل می پیوندند و صفت می سازند. این پیشوندها عبارتند از:

■ «نا» ← ناتوان ■ «ن» ← نشکن (لیوان نشکن)، نسوز (پارچه ی نسوز)

پ) پیشوندهایی که در آغاز فعل قرار می گیرند. این پیشوندها گاه معنای فعل را تغییر می دهند و گاه نیز هیچ معنای تازه ای به آن نمی افزایند. از این پیشوندها می توان به «در» (در رفت)، «بر» (بر شمرد)، «فرا» (فرا رسید)، «فرو» (فرو غلتید) و «وا» (وارفت) اشاره کرد.

۲-۲-۲- میانونده: میانوندها تکواژهایی هستند که بین دو اسم مکرر و گاهی نیز بین دو اسمی که با هم سنخیت دارند، می آیند و از اجتماع آن ها واژه ی جدید (واژه ی مشتق - مرکب) ساخته می شود. میانوندها عبارتند از:

■ «ا» ← سراسر، دوشادوش، سراپا، بناگوش، سراسیب، سرازیر، لبالب، پیاپی، برابر، دمام، مالامال، گوناگون، تنگاتنگ، رویاروی، کمابیش، کشاکش، رنگارنگ

■ «وا» ← جورواجور، دلواپس، رنگ وارنگ

■ «تا» ← سرتاسر، گوش تا گوش

■ «در» ← پی در پی، پیچ در پیچ

■ «به» ← دست به دست، قدم به قدم، گوش به زنگ، شانه به سر، دست به عصا، قلم به دست، رنگ به رنگ، رو به رو، سر به سر، خود به خود، نو به نو، شانه به شانه

■ «و» ← کم و بیش، مرگ و میر، پیچ و تاب، کسب و کار، کشت و کشتار، جست و جو، پرس و جو، داد و ستد، خرید و فروش، زد و خورد، زد و بند، نشست و برخاست، گفت و گو، پخت و پز، دید و بازدید، گیر و دار، خواب و خور، رفت و آمد، گفت و شنید

■ «ه» ← تخت خواب، رخت خواب، تخم مرغ،

۳-۲-۲- پسوندد: ونندی است که پس از تکواژ پایه می آید، مانند:

□ «ی» ← تهرانی □ «یت» ← مسئولیت □ «گر» ← کوزه گر □ «ار» ← ساختار □ «ن» ← رفتن
در زبان فارسی تعداد پسوندها بسیار بیشتر از تعداد پیشوندها و میانوندها است. برای آگاهی از مهم ترین پسوندهای زبان فارسی به درس
بیست و یکم کتاب زبان فارسی ۳ رجوع شود.

* چند نکته درباره ی شمارش تکواژ و واژه:

۱- تکواژهای آزاد قاموسی و آزاد دستوری هم تکواژ هستند و هم واژه محسوب می شوند.
جلد اول شاهنامه را به دوست خود دادم:

تکواژ ← جلد + اول + شاه + نامه + را + به + دوست + خود + داد + م
واژه ← جلد + اول + شاهنامه + را + به + دوست + خود + دادم

۲- «برای و بدو» کلاً یک تکواژ و یک واژه هستند؛ زیرا کسره جزئی از این دوکلمه است از همین رو نه تکواژ جداگانه ای به شمار می آید و
نه واژه ی جداگانه ای: برای من: تکواژ ← برای + من / واژه ← برای + من

۳- واج های میانجی (ی، ک، گ، ج، همزه، و)، تکواژ به شمار نمی آیند: گرسنگان: تکواژ ← گرسنه + ان / واژه ← گرسنگان

نکته: لازم به یادآوری است که در کلماتی چون ملکوتیان، سپاهیان، فرهنگیان، دانشگاهیان و نظایر آن ها، «ی» میانجی در نوشتار
ظاهر نمی شود، بنابراین «ی» موجود در ساختار نوشتاری این واژه ها، نه «ی» میانجی بلکه یک تکواژ وابسته ی اشتقاقی است:

دانشگاهیان: تکواژ ← دان + ش + گاه + ی + ان / واژه ← دانشگاهیان

۴- از میان انواع «ی» (i) فقط «ی» اسنادی هم تکواژ و هم واژه به شمار می آید، در حالی که انواع دیگر «ی» فقط تکواژ محسوب می شوند.
پرکاربردترین انواع «ی» در زبان فارسی امروز عبارتند از:

□ «ی» نکره: کتابی خریدم. تکواژ ← کتاب + ی / واژه ← کتابی

□ «ی» صفت نسبی (اسم + ی): آسمانی. تکواژ ← آسمان + ی / واژه ← آسمانی

□ «ی» صفت لیاقت (مصدر + ی): رفتنی. تکواژ ← رفت + ن + ی / واژه ← رفتنی

□ «ی» حاصل مصدر (صفت، ضمیر یا اسم + ی): خوبی. تکواژ ← خوب + ی / واژه ← خوبی

□ «ی» اسم مصدر (بن ماضی + ی): کاستی. تکواژ ← کاست + ی / واژه ← کاستی

□ «ی» شناسه ی دوم شخص مفرد افعال: گفتی. تکواژ ← گفت + ی / واژه ← گفتی

□ «ی» اسنادی که به جای فعل «هستی» می باشد: دانشمندی (= دانشمند هستی).

تکواژ ← دان + ش + مند + ی / واژه ← دانشمند + ی

نکته: علاوه بر «ی» اسنادی، «م»، «یم»، «ید» و «ند» که به ترتیب به جای فعل های «هستم»، «هستیم»، «هستید» و «هستند» می باشند
نیز به تنهایی یک واژه به شمار می آیند:

بزرگم (= بزرگ هستم): تکواژ ← بزرگ + م / واژه ← بزرگ + م (نظر آقای عمرانی، مؤلف کتاب)

۶- در فعل هایی که شناسه ظاهر نمی شود، شناسه ی محذوف با علامت تهی (∅) نشان داده می شود و در شمارش تکواژها، علامت
تهی نیز یک تکواژ به شمار می آید. فعل هایی که دارای تکواژ تهی هستند، عبارتند از:

□ سوم شخص مفرد همه ی فعل های ماضی به جز ماضی التزامی:

رفته بود: تکواژ ← رفت + ه + بود + ∅ / واژه ← رفته بود

نکته: سوم شخص مفرد ماضی مستمر دارای دو تکواژ تهی است:

داشت می رفت: تکواژ ← داشت + ∅ + می + رفت + ∅ / واژه ← داشت می رفت

□ فعل های مضارع «است» و «نیست»:

است: تکواژ ← است + ∅ / واژه ← است

□ دوم شخص مفرد افعال امر و نهی:

برو: تکواژ ← برو + ∅ / واژه ← برو

نترس: تکواژ ← نترس + ∅ / واژه ← نترس

نکته: افعالی که با تکواژ «ان» گذرا می شوند، اگر به صورت امر یا نهی به کار روند، دارای چهار تکواژ خواهند بود:

بترسان: تکواژ ← بترس + ان + ∅ / واژه ← بترسان

نکته: در فعل های آینده تکواژ تهی کاربرد ندارد، زیرا در این فعل ها شناسه به فعل کمکی (خواه) افزوده می شود:

خواهد رفت: تکواژ ← خواه + د + رفت / واژه ← خواهد رفت

۷- افعال ماضی بعید، ماضی نقلی، ماضی التزامی، ماضی مستمر، مضارع مستمر، آینده و مجهول که دارای فعل کمکی هستند، روی هم رفته یک واژه به شمار می آیند:

گفته می شود: تکواژ ← گفت + ه + می + شو + د / ۱ واژه ← گفته می شود

دارد می رود: تکواژ ← دار + د + می + رو + د / ۱ واژه ← دارد می رود

۸- در هنگام شمردن واژه ها توجه به ساده، پیشوندی یا مرکب بودن فعل بسیار مهم است زیرا اگر فعلی مرکب باشد، آن را همراه با جزء اسمی اش کلاً یک واژه به شمار باید آورد.

کتاب را در کتاب خانه قرار می دهد (فعل مرکب):

تکواژ ← کتاب + را + در + کتاب + خانه + قرار + می + ده + د / ۱ واژه ← کتاب + را + در + کتاب خانه + قرار می دهد

نقاش دیوار اتاق ها را رنگ زد (فعل ساده):

تکواژ ← نقاش + دیوار + اتاق + ها + را + رنگ + زد + Ø / ۱ واژه ← نقاش + دیوار + اتاق ها + را + رنگ + زد

بدیهی است که در فعل های پیشوندی نیز فعل را همراه با پیشوند آن، کلاً یک واژه به شمار باید آورد.

قارون با گنج های خود در زمین فرو رفت (فعل پیشوندی):

تکواژ ← قارون + با + گنج + ها + خود + در + زمین + فرو + رفت + Ø / ۱ واژه ← قارون + با + گنج ها + خود + در + زمین + فرو رفت

❖ «ی» نشانه ی نکره اگر به کلمه ی مفرد بچسبد معمولاً معنی یک می دهد و اگر به کلمه ی جمع بچسبد معمولاً معنی یک سری می دهد.

❖ ملاک شمارش واژه نقش پذیرفتن آن است یعنی هرچه نقش بگیرد یک واژه است. البته در این مورد کسره «نقش نمای اضافه» استثناست.

❖ سوال: چرا واژه ی «گران قدر» یک واژه است؟ زیرا در جمله یک نقش می گیرد مثلاً: در جمله ی «استاد گران قدر را دیدم».

گران قدر صفت است و نمی توان به گران و قدر، جداگانه نقش داد.

❖ تمامی گروه های فعلی یک واژه به حساب می آیند. مثلاً: دیده شده بود، شناخته شده است و داشتند برمی گشتند یک واژه حساب می شوند.

❖ در تجزیه ی یک واژه به تکواژهای تشکیل دهنده باید دو چیز را در نظر گرفت:

الف: تکواژها باید به اصل کلمه مرتبط باشند. مثلاً نمی توان واژه ی «تازه» را به دو تکواژ «تاز» و «ه» تجزیه کرد چرا که «تاز» بن مضارع تاختن ربطی به تازه ندارد.

ب: تکواژهای تجزیه شده باید در بیرون از آن واژه، در جاهای دیگری از زبان فارسی نیز کاربرد داشته باشند. مثلاً: واژه ی «گلشن» یک واژه ی

ساده می باشد چون با تجزیه ی این واژه به تکواژهای «گل» و «شن» می فهمیم که تکواژ وابسته یا پسوند «شن» در جاهای دیگر به عنوان وند یا تکواژ وابسته کاربرد ندارد.

❖ کلماتی که به «گری» ختم می شوند اگر بدون «ی» معنا داشته باشند «گر» و «ی» دو پسوند جداگانه هستند و دو تکواژ حساب می

شوند. مثلاً: مسگری: مس + گری «۳ تکواژ» می باشد چرا که «مسگر» به تنهایی وبدون «ی» معنی دارد. و اگر بدون «ی» معنی نداشته باشد «گری»

با هم یک تکواژ است. مانند: لابلالی گری: لابلالی + گری «۲ تکواژ» چرا که واژه ی «لابلالی گر» نداریم.

❖ اسم خاص و غیر اسم خاص در تکواژ شماری فرقی با هم ندارد مثلاً: جمال زاده = «جمال + زاد + ه» سه تکواژ دارد چه اسم آقای جمال زاده

باشد چه نباشد.

تسلط بر جدول زیر شمار از خیلی چیزها بی نیاز کرده و آمادگی شمارا برای درک مطالب بیشتر می کند:

عنوان	مثال	تکواژ	واژه	تکواژ آزاد	تکواژ وابسته
علائم جمع سالم «ها - ان - ون - ین - ات»	درختان / ارتباطات	آری	نه	نه	آری
کسره ی اضافه یا «ی» بدل از کسره	دوست من / پای شکسته	آری	آری	آری	نه
شناسه ی فعل «چه موجود باشد چه محذوف»	رفتیم / می رفت «شناسه ی تهی دارد»	آری	نه	نه	آری
می / همی / ان «م» / اب	می روم / بگویم / انگویم ، مگو ، همی گویم	آری	نه	نه	آری
انواع «ی» نکره (اسم عام + ی) مصدری / اسم ساز (صفت + ی) - معنی بودن دارد. لیاقت (مصدر + ی) نسبت (اسم + ی) ی شناسه ی استمرار	درختانی / امیزی خوبی «خوب بودن» دیدنی / خواندنی ادبی / تهرانی رفتی ، آمدی گفتمی / گفتندی	آری	نه	نه	آری
«ن» مصدری	دیدن / رفتن	آری	نه	نه	آری
نقش نماها	و - که - به - تا - برای - اما - را - ...	آری	آری	آری	نه
وندها: پیشوند میانوند پسوند	بی کار / همراه گفت و گو / سراسر دانش / هنرمند	آری	نه	نه	آری
واج های میانجی	آشنایی / نیاکان / تشنگی	نه	نه	نه	نه
«ی» اسنادی	رستم تویی / تو معلمی	آری	آری	آری	نه
ضمیرهای شخصی پیوسته	کتابم - کتابت	آری	آری	آری	نه

واژه	تعداد تکواژ	تجزیه	توضیح	نظر کتاب یا کنکور سراسری
------	-------------	-------	-------	--------------------------

رضایی

همایش	۳ تکواژ	هم+آی+ش	«آی» بن مضارع آمدن	
کردار	۲ تکواژ	کرد+ار	«کرد» بن ماضی «کردن»	صفحه ی ۱۴۸ کتاب
ماهواره	۲ تکواژ	ماه+واره	دقت شود «واره»=وار+ه نیست.	صفحه ی ۱۵۰ کتاب
لغات	۱ تکواژ	لغات !	البته به نظر می رسد «لغت»+«ات» ۲ تکواژ باشد امادرکنکور سراسری یک تکواژ گرفته شده است و آن ملاک ما خواهد بود.	سراسری هنر ۸۲ ، سوال ۸ سراسری هنر ۸۴ ، سوال ۱۲ سراسری ریاضی ۸۸ ، سوال ۹
برخورد	۲ تکواژ	بر+ خورد	درحالت غیر فعلی ۲ تکواژ ولی درحالت فعلی ۳ تکواژ حساب می شود «بر+خورد+تکواژ تهی	سراسری تجربی ۸۷ ، سوال ۷
بهره	۱ تکواژ	بهره	«بهره+» نمی باشد چون بهره مخفف بهره است.	سراسری ریاضی ۸۴ سوال ۱۱
روان	۲ تکواژ ۱ تکواژ	رو+ان روان	اگر به معنی جاری باشد. اگر به معنی روح باشد.	سراسری هنر ۸۳ ، سوال ۱۰
بستنی	۳ تکواژ	بست+ن+ی	بستنی اول مایع است بعد خودرامی بندد. «سفت می شود»	*****
گونه	۲ تکواژ ۱ تکواژ	گون+ه گونه	اگر به معنی نوع باشد. اگر به معنی قسمتی از صورت باشد.	*****
سازمان	۲ تکواژ	ساز+مان	«مان» یک پسوند است. شبیه زایمان، ساختمان و...	صفحه ی ۱۵۲
برومند	۲ تکواژ	بر+ومند	«ومند» پسوندی است شبیه «مند»	صفحه ی ۱۵۰
گوارا	۲ تکواژ	گوار+ا	«گوار» بن مضارع گواردن یا گواریدن است. به معنی خوب هضم کردن.	صفحه ی ۱۴۶
پادشاه	۱ تکواژ	-	ساختار قدیمی دارد	صفحه ی کتاب مطابق چاپ ۹۰ است
واژه	تعداد تکواژ	تجزیه	توضیح	نظر کتاب یا کنکور سراسری
سده	۲ تکواژ	سده+ه	«سد» تغییر املائی «صد» می باشد.	صفحه ی ۱۴۸
نیست	۳ تکواژ	نه+است+ تکواژ تهی	«نیست» منفی فعل «است» می باشد.	سراسری ریاضی سال ۸۳ ، سوال ۱۰
دبستان	۱ تکواژ	دبستان	ساختار قدیمی دارد	
دیوار	۱ تکواژ	دیوار	ساختار قدیمی دارد	
دیوانه	۱ تکواژ	دیوانه	ساختار قدیمی دارد	
وادار	۱ تکواژ	وادار	ساختار قدیمی دارد	
ناودان	۱ تکواژ	ناودان	ساختار قدیمی دارد	
ساربان	۱ تکواژ	ساربان	ساختار قدیمی دارد	
دستگاه	۱ تکواژ	دستگاه	ساختار قدیمی دارد	
شیرین	۱ تکواژ	شیرین	ساختار قدیمی دارد	
تهمینه	۱ تکواژ	تهمینه	ساختار قدیمی دارد	
مژه	۱ تکواژ	مژه	ساختار قدیمی دارد	
کوچه	۱ تکواژ	کوچه	ساختار قدیمی دارد	
استوار	۱ تکواژ	استوار	ساختار قدیمی دارد	
تابستان	۱ تکواژ	تابستان	ساختار قدیمی دارد	
زمستان	۱ تکواژ	زمستان	ساختار قدیمی دارد	

دشوار	۱ تکواژ	دشوار	ساختار قدیمی دارد
نامه رسان	۲ تکواژ	نامه + رسان	دقت شود که «ان» در تکواژ «رسال» در حالت غیر فعلی جدائی می شود.
شاید	۲ تکواژ ۱ تکواژ	شای + د شاید	اگر به معنی «شایسته است» باشد. اگر به معنی احتمالاً باشد. *****
کوزه گری	۳ تکواژ	کوزه + گر + ی	چراکه «کوزه گر» داریم.
وحشی گری	۲ تکواژ	وحشی + گری	چراکه «وحشی گر» نداریم
یاغی گری	۲ تکواژ	یاغی + گری	چراکه «یاغی گر» نداریم
باید	۲ تکواژ	بای + د	«بای» بن مضارع بایستن می باشد.
			سراسری ریاضی ۸۳ ، سوال ۱۰

به تجزیه ی تعدادی از واژه های مهم به همراه توضیحات لازم، در جدول بالا اشاره شده است.

بیاموزیم واژه های هم آوا

۱- واژه های هم آوا را تعریف کنید ← به واژه هایی می گویند که از نظر تلفظ مشترک هستند اما معنا و کاربرد جداگانه ای دارند.

۲- انواع واژه های هم آوا را در زبان فارسی با ذکر مثال نام ببرید.

الف) واژه هایی که از نظر شکل نوشتار و گفتار یک سان هستند. (=جناس تام دارند) مانند:

روان (= روح) / روان (= جاری) / گور (= قبر) / گور (= گورخر)

ب) واژه هایی که از نظر نوشتاری متفاوت ولی از نظر گفتاری تلفظ یک سان دارند. مانند:

خوار = کم ارزش و کوچک / خار = تیغ گل یا خاشاک / خیش = گاو آهن / خویش (= خود، فامیل)

خود آزمایی درس دوم (جمله)

انواع تکواژهای کلمات زیر را مشخص کنید.

۱- اخترشناسان ← اختر(آزاد)، شناس(آزاد) + ان (وابسته)

۳- آفریدگار ← آفرید(آزاد) + گار (وابسته)

۵- گل خانه ← گل(آزاد) + خانه(آزاد)

۲- در متن زیر، جمله های مستقل ساده و مرکب را مشخص کنید.

الف) شاعری غزلی بی معنا و قافیه سروده بود. (مستقل ساده)

ب) آن را نزد جامی برد. (مستقل ساده)

پ) پس از خواندن آن گفت: «همان طوری که دیدید، در این غزل از حرف «الف» استفاده نشده است.» (مستقل مرکب)

ت) جامی گفت: «بهتر بود از سایر حروف هم استفاده نمی کردید!» (مستقل مرکب)

۳- با هریک از کلمات هم آوای زیر گروه اسمی مناسب بسارید و در جمله به کار ببرید:

انتصاب: همان یک انتصاب نادرست او کار را خراب کرد / انتساب: چنین انتساب عالی خانواده تحسین برانگیز است.

تعلیم: همین تعلیم دوره ی ترتیب معلم شیراز ستودنی است. / تالم: بزرگترین تالم خاطر دوران کودکی مادر بزرگ مرگ برادرش است

حیات: حیات شورانگیز عاشقان دلسوخته ی الهی به عشق است / حیا: بزرگ ترین حیا مدرسه ی شهر ما نیازمند آسفالته است.

جذر: جذر این عدد چهار رقمی را به دست بیاورید / جزر: جزر فریبنده ی رودخانه ی اروند ما را گمراه کرد.

ثواب: ثواب کارهای خوب انسان مؤمن به او داده می شود / صواب: صواب کارهای دوست من ثابت شد

حیش: حیش مزرعه ی دوست ما شکست. / خویش: خویش وقوم خاندان مغول زیاد بودند.

براعت: براعت استهلال آغاز داستان بسیار زیبا بود. / برائت: برائت مسلمانان جهان اسلام از کفر هر سال در مکه برگزار می

شود.

چند نمونه سؤال امتحان نهایی

۱- در کدام یک از بیت های زیر، واژه های «هم آوا» دیده می شود؟ ۲۵/۰

الف) تنگ است ما را خانه تنگ است ای برادر / بر جای ما بیگانه ننگ است ای برادر

- (ب) بهرام که گور می گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت
- ۲- در کدام یک از بیت های زیر ، واژه های « هم آوا » دیده می شود؟ +/۲۵
- (الف) هین سخن تازه بگو تا دو جهان تازه شود وارهد از حد جهان بی حد و اندازه شود
- (ب) خرامان بشد سوی آب روان چنان چون شده باز جوید روان
- ۳- انواع هم آوایی را در هر دسته از کلمات زیر بررسی کنید. ۱
- (الف) روان (= روح) ، روان (= جاری) (ب) خویش (= خود) ، خویش (= گاو آهن)

نمونه سوال نهایی درس به درس زبان فارسی ۳ از خرداد ۸۱ تا شهریور ۹۴

درس ۲ جمله

خرداد ماه ۱۳۹۴

۱. با توجه به جمله زیر ، به پرسش ها پاسخ دهید.
- « گاه سهراب قصه هایی کودکانه، شیرین و هیجان انگیز از تهمینه می شنید و جویای دیدار رستم می شد.»
- (الف) این عبارت چند تکواژ دارد؟ +/۲۵ (ب) این عبارت چند واژه دارد؟ +/۲۵
- (الف) ۲۷ تکواژ (ب) ۱۷ واژه +/۵
۲. عبارت زیر از چند جمله مستقل تشکیل شده است؟ +/۲۵
- « مشدی حسن برگشت و مردها را که گوش تا گوش جلو تیرک نشسته بودند، نگاه کرد.» ۲ جمله +/۵

شهریور ماه ۱۳۹۴

۳. با توجه به جمله زیر ، به پرسش ها پاسخ دهید.
- « علم اخترشناسی به مطالعه اجرام آسمانی می پردازد.»
- (الف) این جمله چند تکواژ دارد؟ +/۲۵ (ب) این جمله از چند واژه تشکیل شده است؟ +/۲۵
- (پ) در این جمله چند گروه اسمی وجود دارد؟ +/۲۵ (ت) هسته گروه فعلی این جمله را بنویسید. +/۲۵
- (الف) ۱۵ تکواژ (ب) ۱۰ واژه (پ) ۲ گروه اسمی (ت) پرداز

خرداد ماه سال ۱۳۹۳

۴. جمله ی زیر، از چند تکواژ تشکیل شده است؟ +/۲۵
- « بخش چشم گیری از آثار پربار فارسی به ادب عرفانی اختصاص دارد.»
۵. جمله ی زیر، از چند واژه تشکیل شده است؟ +/۲۵
- « مکه یک کوه تاریخی و این کوه یک آشنای صمیمی دارد.»
- ۲۱ تکواژ +/۲۵ ۱۳ واژه +/۲۵

شهریور ماه ۱۳۹۳

۶. با توجه به جمله ی زیر، به پرسش ها پاسخ دهید.
- « شامگاه ، ستارگان درخشان در آسمان شب جلوه گر بودند.»
- (الف) این جمله ، از چند تکواژ تشکیل شده است؟ (ب) ای جمله، از چند واژه تشکیل شده است؟ +/۵
- (پ) یک گروه اسمی پیدا کنید و آن را بنویسید. (ت) یک گروه قیدی پیدا کنید و آن را بنویسید. +/۵
- ۳۹- (الف) ۱۵ تکواژ (ب) ۱۰ واژه (پ) ستارگان درخشان یا جلوه گر (ت) آسمان شب/ شامگاه

دی ماه ۱۳۹۳

۷. در واژه « دانش پژوهی » یک تکواژ وابسته پیدا کنید و آن را بنویسید. +/۲۵ « ش - ی » یا « ی »
۸. جمله « انسان با یادآوری های نوروز به دامن طبیعت باز می گردد». چند تکواژ دارد؟ +/۲۵ ۱۷ تکواژ

شهریور ماه ۱۳۹۲

۹. با توجه به جمله ی « این درس بزرگ را از آن دوست دانا آموختم.» به پرسش ها پاسخ دهید.
- (الف) این جمله از چند واژه تشکیل شده است؟ +/۲۵ (ب) این جمله از چند تکواژ تشکیل شده است؟ +/۲۵
- (پ) کدام واژه ، هسته ی گروه مفعولی است؟ +/۲۵ (ت) هسته ی گروه فعلی را بنویسید. +/۲۵
- (الف) ۱۱ واژه (ب) ۱۳ تکواژ (پ) درس (ت) آموخت

دی ماه ۱۳۹۲

۱۰. با توجه به عبارت زیر، به پرسش ها پاسخ دهید.

« اخترشناسان در زمینه های تخصصی، کارهای متفاوتی می کنند. بعضی از آن ها متخصصانی هستند که کارشان مشاهده ی اجرام آسمانی است. الف) یک جمله مستقل ساده بیابید و آن را بنویسید. +۲۵ ب) یک جمله مستقل مرکب بیابید و آن را بنویسید. +۲۵
 پ) هسته ی گروه نهادی در جمله ی اول چیست؟ +۲۵ ت) هسته ی گروه فعلی در جمله ی اول چیست؟ +۲۵
 ث) جمله ای اول از چند تکواژ تشکیل شده است؟ +۲۵ ج) جمله ی اول از چند واژه تشکیل شده است؟ +۲۵
 الف) اخترشناسان در زمینه های تخصصی، کارهای متفاوتی می کنند.

ب) بعضی از آن ها متخصصانی هستند که کارشان مشاهده ی اجرام آسمانی است.

پ) اخترشناس ؛ ت) کن ث) ۱۸ تکواژ ج) ۹ واژه

خرداد ماه سال ۱۳۹۱

۱۱. با توجه به جمله ی زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

« ما ورزش دوچرخه سواری را برای فصل تابستان مناسب می دانیم. »

الف) این جمله از چند واژه تشکیل شده است؟ +۲۵ ب) این جمله از چند تکواژ تشکیل شده است؟ +۲۵

پ) هسته ی « گروه فعلی » را بنویسید. +۲۵ ت) هسته ی « گروه مفعولی » کدام واژه است؟ +۲۵

الف) ۱۱ واژه ب) ۱۸ تکواژ پ) دان ت) ورزش

شهریور ماه سال ۱۳۹۱

۱۲. به کوچک ترین واحد صوتی زبان که معنایی ندارد اما تفاوت معنایی ایجاد می کند، می گویند. +۲۵ واج

۱۳. در جمله ی زیر چند گروه به کار رفته است؟ +۲۵

« کار اخترشناسان، مشاهده ی اجرام آسمانی است. » سه گروه +۲۵

دی ماه سال ۱۳۹۱

۱۴. با توجه به عبارت زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

« اخترشناسان ، با ابزارهای تخصصی به مطالعه ی اجرام آسمانی می پردازند.»

الف) این جمله از چند واژه تشکیل شده است؟ +۲۵ ب) این جمله از چند تکواژ تشکیل شده است؟ +۲۵

پ) کدام واژه هسته ی گروه نهادی است؟ +۲۵ ت) هسته ی گروه فعلی را بنویسید. +۲۵

الف) ۱۲ واژه ب) ۱۹ تکواژ پ) اخترشناس ت) پرداز

۱۵. در واژه ی « دانش پژوهان » یک تکواژ وابسته پیدا کنید و بنویسید. +۲۵ « -ش » یا « ان »

خرداد ماه سال ۱۳۹۰

۱۶. با توجه به جمله ی « گل های اندیشه در فصل جوانی بارور می شوند. » به پرسش ها پاسخ دهید.

الف- این جمله چند واژه دارد؟ +۲۵ ب- این جمله چند تکواژ دارد؟ +۲۵

پ- در این جمله یک تکواژ وابسته ی تصریفی مشخص کنید. +۲۵ ت- در این جمله یک تکواژ وابسته ی اشتقاقی مشخص کنید. +۲۵

الف) ۹ واژه ب) ۱۵ تکواژ پ) «ها» (در گل ها)، «می»، «ند» (ذکر یک مورد کافی است).

ت) «ه»، «ی»، «در جوانی»، «ور» (ذکر یک مورد کافی است.)

شهریور ماه سال ۱۳۹۰

۱۷. با توجه به جمله ی زیر به پرسش ها پاسخ دهید. « ما با تلاش روزافزون و ژرف نگری به پیروزی می رسیم. »

الف) این جمله چند واژه دارد؟ +۲۵ ب) این جمله چند تکواژ دارد؟ +۲۵

پ) در این جمله یک تکواژ وابسته ی تصریفی مشخص کنید. +۲۵ ت) در این جمله یک تکواژ وابسته ی اشتقاقی مشخص کنید.

الف) ۱۰ واژه ب) ۱۶ تکواژ پ) «می»، «یا»، «یم» (ذکر یک مورد کافی است.)

ت) «ی»، «در ژرف نگری یا «ی» در پیروزی (ذکر یک مورد کافی است.)

دی ماه سال ۱۳۹۰

۱۸. با توجه به جمله ی « موضوع قصه ی شیرین مادر بزرگ، آمدن سهراب به ایران بود. » به پرسش ها پاسخ دهید.

الف) این جمله چند واژه دارد؟ +۲۵ ب) این جمله چند تکواژ دارد؟ +۲۵

الف) ۱۳ واژه ب) ۱۶ تکواژ

۱۹. با توجه به جمله ی : « داستان هیجان انگیز شیرین در اثر ارزشمند نظامی ، به نویسندگان قلم به دست ایرانی، الهام بخشید. »

الف) عبارت بالا از چند واژه تشکیل شده است؟ +۲۵ ب) در عبارت بالا، نوع تکواژ « در » آزاد است. +۲۵

الف) نوزده (۱۹) واژه

ب) دستوری ۰/۵

شهریور ماه ۱۳۸۹

۲۰. با توجه به عبارت زیر: « در جشنواره ی ادبی دبیرستان ، شاعران نوجوان و جویای ادب شرکت کردند. »
الف) تعداد تکواژها را مشخص کنید. ۰/۲۵ ب) نوع دقیق تکواژ «در» را بنویسید. ۰/۵ پ) دو تکواژ « وابسته ی اشتقاقی» را بیابید.
الف) ۲۲ تکواژ ب) آزاد دستوری (پ) واره ، ی در ادبی ۱ / ۲۵

دی ماه سال ۱۳۸۹

۲۱. در گروه اسمی « موفقیت نوجوانان» نوع دقیق تکواژها را مشخص کنید. (نوع دقیق تکواژ مورد نظر است؛ نه آزاد و وابسته بودن آن موفق : قاموسی بیت : اشتقاقی □ : دستوری نو: قاموسی جوان: قاموسی ان: تصریفی

خرداد ماه سال ۱۳۸۸

۲۲. با توجه به عبارت زیر، به هر یک از سوالات داده شده پاسخ دهید.
« اگر عبارتی ارزشمند از بزرگان علم و ادب دیدی، آن را در دفترت بنویس . »
الف- در عبارت فوق چند تکواژ دیده می شود؟ ۰/۲۵ ۲۳
ب- هر یک از تکواژهای «ی» در « عبارتی » و « از» چه نوع تکواژی هستند؟ ۰/۵ ب- ی : تصریفی از: دستوری

۲۳- با توجه به عبارت زیر، به هر یک از سوالات داده شده پاسخ دهید.
« دخترک یک بغل لاله ی سرخ را که تازه از دامنه ی دل انگیز سبلان چیده بود، به مادر داد. »
عبارت فوق چه نوع جمله ی مستقلی است؟ ۰/۲۵ مرکب

شهریور ماه ۱۳۸۸

با توجه به عبارت زیر، به هر یک از سوالات داده شده پاسخ دهید.
فرزندان سرزمین ایران در عرصه ی رقابت های جهانی، قدم به قدم با هم سالان خود پیش می روند.
الف) عبارت فوق چند واژه دارد؟ ۰/۲۵ هجده (۱۸) واژه ۱

خرداد ۱۳۸۷

۱- با توجه به عبارت زیر به سوالات داده شده پاسخ دهید.
« وزارت آموزش و پرورش با خریداری میلیون ها جلد کتاب، امکانات نسبتاً مناسبی را برای کتاب خانه های مدارس فراهم کرد. »
الف) عبارت فوق از واژه تشکیل شده است. (ب) نوع تکواژ « وزارت » را بنویسید.
الف) ۲۰ واژه (ب) آزاد قاموسی

شهریور ۱۳۸۷

۱- با توجه به عبارت زیر به هر یک از سوالات پاسخ دهید.
« نشست و برخاست با انسان های ارزشمند، گامی در جهت کمال گرایی است. »
الف) جمله ی فوق از چند واژه تشکیل شده است؟ (ج) تکواژ « ی » در کمال گرایی تکواژ وابسته است.
الف) یازده واژه (ج) اشتقاقی

دی ۱۳۸۷

۱- با توجه به عبارت زیر، به سوالات داده شده پاسخ دهید.
« وقتی جهان گرد برزیلی سی و سه پل را دید، شگفت زده و بی اختیار هنرمندان اصفهانی را ستود. »
الف) در عبارت فوق چند جمله ی مستقل وجود دارد؟ ۰/۲۵ ب) عبارت فوق چند واژه دارد؟ ۲۵
۱- الف) یک جمله ب) پانزده واژه

خرداد ماه ۸۶

۱- با توجه به متن زیر به سوالات داده شده، پاسخ دهید.
« سرانجام بر آن نهادند که پهلوانی ایرانی، تیری به سوی خاور رها کند. آرش که پهلوانی بیر بود و در همه ی سپاه ایران به تیراندازی مشهور، برای انداختن چنین تیری گام پیش نهاد. »
الف- جمله ی « سرانجام بر آن نهادند که پهلوانی ایرانی تیری به سوی خاور رها کند. » مستقل ساده است یا مرکب؟ پاسخ خود را به ذکر دلیل بیان نمایید. ۰/۷۵

ب- واج های واژه ی « تیرانداز » را به تفکیک بنویسید. +/۷۵
الف- مستقل مرکب زیرا بیش از یک فعل دارد یا دارای یک جمله ی وابسته است. یا چون دو جمله با حرف ربط به هم مربوط شده اند.

شهریور سال ۱۳۸۶

- ۱- با توجه به عبارت زیر به سوالات داده شده پاسخ دهید.
« او برای دست یابی به آینده ی بهتر، تمام راه های تلاش را پیمود. »
الف) جمله ی فوق از چند تکواژ تشکیل شده است؟ +/۲۵ (ب) یک تکواژ وابسته ی تصریفی در عبارت بالا بیابید. +/۲۵
ج) « برای » چه نوع تکواژی است؟ /۵ (الف) ۲۰ (ب) تر یا ها (ج) آزاد دستوری

دی ماه ۱۳۸۶

- ۱- با توجه به جمله ی « راه های مطالعه و تحقیق برای پژوهشگران جوان باز است » به سوالات زیر پاسخ دهید.
الف- جمله ی فوق از چند واژه تشکیل شده است؟ +/۲۵
ب- تعداد تکواژ جمله ی مورد نظر است. +/۲۵
ج- یک تکواژ وابسته ی اشتقاقی بیابید. /۲۵
د- « برای » چه نوع تکواژی است؟ /۵
۱۱ واژه
گزینه سوم (۱۶ تکواژ)
۱۴ تکواژ (۲) ۱۵ تکواژ
۱۶ (۳) تکواژ
(ش) یا (گر)
تکواژ آزاد دستوری (۴) ۱۷ تکواژ

خرداد ماه ۱۳۸۵

- ۱- واج های کلمه ی « پیمان » را مشخص کنید. +/۵
۲- عبارت زیر چند تکواژ اشتقاقی دارد؟ /۲۵
« کلاس و بچه ها برای من با دو احساس ، شوق و نگرانی، همراه بود. همه چیز در اطرافم ناشناس بود. »
۳- تعداد واژه های جمله ی زیر را بنویسید. +/۲۵
« در این جهان ناپایدار، بشر گرفتار تن همیشه سرگردان است. »

شهریور سال ۱۳۸۵

- ۱- به عبارت زیر توجه نموده، سپس پاسخ دهید:
« برای مادرم در حیاط چادر زدیم و فقط سرمای کشنده و برف زمستان بود که توانست او را به چهار دیواری اتاق بکشاند. »
الف) جمله ی مرکب عبارت فوق را مشخص نموده، بنویسید. +/۵
ب) هر یک از تکواژهای « برای » و « برف » چه نوع تکواژی آزادی محسوب می گردد؟ +/۵
ج) از نظر ساختمان، واژه های « کشنده »، « زمستان » و « چهاردیواری » به ترتیب چه نوع ساختمانی دارند؟ +/۷۵
د) بن مضارع در فعل « بکشاند » چیست؟ +/۲۵
الف) فقط سرمای کشنده و برف زمستان بود که توانست او را به چهاردیواری اتاق بکشاند.
ب) برای: آزاد دستوری / برف: آزاد قاموسی ج): کشنده: مشتق / زمستان: ساده / چهاردیواری: مشتق مرکب
۴- به جمله ی « هنگام غروب، خورشید سرخی دلپذیر خود را به آسمان می دهد. » دقت نمایید و به سوالات پاسخ دهید:
جمله چند واژه دارد؟ +/۲۵
۱۳ واژه

خرداد ماه ۱۳۸۴

- ۲- گروه اسمی زیر، چند تکواژ آزاد و چند تکواژ وابسته دارد؟ +/۵
۴ تکواژ آزاد ۳ تکواژ وابسته +/۵
« خوش بختی برای امیدواران. »

شهریور ۸۴

- ۱- در عبارت « خانه های ده تا چمنزار امتداد داشت. » :
الف) چند تکواژ و چند واژه وجود دارد؟ /۵ + ۱ تکواژ ۷ واژه (ب) تکواژهای وابسته کدامند؟ +/۵ - ها - زار

دی ماه سال ۱۳۸۴

- ۱- واج های کلمه ی « ذره » را مشخص کنید. +/۵
۲- تکواژهای اشتقاقی و تصریفی را در واژه های زیر نشان دهید. ۱
کودکان - غمگین - سبزتر - بوستان
ذ ر ر -
« گین » و « ستان » (اشتقاقی) « ان » و « تر » تصریفی

خرداد ماه سال ۱۳۸۳

۲- تعداد « واژه » ها و « تک واژ » ها را در عبارت زیر بنویسید. ۱ تعداد واژه ها: ۱۲ واژه تعداد تک واژه ها: ۱۷ تک واژه
« بلند شد و کلاه خود را برداشت. گذاشت روی کاهدان . »

شهریور ماه ۱۳۸۳

۲- تعداد « واژه » ها و « تک واژ » ها را در عبارت زیر بنویسید. ۱ تکواژ = ۱۳ واژه = ۱۰
« نسیم محبت دوستان، مشام جان را می نوازد ».

دی ماه سال ۱۳۸۳

۱- گروه « دانش آموزان تیزهوش » ۰/۵
الف- چند تکواژ دارد؟ هفت تکواژ ب- تعداد واج های هسته ی این گروه اسمی را بنویسید. تعداد واج های هسته : ۱۰
۲- از میان گروه های فعلی، اسمی و قیدی کدام گروه قابل حذف است؟ چرا؟ ۰/۵
۲- گروه قیدی، چون فعل به آن نیاز ندارد.

خرداد ماه سال ۱۳۸۲

۱۴- جمله ی « کمال عشق در جان دادن است » از چند تکواژ ساخته شده است؟ ۰/۲۵ ۹ تک واژ
۱۵- هسته ی گروه اسمی « پانزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب » چیست؟ این گروه اسمی از چند واج تشکیل شده است؟ ۰/۵
نمایشگاه واج

شهریور ماه ۱۳۸۲

۱- تعداد تکواژ و واژه های جمله ی مقابل را بنویسید. « زاده می شود کودکِ صبح » ۰/۵ ۵ واژه ۸ تک واژ

دی ماه ۱۳۸۲

۱- نوع تکواژهای آزاد واژه های « آفریدگار » و « نمناک » را بنویسید. ۰/۵ بن ماضی - اسم
۲- عبارت « هوا گرگ و میش بود که دوباره برگشتم » چند تکواژ دارد؟ ۰/۵ سبزه تکواژ
۳- الف- هسته ی گروه اسمی عبارت « زمان که بخشنده بود، موهبت های خویش را تباه می سازد». را مشخص کنید. ۰/۵
ب- این عبارت چند واژه دارد؟
۳- الف- موهبت ب- ده واژه

خرداد ۸۱

۱- گروه اسمی « دفترچه ی مشتق بچه ها». دفترچه ی مشتق بچه ها.
الف- چند واژه و چند تک واژ دارد؟ ۱ پنج واژه هفت تک واژه
ب- هسته ی گروه اسمی « دفترچه ی مشتق بچه ها » کدام است؟ تعداد واج های هسته را مشخص کنید. دفترچه - هشت واج

شهریور ماه سال ۸۱

گروه اسمی « کلاه رسمی » چند تکواژ و چند واژه دارد؟ ۳ واژه ۴ تک واژ

دی ماه سال ۱۳۸۱

۱۱- هسته ی گروه اسمی « دمای اجرام آسمانی » را مشخص کنید و تعداد واج های هسته را نیز بنویسید. ۰/۵
هسته : دما واج : د / - / م / ۱ /
۱۲- جمله ی « بیم بزرگ انسان از تنهایی است » دارای چند واژه است؟ ۰/۵ ۸ واژه

سر سبز باشید

ویرایش

درس سوم

ویرایش زبانی

۱) کاربرد درست واژه «مسئله»، «کوشش» و «تاریخچه»

● مسئله کوشش برای آزادی تاریخچه ای دراز در طول تاریخ دارد.

● مبارزه برای آزادی پیشینه ی تاریخی دور و درازی دارد.

● «مسئله» را می توان حذف کرد زیرا زاید است. به جای واژه ی «کوشش»، «مبارزه» را قرار می دهیم که می توان اشکال گوناگون کوشش برای آزادی را در بر می گیرد. مقصود از «تاریخچه» در این عبارت «پیشینه» است، «تاریخچه» زمانی به کار می رود که واقعاً تاریخچه ای در کار باشد.

۲) پرهیز از کاربرد شکل گفتاری و عامیانه ی کلمات جز در نوشته های مناسب با آن ها ← «میون بیابون» ← میان بیابان

● یک افسر حفاظت دشمن یک گلوله در کرد و کله ی یکی از مخالفان را زد.

● یکی از افسران حفاظت دشمن گلوله ای شلیک کرد که به سر یکی از مخالفان اصابت نمود.

● گلوله ی یکی از افسران حفاظت به سر یکی از مخالفان اصابت نمود.

۳) کاربرد درست واژه ی «انجام» و «اجرا»

● مسکو مایل به انجام طرح خلع سلاح هسته ای اکران است. ● مسکو مایل به اجرای طرح خلع سلاح هسته ای در اکران است.

● بهتر است به جای «انجام» در این گونه جمله ها از «اجرا» استفاده کنیم، زیرا واژه ی «انجام» به تنهایی به معنی «پایان، سرانجام و

عاقبت» معنای می دهد. چون در این جمله از طرح سخن رفته است، «اجرا» کلمه ی مناسب تری است.

۴) رعایت کوتاهی جملات و پرهیز از کاربرد عبارات های زاید و بی نقش، تکیه کلام ها و تکرار فعل ها

● فرزندان، قبل از این که به عنوان «یک بار» برای خانواده تلقی شود، به عنوان یک منبع منفعت و ثروت به حساب می آیند.

● خانواده ها فرزندان خود را منبع درآمد تلقی می کردند نه سربار.

● فرزندان برای خانواده ها منبع درآمد بودند نه سربار.

● بسیاری از واژگان این جمله ی بلند را حذف کردیم، بی آنکه معنی دستخوش تغییر شود.

● نهاد جمله با فعل آن مطابقت نداشت: فرزندان شود.

● بدون آن که نیازی باشد دوبار از ترکیب «به عنوان» استفاده شده بود.

● پلیس آن کشور بار دیگر، در یورش وسیع گسترده ای، ده ها تن مسلمان را در این کشور بازداشت کرد.

● پلیس آن کشور، بار دیگر، در یورشی گسترده، ده ها مسلمان را بازداشت کرد.

* ده ها مسلمان یورش گسترده ی پلیس آن کشور بازداشت شدند.

● در این عبارت، واژه های یک، وسیع و، ای، تن و «در این کشور» زاید یا تکراری هستند و می توانیم بدون آنکه به ساختمان جمله و

معنای آن لطمه بزنیم، آن ها را حذف کنیم.

● جمعیت بسیار زیاد و بی شمار که به گونه ای نامتوازن پراکنده شده اند نه تنها منبع و منشأ گرسنه گی است بلکه این جمعیت انبوه هم

چنین مخرب محیط زیست نیز می باشد.

● جمعیت زیاد، پراکنده و نامتوازن نه تنها، باعث قحطی می شود بلکه محیط زیست را نیز ویران می کند.

* جمعیت زیاد، پراکنده و نامتوازن، باعث قحطی و ویرانی محیط زیست می شود.

جمله دوم با حذف کلمات مترادف از جمله اول به نصف کاهش یافته است. آوردن قیدهایی چون نه تنها، بلکه،

هم چنین و نیز به طور هم زمان در یک جمله درست نیست. شکل کاربرد درست این قیود چنین است:

نه تنها..... بلکه

املا ی گرسنه گی نادرست است و هم چنین اند کلمه هایی چون خواننده گان، شرکت کننده گان

۵) کاربرد درست «را» ی نشانه مفعول («را» ی نشانه ی مفعول باید پس از مفعول قرار گیرد، حذف «را» و یا استفاده بیهوده از آن جایز نیست)

● نتایجی که امروز به دست آمد را گزارش می کنم ● نتایجی را که امروز به دست آمد، گزارش میکنم

حذف نادرست: قانون مجازات هایی که در نظر گرفته است اجرا خواهد کرد.

● قانون مجازات هایی را که در نظر گرفته است اجرا خواهد کرد.

استفاده بیهوده: تا به این جا نتیجه ای را نگرفتیم ● تا این جا نتیجه ای نگرفتیم

۶) کاربرد درست واژه ی «شامل» و «مشمول»

● هنوز معلوم نیست چه تعداد از قبول شدگان شامل این قانون شده اند.

- هنوز معلوم نیست چه تعداد از قبول شدگان مشمول این قانون شده اند.
- این که گفتم مشمول حال شما می شود.
- این که گفتم مشمول حال شما هم می شود.
- شامل بر وزن «فاعل» یعنی در بر گیرنده و «مشمول» بر وزن «مفعول» یعنی در بر گرفته شده.
- قانون شامل انسان می شود و انسان مشمول قانون می باشد.

۷) حذف درست فعل به قرینه

- کلیات لایحه ی بودجه در جلسه ی امروز مجلس مطرح و به تصویب رسید.
- کلیات لایحه ی بودجه در جلسه امروز مجلس مطرح شد و به تصویب رسید.
- در سال ۳۳۴، آل بویه بغداد را فتح و خلیفه را برکنار و پسرش را به جای او برگماردند.
- در سال ۳۳۴، آل بویه بغداد را فتح کردند و پس از برکنار کردن خلیفه، پسرش را به جای او برگماردند.
- فعل هیچ گاه نباید بی قرینه حذف شود. برکنار کردند. فتح — فتح کردند.
- حذف فعل زمانی جایز است که فعل محذوف با فعل جمله ی پس از آن یکی باشد.

۸) تغییر نا به جای نهاد فعل و تغییر یافتن شخص به تبع آن :

- گاهی نهاد فعل نا به جا تغییر داده می شود و به تبع آن ، فعل در شخص دیگری به کار می رود.
- یکی از دلایل علاقه ی من به موسیقی کلاسیک این است که شما با شنیدن آن ، احساس آرامش می کنید.
- یکی از دلایل علاقه ی من به موسیقی کلاسیک این است که ، با شنیدن آن ، احساس آرامش می کنم.
- یکی از دلایل علاقه ی من به موسیقی کلاسیک این است که انسان با شنیدن آن ، احساس آرامش می کند.
- *مقصود از " شما " نوع آدمی است . اما شیوه ی طرح جمله به گونه ای است که به نظر می رسد نهاد به شکلی نا به جا تغییر داده شد.

۹) به کار بردن اسم ها و فعل ها با حرف اضافه خاص خودشان:

- بعضی از اسم ها و فعل ها با حرف اضافه ی اختصاصی به کار می روند که باید در نوشتار رعایت شود.
- دیدگاه او از دیدگاه روانشناسان متفاوت است.
- دیدگاه او با دیدگاه روانشناسان متفاوت است.
- دروازه بان توپ را برای مدافع کناری واگذار کرد.
- دروازه بان توپ را به مدافع کناری واگذار کرد.

۱۰) پرهیز از کاربرد عبارتی که ابهام و کژتابی دارند و از آن ها مفاهیم متعددی برداشت می شود.

- انیشتن، پس از بیست و دو سال زندگی در شهر پریستون آمریکا در گذشت
- انیشتن، بیست و دو سال از عمرش را در پریستون گذراند و در همان جا در گذشت.
- جمله ی اول ابهام یا کژتابی دارد و از آن چنین بر می آید که انیشتن، تنها بیست و دو سال عمر کرده است.
- خانواده ی من با این که افراد تحصیل کرده هستند اما موقعیت سنی من رادر نظر نمی گیرند و مثل یک کودک با من برخورد می کنند.
- خانواده ی من با این که تحصیل کرده اند، موقعیت سنی مرادر نظر نمی گیرند و با من چنان رفتار می کنند که گویی هنوز کودک هستم .
- خانواده ی تحصیل کرده ی من ، بدون توجه به موقعیت سنی من با من چنان رفتار می کنند که انگار هنوز کودک هستم .
- ۱. افراد در عبارت بالا زاید است . ۲. مرا از من را مناسب تر است
- ۳. معلوم نیست " مثل یک کودک به خانواده برمی گردد یا گوینده
- مستعمره ی خود مختار سنگاپور

الف) مستعمره ی خود مختار متعلق به سنگاپور (ب) خود سنگاپور که مستعمره ای خود مختار است.
 • *کژتابی در نتیجه ی نشستن واژگان در جای نامناسب ، تتابع اضافات (بی درپی آمدن صفت های پسین و مضاف الیه مانند : پسران وزیر ناقص العقل پادشاه) ، مشخص نبودن مرجع ضمیر (مثل مربع آخر خود آزمایی ۱)، وجود جملات معترضه (برادر ابراهیم — همان که از در وارد شد — دانشجوست) ، طولانی شدن جملات ، ضعف و سستی پیوند اجزای جمله ها و حذف های نا به جا به وجود می آید.

۱۱) ترجمه ی نادرست و یا بی مبالاتی اهل زبان و دشواری فهم جمله به سبب تعبیرهای نامناسب قیدی ، وصفی ، فعلی ، اسمی و...

- بیداری مسلمانان را فرا گرفته است.
- مسلمانان در همه ی کشورها بیدار شده اند.
- گاه برخی از تعبیرهای نامناسب (تعبیری قیدی، وصفی، فعلی، اسمی و ...) که از راه ترجمه یا بی مبالاتی اهل زبان به زبان راه یافته اند فهم را دشوار می کنند.

۱۲) عدم مطابقت موصوف و صفت در زبان فارسی:

- خانم مدیره ی محترمه امروز لبخندی بر لب داشت.
- خانم مدیر محترم امروز لبخندی بر لب داشت.
- ۱۳) پرهیز از کاربرد تنوین در کلمات فارسی سره و غیر عربی
- گاهاً او مجبور می شود تلفظاً کارهایش را انجام دهد
- گاهی او مجبور می شود کارهایش را تلفظاً انجام دهد

۱۴) رعایت صراحت، دقت و گویایی در نوشته و پرهیز از جملات دیرباب

● موضوع ساده ای که ممکن است در هر عصر و زمانی نگران کننده باشد، این است که وقتی سطح انرژی بدن کاهش می یابد، می تواند به راحتی شما را عصبانی کند و از کوره به در کند.

● موضوع نگران کننده ی هر عصر این است که کاهش انرژی بدن، انسان را عصبانی می کند.

۱۵) پرهیز از تکلف های کلامی، قلمبه نویسی، بیان عبارات های فضل فروشانه، عربی مآبی و سره نویسی.

● افرادی من حیث لا یشعر اسقاط وظیفه می نمایند و جمهور ناس باید مقابله ای شدید نمایند.

● افرادی نادانسته در انجام وظایف کوتاهی می کنند که در این صورت تمامی مردم باید با آنها به تندی برخورد نمایند.

● درباره ی شیوه ی اضافه ی «ه» نافرما گفته یا «ی» بیان حرکت، بر پایه ی پریسمان های نگریک، زبانیک اکنون به نیرو شکل «نامه ی» را توصیه می کنیم.

● درباره ی شیوه افزودن «ی» پس از «ه» بیان حرکت، براساس تحقیقات زبانی، اکنون شکل «نامه ی» را توصیه می کنیم.

۱۶) پرهیز از جمع بستن دوباره جمع های عربی با نشانه های فارسی

اخبار ها اولادها اخلاق ها کتب ها خواص ها

۱۷) خودداری از افزودن «تر» به صفت های تقضیلی غربی

اعلم تر: علم افضل تر: افضل ارشدتر: ارشد اصلح تر: اصلح

۱۸) پرهیز از دراز نویسی

● در بیشتر موارد، اگر از چسب به حد کفایت استفاده نشود یا بیش از حد مورد لزوم از چسب استفاده به عمل آید، به صافی و شفافیت کتاب آسیب وارد می آید.

● اگر از چسب کم تر یا بیشتر از حد معمول استفاده شود، به صافی و شفافیت کتاب آسیب می رسد.

۱۹) پرهیز از کاربرد واژگان و ساخت های دستوری کهن

● دیروز افسر پلیس از جای بشد ● دیروز افسر پلیس عصبانی شد

● چنان که گفته آمد اهل عرفان را طریقتی دیگر است. ● چنان که گفته شد اهل عرفان طریقه ی دیگری دارند.

۲۰) کاربرد برابر های مناسب فارسی به جای کلمات بیگانه:

سیستم: نظام ادیت: ویرایش ساینز: اندازه کاراکتر: شخصیت

کاندید: نامزد پرسنل: کارکنان سوپسید: یارانه

۲۱) پرهیز از کاربرد دو کلمه ی پرسشی در کلمات پرسشی

● آیا چگونه می توان از ریا و تزویر دوری جست؟ ● چگونه می توان از ریا و تزویر دوری جست؟

۲۲) کاربرد صحیح تکیه کلام «به قول معروف»

● به قول معروف خسته شدم (خسته شدم قول معروف نیست) *به قول معروف زبانم مو درآورد * خسته شدم

نکته: به قول معروف زمانی به کار می رود که نمونه ای از حکمت ها، مثل ها، و سخنان برجسته بیابد.

۱۸) پرهیز از کاربرد «بر علیه» و «بر له» به جای «علیه» و «له»

● ملت ایران بر علیه رژیم حاکم قیام کرد. ● ملت ایران علیه رژیم حاکم قیام کرد.

● علیه به معنی «ضد او» و «بر او» است. و اضافه کردن «بر» به «علیه» حشو است. «له» به معنی «به نفع» و «به سود» به کار می رود و تا

جایی که مقدر است این واژه را به کار نمی بریم و به جای می توانیم از واژه «به نفع» استفاده کنیم.

۱۹) کاربرد «با» و «برای» به جای «به وسیله» و «به منظور» برای کوتاه کردن شدن نوشته.

● نامه را به وسیله پست سفارشی فرستادم ● نامه را با پست سفارشی فرستادم

● به منظور بازدید از نمایشگاه کتاب کلاس تعطیل شد. ● برای بازدید از نمایشگاه کتاب کلاس تعطیل شد.

۲۰) پرهیز از کاربرد «یت» با کلمات فارسی

خوبیت: خوبی رهبریت: رهبری دوئیّت: دوگانگی آشنائیّت: آشنایی خودیّت: خودی منیّت: منی

● هم من رفتم و هم او ● هم من رفتم و هم او رفت

● پرهیز از تکرار فعل (آوردن دو فعل مشابه، در دو جمله متوالی حشو است و یکی از فعل ها باید حذف شود).

● کلیات لایحه ی بودجه در جلسه ی امروز مجلس مطرح شد و تصویب شد.

❖ کلیات لاجیه ی بودجه در جلسه امروز مجلس مطرح شد و تصویب شد.

۲۳) پرهیز از حشو ❖ سوابق گذشته ی او را مطالعه کردم. ❖ گذشته ی او را مطالعه کردم.

❖ نمونه های حشو: حسن خوبی، تخم مرغ کبوتر، فینال آخر، سنگ حجر الاسود، تخته ی وایت برد، سال عام الفیل

۲۴) جمع بستن کلمات فارسی با نشانه های عربی جایز نیست.

❖ از فرمایشات جناب عالی بسیار بهره بردیم ← از فرمایش های جناب عالی بسیار بهره بردیم

۲۵) کلمه «برخوردار» جایی به کار می رود که نتیجه مثبت و مفید (کارهای نیک و پسندیده) داشته باشد.

❖ این بیمار از کم خونی برخوردار است ← این بیمار کم خونی دارد.

۲۶) پرهیز از کار برد فعل مجهول با نهاد

❖ بسیاری از جوانان توسط رژیم حاکم کشته شدند ← رژیم حاکم بسیاری از جوانان را کشت

❖ در جمله نخست در خالی که، کندی کار (نهاد) «رژیم حاکم» نیز در جمله آمده است فعل جمله نیز مجهول است.

۲۷) دو واژه ی «هست» و «است» را درست به کار ببریم ❖ هوا ابری هست ← هوا ابری است.

۲۸) بهتر است به جای واژه ی «می باشد» از «است» استفاده نماییم.

❖ او از این کار خوشنود می باشد ← او از این کار خوشنود است.

۲۹) عدم مطابقت عدد و معدود در زبان فارسی

❖ پاکستانی ها پنج اقوام مختلف هستند ← پاکستانی ها پنج قوم مختلف هستند.

۳۰) کلماتی که مختوم به «ی» هستند هنگام افزودن «ی» نسبت به جای «ی» از «ای» استفاده می کنیم

یوسنیایی: یوسنیایی لیبی: لیبیایی شیلی: شیلیایی

۳۱) پرهیز از به کار بردن ضمیر «آن» برای انسان

❖ رییس بانک آمد من آن را در خیابان دیدم ← رییس بانک آمد من او را در خیابان دیدم.

۳۲) ترکیباتی وصفی که صفت آنها مانند صمیمی، مساوی، قوی و رنگی مختوم به «ای» است، بهتر است «ی» به موصوف اضافه شود.

❖ ابوعلی سینا حکیم نامی ای بود ❖ ابوعلی سینا حکیمی نامی بود.

۳۳) برجسته کردن تضاد و مابینت بین اجزای جمله به کمک «و» مابینت یا استبعاد

❖ مسلمان با دروغ میانه ای ندارد ❖ مسلمان و دروغ!؟ شما و تأخیر!؟ فصل امتحانات و مسافرت!؟

موارد ویرایش فنی

۱- کاربرد درست همزه سائل ← سائل

نگته: همزه یکی از حروف الفبای فارسی است و بدون حرکت گذاری نوشته می شود.

۲- استفاده ی درست از نشانه های خط فارسی بنایی را دیدم ← بنایی را دیدم

۳- جدا نوشتن کلمات مرکبی از سرهم نوشتن آن ها موجب بد خوانی می شود. حاصلضرب ← حاصل ضرب

۴- جدا نوشتن حرف اضافه ی بی و به: بطور ← به طور

۵- کامل نوشتن عبارت های دعایی یا نوشتن آن ها با نشانه ی اختصاری

پیامبر صلی الله ← پیام صلی الله علیه و آله ← پیامبر (ص)

۶- استفاده ی درست و مناسب از نقش نمای اضافه: اسب سواری ↔ اسب سواری لب تشنه ↔ لب تشنه

۷- استفاده ی درست از «ی» میانجی سبوی آب ← سبوی آب خانه ی علی دانای کل

کلمات مختوم به مصوت (به جز مصوت بلند «ی») اگر مضاف واقع شوند بین مضاف و نقش /نمای اضافه جهت سهولت در تلفظ نقش نمای اضافه قرار می گیرد.

۸- تمایز میان «ه، و» بیان حرکت و حرف های «ه، و» رادی ← رادیو خان ← خانه

۹- توجه به کلماتی که دارای چند شکل مکتوب هستند.

بیا که قصر عمل سخت سست بنیاد است ← بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است.

اثاث توبه که در محکمی چو سنگ نمود ← اساس توبه که در محکمی چو سنگ نمود.

۱۰- کاربرد «ی» میانجی بزرگ به جای «ه» میانجی کوچک هنگامی که مضاف به مصوت ختم می شود.

مدرسه بزرگ ← مدرسه ی بزرگ

۱۱- رعایت ارتباط موضوعی بندها در نوشته

۱۲- حذف همزه از کلماتی عربی مختوم به «اء» انشاء ← انشا

۱۳- رعایت علایم نگارشی در زبان فارسی

نقطه (.) - ویرگول (،) - دو نقطه (:) - علامت سوال (?) - علامت تعجب (!) - گیومه («») - نقطه ویرگول (;) - خط فاصله (-) سه نقطه (...)

قلاب ([]) - کمانک (()) - ممیز (/) - ستاره (*) - پیکان (←) - ایضاً (") - آکلاد ({}) - تساوی (=)

پاسخ خودآزمایی درس ۳ زبان فارسی ۳

* غلط های ویرایشی: ۱. ازدو واژه ی **عصر وزمان** یکی حشو(زاید) است.

۲. فعل کمکی **باشد** در **یافته باشد** بدون قرینه حذف شده است.

۳. واژه ی **عصبی** منسوب به عصب است و به معنای **عصبانی** درست نیست.

۴. **از کوره در بردن** یک کنایه ی عامیانه است و در این عبارت زیاد مناسب به نظر نمی رسد.

۵. معنای عبارت واضح و درک آن راحت نیست (ابهام)

۱. موضوع ساده اما نگران کننده این است که وقتی انرژی بدن کاهش یابد می تواند، به راحتی شما را عصبانی کند.

۱. موضوع ساده اما نگران کننده این است که کاهش انرژی بدن موجب عصبانیت شما می شود .

* غلط ویرایشی: حرف اضافه ی از و واژه ی دارا باهم سازگاری و تناسب ندارند .

۲. اکنون شرکت های تعاونی از موقعیت خوبی برخوردارند .

۲. اکنون شرکت های تعاونی موقعیت خوبی دارند .

* غلط های ویرایشی: ۱. املای انجام دهنده گان درست نیست و درست آن انجام دهند گان است.

۲. واژه ی **انجام دهند گان** در این جمله مناسب نیست و بهتر است از واژه ی **مجریان** استفاده شود.

۳. واژه ی **پروژه** از واژه ها ی بیگانه است و به جای آن بهتر است از واژه ی **طرح** استفاده شود.

۴. **ریسک** نیز واژه ای بیگانه است و به جای آن بهتر است از واژه ی **خطر** استفاده شود.

۳. **مجریان** (اجرا کنندگان) این طرح باید جرئت خطر کردن را داشته باشند .

۳. لازمه ی اجرای این طرح خطر کردن است .

* غلط های ویرایشی: ۱. در واژه ی **عدم وجود** ، **حشو** است چون واژه ی **عدم** همان معنای **عدم وجود** را می دهد. علاوه بر آن بهتر است به

جای این ترکیب از واژه ی فارسی **نبود** استفاده شود.

۲. واژه ی **انجام** به معنی **اجرا** به کار رفته است.

۳. **عدم** و **هم نشده است** هر دو منفی هستند و ابهام ایجاد می کنند.

۴. **عدم** (نبود) برنامه ی مناسب ، فعالیت های ورزشی را به تأخیر انداخته است .

۴. نبود برنامه ی مناسب مانع اجرای به موقع فعالیت های ورزشی شده است .

غلط های ویرایشی: ۱. املای **بارنده گی** درست نیست ← **بارندگی**

۲. **پارسال گذشته** حشو است.

۳. بهتر است به جای **تحت الارضی** از ترکیب معمول **زیرزمینی** استفاده کرد.

۴. استفاده ازدو مورد منفی **بی تأثیر و نیست** باعث ابهام شده است.

۵. کاهش بارندگی پارسال (سال گذشته) باعث کمبود آب های زیرزمینی شده است .

۵. کاهش بارندگی در سال گذشته در کمبود منابع آب های زیرزمینی مؤثر بوده است .

غلط ویرایشی: کاربرد نامناسب حرف اضافه ی **به** است که با فعل **ملاحظه بفرمایید** تناسب ندارد.

۶. بخش بعدی برنامه را ببینید .

۶. به بخش بعدی برنامه توجه بفرمایید .

* غلط ویرایشی: این جمله واضح و معمول نیست.

۷. مورخان جرئت کردند کشف خود را افشا کنند. (آشکارکنند)

۷. مورخان با جرئت کشف خود را افشا کردند. (فاش کرد)

* غلط های ویرایشی: ۱. واژه ی ادامه با حرف اضافه ی بر نمی آید، آمادر این جمله چون بین ادامه و تأکید واو عطف وجود دارد، حرف اضافه ی بر به هردو مربوط می شود و نادرست است.

۲. واژه ی **انجام** به معنی **اجرا** به کاررفته است.

۸. ادامه ی چنین تمرین هایی و تأکید بر اجرای آن ها مهارت های نگارشی را تقویت می کند.

غلط ویرایشی: واژه ی **به درد نمی خورد** محاوره ای است.

۹. در این مواقع انسان دچار خود پرستی بیهوده ای می شود.

۹. در واقع این جوروقت ها، انسان دچار غرور می شود که درست نیست.

۱۰. = غلط ویرایشی: این عبارت کژتابی دارد و بیش از یک معنا و مفهوم از آن برداشت می شود، چون معلوم نیست که مرجع ضمیر متصل /ش/ در مقاله اش حسن است یا برادرش.

۱۰. حسن به برادرش گفت: «مقاله ات منتشر شده است.» ۱۰. حسن به برادرش گفت: «مقاله ام منتشر شده است.»

۱۰. حسن خبر انتشار مقاله ی برادرش را به او داد. ۱۰. حسن خبر انتشار مقاله ی خود را به برادرش داد.

نمونه سوال نهایی درس به درس زبان فارسی ۳ از خرداد ۸۱ تا شهریور ۹۴ درس ۳ ویرایش

۱. «پرهیز از کاربرد عباراتی که ابهام و کژتابی دارند»، در حوزه کدام ویرایش قرار دارد؟ +/۲۵

الف) فنی (ب) زبانی

۲. جمله های زیر را ویرایش کنید. +/۲۵

الف) پیامبر - صلی الله - فرمودند: «از گهواره تا گور دانش بجوید.»

ب) مامورین نیروی انتظامی، سارق را دستگیر و به زندان بردند.

پ) بازرسین این شرکت، انتقادات خود را مطرح کردند.

۳. «جدا نوشتن کلمات مرکبی که سرهم نوشتن آنها موجب بدخوانی می شود.» در حوزه کدام ویرایش قرار دارد؟ +/۲۵

الف) فنی (ب) زبانی

۴. جمله های زیر را ویرایش کنید. الف) به بخش بعدی برنامه ملاحظه بفرمایید. +/۲۵

ب) این بیمار از ضعف برخوردار است. +/۲۵

۱۱ - «استفاده ی درست و مناسب از نقش نمای اضافه»، در حوزه ی کدام ویرایش قرار دارد؟ +/۲۵

الف) زبانی (ب) فنی

۵. در جمله ی زیر غلط های نگارشی را بیابید و آن ها را اصلاح کنید. +/۵

« برای پیشگیری از خطرات احتمالی، آزمایشاتی که دبیر شیمی پیشنهاد داده است را در خانه انجام نمی دهیم. »

۶. «رعایت صراحت، دقت و گویایی در نوشته»، در حوزه ی کدام ویرایش قرار دارد؟ +/۲۵

الف) فنی (ب) زبانی

۷. جمله های زیر را ویرایش کنید.

الف) سارا به برادرش گفت که مقاله اش منتشر شده است. +/۲۵

ب) هنوز معلوم نشده است چه تعداد از شرکت کننده گان مشمول این قانون شده اند؟ +/۲۵

پ) اگر گفتارمان با رفتارمان مطابقت نداشته باشند، اعتماد مردم را از دست می دهیم. +/۲۵

ت) مسکو مایل به انجام طرح خلع سلاح هسته ای در اوکراین است. +/۲۵

۸. «پرهیز از کاربرد تنوین در کلمات فارسی سره و غیر غربی» در حوزه کدام ویرایش قرار دارد؟

الف) فنی (ب) زبانی +/۲۵

۹. جمله های زیر را ویرایش کنید.

الف) سارق را دستگیر و به وسیله خودرو به زندان بردند. +/۵

ب) دیدگاه او از دیدگاه تاریخ شناسان متفاوت می باشد. +/۵

۱۰. در جمله های زیر غلط ها را بیابید و آن ها را اصلاح کنید.

- الف) بازرسی وزارت آموزش و پرورش نتیجه ی گزارشات خود را اعلام کردند. ۰/۵
- ب) یکی از افسران حفاظت دشمن گلوله ای در کرد که به کله ی یکی از مخالفان اصابت نمود. ۰/۵
۱۱. رعایت ارتباط موضوعی بندها در نوشته، جزو کدام یک از اقسام ویرایش است؟ ۰/۲۵
- الف) فنی
ب) زبانی
۱۲. در جمله های زیر غلط های نگارشی را بیابید و آن ها را اصلاح کنید.
- الف) باید از دوئیت ها پرهیز کرد. ۰/۲۵
ب) گزارشاتی را که امروز رسیده بود بررسی کردم. ۰/۲۵
- پ) دیدگاه او از دیدگاه روان شناسان متفاوت است. ۰/۲۵
۱۳. عبارت های زیر را ویرایش کنید.
- الف) احساس نفرت به دیگران، ناخوشایند است. ۰/۲۵
ب) نتایجی که امروز به دست آمد، را گزارش می کنم. ۰/۲۵
- پ) مربیان دو تیم به منظور شرکت در مصاحبه ی مطبوعاتی اعلام آمادگی کردند. ۰/۲۵
- ت) آل بویه بغداد را فتح و پس از برکنار کردن خلیفه پسرش را به جای او برگماردند. ۰/۲۵
۱۴. غلط های به کار رفته در جمله های زیر را اصلاح کنید.
- الف) بازرسی سازمان سنجش، نتیجه ی گزارشات خود را اعلام کردند. ۰/۵
ب) غلط های به کار رفته در جمله های زیر را اصلاح کنید. ۰/۷۵
- الف) احساس نفرت به دیگران ناخوشایند است.
ب) مسکو مایل به انجام طرح خلع سلاح هسته ای اوکراین است.
پ) هنوز معلوم نیست چه تعداد از زندانیان شامل این عقو شده اند.
۱۶. ویرایش کنید .
- الف- چگونه می توان به درستی گزارشات رسیده اطمینان داشت؟ ۰/۲۵
- ب- دانشجویانی که شامل گذراندن واحد پایان نامه می شوند، برای انجام طرح خود از استادان راهنما کمک می گیرند. ۰/۵
۱۷. ویرایش کنید. ۰/۵ « دانشمندان به وسیله ی آزمایشات خود به نتایج سودمندی می رسند. »
- ۱۸- ابتدا دلیل غلط بودن هر یک از جملات زیر را بنویسید؛ سپس مشخص کنید ویرایش هر جمله در حوزه ی کدام نوع ویرایش قرار می گیرد؟
- الف) حسن خوبی یک دانش آموز تلاشگری اوست. ۰/۵
ب) دوست من، حاصلضرب این اعداد را درست نوشت. ۰/۵
۱۹. ابتدا جمله ی زیر را ویرایش کنید؛ سپس بنویسید کار شما در حوزه ی کدام نوع ویرایش قرار دارد؟ ۰/۷۵
- « حماسه ی ارزشمند شاهنامه به وسیله ی حکیم ابوالقاسم فردوسی سروده شد. »
۲۰. استفاده از کدام واژه در عبارت زیر غلط است؟ دلیل آن را بنویسید. ۰/۵
- « کتاب زبان فارسی رشته های تجربی و ریاضی از کتاب زبان فارسی رشته ی علوم انسانی متفاوت است. »
۲۱. در عبارت زیر، از کاربرد کدام واژه باید تا حد امکان پرهیز کرد؟ چه واژه ای را می توان معادل آن به کار برد؟ ۰/۵
- « جمعیت انبوه، ویران کننده ی محیط زیست می باشد. »
۲۲. چرا نباید در نوشته های خود از عبارت « از جای بشد » به جای « عصبانی شد » استفاده کرد؟ ۰/۵
۲۳. کاربرد کدام واژه در عبارت زیر غلط است؟ به جای آن از چه واژه های باید استفاده کرد؟ ۰/۵
- به وسیله ی پست نامه ی مفصلی برای فرستادم.
۲۴. جمله ی زیر را ویرایش کنید. ۰/۵
- یکی از دلایل علاقه ی من به رمان این است که شما با خواندن آن احساس آرامش می کنید.
۲۵. با توجه به جمله ی « داستانی که نوشته بودم را به عنوان انشاء در کلاس خواندم. »
- الف) جمله را ویرایش کنید. ب) هریک از موارد ویرایش مربوط به کدام نوع ویرایش است؟
۲۶. دلیل استفاده از « و » استبعاد چیست؟
۲۷. استفاده از کدام واژه در عبارت زیر غلط است؟ چرا؟
- « مسکو مایل به انجام طرح خلع سلاح هسته ای اوکراین است. »
۲۸. جمله ی زیر از نظر نگارشی چه اشکالی دارد؟ ۰/۵

- گاهی ماشین ها تولید صداهایی ناهنجار را ایجاد می کنند که بسیار آزاردهنده است.
۲۹. تضاد میان اجزای عبارت زیر چگونه برجسته شده است؟ ۰/۵ « دوست واقعی و پنهان کاری! »
۳۰. هر یک از موارد زیر مربوط به کدام نوع ویرایش است؟ ۰/۵
- الف) رعایت علایم نگارشی در زبان فارسی
ب) حذف درست فعل به قرینه
۲۹. جمله ی زیر را با ذکر دلیل ویرایش کنید. ۰/۵ احساس نفرت به دیگران ناخوشایند است.
۳۰. با توجه به جمله ی روبرو: « در مسابقات ملی شطرنج، تیم نوجوانان ژاپن از تیم شطرنج ایران باخت. »
- الف- دلیل غلط بودن جمله را ذکر کنید. ۰/۲۵
ب- جمله را ویرایش کنید. ۰/۲۵
- ج- ویرایش جمله ی فوق مربوط به کدام نوع ویرایش است؟ ۰/۲۵
۳۱. استفاده ی درست از نشانه های خط فارسی، مربوط به ویرایش است. ۰/۲۵
۳۲. جملات زیر را ویرایش کنید:
- الف) عدم بارندگی در کمبود آب های زیرزمینی بی تاثیر نمی باشد. ۰/۵
ب) این موضوع ساده ای است که مشمول حال هر انسانی در هر زمان می شود. ۰/۲۵
۳۳. جملات زیر را ویرایش کنید:
- الف) آیا چگونه بازیکنی می تواند توپ را برای مهاجم تیم مقابل واگذار کند؟ ۰/۵
ب) تلفناً از دوستم که از بیماری شدیدی برخوردار است دلجویی کردم. ۰/۵
۳۴. عبارت زیر را ویرایش کنید. ۰/۵
- « بازرسان با توجه به سوابق گذشته ی متهم، نتایج به دست آمده را تلفناً یا با پست گزارش می کنند. »
۳۴. عبارت « بیداری مسلمانان را فرا گرفته است. » را ویرایش کنید. ۰/۵
۳۵. درباره ی اشکال های نگارشی عبارت زیر توضیح دهید. ۰/۵
« صبح وقتی اون اوامد به قول معروف حوصله نداشتم. »
۳۶. عبارت زیر را ویرایش کنید. ۰/۵ در مسابقه ی فینال آخر، تیم مدرسه ی ما از تیم مقابل باخت.
۳۷. چرا عبارت زیر از جهت نگارش نادرست است؟ ۰/۵
« به او گفتم: عجله نکن. به قول معروف، با عجله کار درست نمی شود. »
۳۸. عبارت زیر را ویرایش کنید. ۰/۵
- « در سیستم نوین آموزش و پرورش، استفاده از پیشنهادات خانواده ها می تواند تاثیر گذار باشد. »
۳۹. عبارت زیر را ویرایش کنید. ۰/۵ دانشمندان به منظور دست یابی به دانش هسته ای، آزمایشات زیادی انجام دادند.
۴۰. چرا کاربرد واژه ی « دوئیت » در عبارت زیر نادرست است؟ ۰/۵
« دوئیت در میان افراد خانواده، صفا و صمیمیت را از بین می برد. »
۴۱. چرا جمله ی زیر از نظر نگارشی نادرست است؟ ۰/۵ کلیات لایحه ی بودجه در جلسه ی امروز مجلس مطرح و به تصویب رسید.
۴۲. جمله ی زیر را ویرایش کنید. ۰/۵ « مورخان جرئت به افشای کشف خود کردند. »
۴۳. در کدام یک از جمله های زیر کاربرد « را » نادرست است؟ چرا؟ ۰/۵
- الف- نتایجی را که امروز به دست آمد، گزارش می کنم. ب- نتایجی که امروز به دست آمد را، گزارش می کنم.
۴۴. جمله های زیر را ویرایش کنید: ۰/۵
- الف- دیدگاه او از دیدگاه روان شناسان متفاوت است. ب- این که گفتم مشمول حال شما هم می شود.
۴۵. چرا استفاده از « تنوین » در واژه ی « خواهشاً » نادرست است؟ ۰/۵
۴۶. جمله ی زیر را ویرایش کنید. ۰/۵ یکی از دلایل علاقه ی من به شعر نو این است که شما از شنیدن آن لذت می برید.
۴۷. چرا جمله ی روبرو از نظر نگارشی نادرست است؟ ۰/۵ این خبر را تلفناً با او گفته بودیم
۴۸. چرا کاربرد حروف اضافه ی « از » در جمله ی زیر نادرست است؟ ۰/۵ دیدگاه او از دیدگاه روان شناسان متفاوت است.
۴۹. در جمله ی زیر به کار بردن کدام کلمه نادرست است؟ صحیح آن کلمه را بنویسید. ۰/۵
مسکو مایل به انجام طرح خلع سلاح هسته ای اوکراین است
۵۰. چرا در جمله ی زیر کاربرد حرف نشانه ی « را » پس از کلمه ی « آمد » نادرست است؟ ۰/۵
« نتایجی که امروز به دست آمد را گزارش می کنم. »
۵۱. ویرایش کنید.

الف) پلیس ، سارق را دستگیر و به زندان برد. ۰/۲۵
سرسبز باشید

ب) هر شهروند ایرانی مشمول دریافت یارانه می باشد. ۰/۲۵

رضایی

درس ۵ مطابقت نهاد و فعل و خود آزمایی درس
جدول شماره ی یک

نوع نهاد	نهاد	فعل
اسم	جاندار	فرد/جمع فرد: پیامبر فرمودند. (مطابقت ندارد) جمع: انسان ها.....می توانند.....
	بی جان	فرد/جمع فرد: سنگ افتاد. جمع: سنگ ها افتاد.(نهاد جمع و غیر جاندار) جمع: (به هنگام جان بخشیدن به اشیا): گل ها خندیدند.
اسم جمع	جاندار	فرد/جمع فرد: مردم (فقط جمع) مردم (اگر به معنی انسان و مردمک باشد فقط مفرد) مردم (به معنی مذهب در متون کهن باشد فقط مفرد) مردم مردم/جمع مردم: قافله، کاروان، قافله، رمه، لشکر، سپاه، دسته (عزاداران) مردم: مجلس، شورا، هیئت، گروه، مجمع (فقط مفرد) مردم: دسته (اسکناس، سبزی، چوب و...)
	بی جان	فرد/جمع فرد: یکی، کسی، هر کسی (فقط مفرد) مردم/جمع جمع: هر یک، هر کدام، هیچ یک، هیچ کدام (هم مفرد و هم جمع) جمع: بعضی (اگر متمم بعد از آن جاندار (انسان یا حیوان) باشد) مردم/جمع جمع: بعضی (اگر متمم بعد از آن غیر جاندار باشد)

***نکته ۱: تنها با جمع بستن نهاد، فعل آن نیز جمع بسته می شود.**

در زمان قدیم مرد تنگ دستی در سرزمینی دور دست با وضع پریشانی زندگی می کرد.

جمع بستن هیچ یک از گروه های اسمی جمله ی بالا-به جز نهاد- در فعل تأثیر نخواهد گذاشت:

در زمان های قدیم مرد تنگ دستی در سرزمین های دور دست با اوضاع پریشانی زندگی می کرد.

در زمان قدیم مردان تنگ دستی در سرزمینی دور دست با وضع پریشانی زندگی می کردند.

***نکته ۲:** اگر بخواهیم به مخاطب احترام بگذاریم، به جای ضمیر ((تو))، ضمیر ((شما)) و به جای شناسه ی ((ی)) شناسه ی ((ید)) را به کار می بریم: تو رفته بودی. شما رفته بودید. همچنین به جای ضمیر ((او)) ضمیر ((ایشان)) را به کار می بریم. و به جای شناسه ی [آد/تهی] شناسه ی - ند به کار می بریم.

***نکته ۳:** ضمیر اول شخص مفرد (من) نیز گاه به صورت (ما) در می آید و اغلب نویسندگان و سخنرانان آن را به کار می برند و در

حقیقت، خوانندگان و شنوندگان را با خود شریک می کنند. **من معتقدم <.....> ما معتقدیم.**

***نکته ۴:** فعل اول شخص مفرد نیز گاهی به صورت جمع به کار می رود. در این حالت، گوینده یا نویسنده، سخن و نوشته ی خود را حاصل

فکر جمع می داند نه فرد. **مثال: گفتیم که این مشکل با خرد جمعی حل می شود.**

نکته ۵: ضمناً برای احترام در فعل امر، به جای هر فعلی از ((بفرمایید)) استفاده می شود:

بخورید، بخوانید، بنشینید و... در حقیقت، فعل اصلی جمله (فعل بعد از بفرمایید) حذف می گردد: بفرمایید بنشینید.

نکته ۶: حذف شناسه در متون گذشته صورت می گرفت، مثال: کبوتران فرمان وی بکردند و هریک سرخویش گرفت (= گرفتند)

نکته ۷: نهاد جدای سوم شخص را به قرینه ی نهاد پیوسته نمی توان حذف کرد مثلاً، در جمله ی "به خانه ی خود می روند" حذف نهاد

نادرست است چون از روی شناسه نمی توان حدس زد چه کسانی؟ تنها در صورتی درست است که قرینه ی (نشانه = سرنخ) آن در سخن

آمده باشد: مانند: علی به خانه رفت و (علی) تکالیفش را نوشت.

نکته ۸: نهاد پیوسته ی تمام اسم های جمع مفرد می آید به جز مردم که همیشه جمع است و ملت که هم مفرد می آید و هم جمع.

نکته ۹: فعل تمام اسم های جمع به شکل مفرد می آید به جز ملت که هم مفرد می آید وهم جمع ، ومردم که همیشه جمع می آید.

* منظور از مطابقت نهاد با فعل :

* منظور از شمار فعل :
* نهاد جدا با نهاد پیوسته از چه نظر با هم مطابقت دارند؟

نمونه هایی از حذف قسمت های مختلف جمله

بخش حذف شده	مثال	قرینه
حذف جمله ی وابسته : در جمله های مرکب گاه حذف به قرینه ی لفظی صورت می گیرد	رفته بودم او را ببینم اما نتوانستم [.....]	قرینه لفظی
حذف تمام اجزای جمله به جز نقطه ی اطلاع در جمله های پاسخی و پرسشی	حسن آمد. چه کسی [.....] ؟ حسن دیروز آمد . کی [.....] ؟	قرینه ی لفظی
حذف نهاد جدا : نهاد جمله های هم پایه و ناهم پایه ی اول شخص و دوم شخص را همیشه می توان به قرینه نهاد پیوسته حذف کرد .*	من به دیدن دوستم رفتم و [من] خیلی زود برگشتم تو به خانه رفتی و [تو] به استراحت پرداختی من وقتی که [من] به خانه رسیدم ؛ توانایی راه رفتن نداشتم. تو همین که [تو] محمد را دیدی ؛ مشکل خودت را به او گفتی.	قرینه ی لفظی
حذف فعل اسنادی در جمله های مرکب	هر چه ارزان تر [.....] بهتر [....]	قرینه ی معنوی
حذف فعل در جمله های پر کاربرد	به سلامت [بروی] ، بسیار خوب [است] به جان شما [قسم می خورم]	قرینه معنوی

نکته* : حذف نهاد جدا در سه صورت امکان پذیر نیست .

- همراه با بدل باشد : ما ، دانش آموزان کلاس سوم دبیرستان ، از کتابخانه بازدید کردیم .

- همراه با وابسته باشد : من بیچاره هم از اهل سلامت بودم .

- تأکیدی در کار باشد : « من این موضوع را گفته بودم . » (نه کس دیگر)

حذف نهاد پیوسته (شناسه یا نهاد اجباری)
ممکن نیست .

نکته ی ۱۰: برای حذف یک جز از جمله به قرینه وجود آن در جمله یای دیگر ، نیازی نیست که نقش دستوری این جز در دو جمله یک

سان باشد. مثال : من دیروز علی را دیدم و [علی] بسیار خوشحال بود.

نکته ۱۱: هر گاه شناسه دو فعل با هم متفاوت باشد و به قرینه حذف شده باشند ، حذف به قرینه ی لفظی است .

مثال : آن ها با اسب حرکت کردند ، مانیز به دنبالشان حرکت کردیم . [

* شناسه ی فعل ها در فارسی مؤدبانه نیز تابع قاعده ی ضمیر است:

جدول شماره ی سه - جدول فعل ها در فارسی مؤدبانه

شخص و شمار	مفرد	جمع
اول شخص	رفتم	رفتیم
دوم شخص	رفتید ← به جای رفتی	رفتید
سوم شخص	رفتند ← به جای رفت	رفتند

الف- هر یک از کلمات زیر را در جمله به عنوان نهاد به کار ببرید و درباره ی مطابقت آن ها گفتگو کنید.

۱- حضرت علی (ع) فرمود ← نهاد با فعل مطابقت دارد ← نهاد مفرد ← فعل مفرد

۲- حضرت علی (ع) فرمودند ← نهاد با فعل مطابقت ندارد ← نهاد مفرد ← فعل جمع ← برای احترام

۳- انسان ها اشرف مخلوقات هستند ← نهاد با فعل مطابقت دارد ← نهاد جمع ← فعل جمع

۴- سنگ افتاد ← نهاد با فعل مطابقت دارد ← نهاد مفرد ← فعل مفرد

۵- سنگ ها افتاد ← نهاد با فعل مطابقت ندارد ← نهاد جمع ← فعل مفرد ← چون نهاد جمع غیر جاندار است.

- ۶- گل هالبخند زدند ← نهاد با فعل مطابقت دارد ← نهادجمع ← فعل جمع ← نهاد آرایه ی جان بخشی دارد.
- ۷- قافله / کله / کاروان / رمه آمد ← هرگاه نهاد اسم های جمع قافله و... باشد فعل می تواند هم مفرد و هم جمع بیاید.
- ۸- دسته ی عزادارواردمسجد شد ← هرگاه نهاد اسم جمع دسته عزاداران باشد فعل می تواند هم مفرد و هم جمع بیاید.
- ۹- لشکربرگشت ← هرگاه نهاد اسم جمع لشکر باشد فعل می تواند هم مفرد و هم جمع بیاید.
- ۱۰- سپاه پیروز شد ← هرگاه نهاد اسم جمع سپاه باشد فعل می تواند هم مفرد و هم جمع بیاید.
- ۱۱- مردم شورش کردند ← هرگاه نهاد اسم جمع مردم باشد فعل فقط جمع می آید.
- ۱۲- مردم (به معنی مردمک) چشمم نشسته در خون است ← نهاد با فعل مطابقت دارد ← نهادمفرد ← فعل مفرد
- ۱۳- مردم (به معنی انسان) تازه است، بی نیاز از قوت نیست ← نهاد با فعل مطابقت دارد ← نهادمفرد ← فعل مفرد
- ۱۴- ملت قیام می کند ← هرگاه نهاد اسم جمع ملت باشد فعل می تواند هم مفرد و هم جمع بیاید.
- ۱۵- ملت قیام می کنند. ← هرگاه نهاد اسم جمع ملت باشد فعل می تواند هم مفرد و هم جمع بیاید.
- ۱۶- ملت (به معنی مذهب) عاشق ز ملت ها جداست /عشق را ملت و مذهب جداست ← نهاد با فعل مطابقت دارد
- ۱۷- مجلس این لایحه را تصویب کرد ← هرگاه نهاد اسم جمع مجلس باشد فعل فقط مفرد می آید.
- ۱۸- شورا مردم را به مسجد دعوت کرد ← هرگاه نهاد اسم جمع شورا باشد فعل فقط مفرد می آید.
- ۱۸- هیئت نظم خاصی داشت ← هرگاه نهاد اسم جمع هیئت باشد فعل فقط مفرد می آید.
- ۲۰- گروه دوستی ایران به آمریکا رفت ← هرگاه نهاد اسم جمع هیئت باشد فعل فقط مفرد می آید.
- ۲۱- مجمع جلسه ای تشکیل داد ← هرگاه نهاد اسم جمع مجمع باشد فعل فقط مفرد می آید.
- ۲۲- دسته ی اسکناس پاره شد ← هرگاه نهاد اسم جمع دسته باشد فعل فقط مفرد می آید.
- ۲۳- یکی از افراد من نیامد ← هرگاه نهاد اسم جمع یکی باشد فعل فقط مفرد می آید.
- ۲۴- هرکسی حرفی می زند ← هرگاه نهاد اسم جمع هرکسی باشد فعل فقط مفرد می آید.
- ۲۵- کسی جلودارمردم نیست ← هرگاه نهاد اسم جمع کسی باشد فعل فقط مفرد می آید.
- ۲۶- هریک از شما باید درشش را خوب بخواند / از شما باید درستان را خوب بخوانید.
- ۲۷- هرکدام از شما باید درشش را خوب بخواند / از شما باید درستان را خوب بخوانید.
- ۲۸- هیچ یک از شما خوب درس نمی خواند / نمی خوانید
- ۲۹- هیچ کدام از شما حرفی نزد / نزدند

*** هرگاه نهاد اسم های مبهم هریک / هیچ یک / هر کدام / هیچ کدام باشد فعل می تواند هم مفرد و هم جمع بیاید.**

- ۳۰- بعضی: (اگر متمم بعد از آن جاندار (انسان یا حیوان) باشد. بعضی از دانش آموزان بسیارعاقل هستند.
- ۳۱- بعضی (اگر متمم بعد از آن غیرجاندار باشد) بعضی از کتاب ها سودمند است / هستند
- ب- واژه ی «درختان» در جمله به عنوان نهاد به کار ببرید. به صورتی که جمله، آرایه ی تشخیص داشته باشد.

پ - شکل مؤدبانه ی ضمیر های شخصی در فارسی چگونه است؟

جدول شماره ی دو - ضمیر های شخصی در فارسی مؤدبانه

ضمیر های شخصی در فارسی مؤدبانه				
ضمیر های پیوسته		ضمیر های جدا		
شمار	مفرد	جمع	مفرد	جمع
اول شخص	من	ما	مـ	مان
دوم شخص	تو ← شما	شما	تـ	تان
سوم شخص	او ← ایشان	ایشان	شـ	شان

جدول ۴ - جدول گزینش زبان مؤدبانه و انتخاب واژگان مناسب آن

گونه ی معمولی	گونه ی مؤدبانه
.....	در باره ی خود
	درباره ی مخاطب

من	بنده - این جانب
تو	شما/حضرت عالی/جناب عالی/سرکار
آمدن	خدمت رسیدن / مشرف شدن	تشریف آوردن / تشریف فرما شدن
رفتن	مرخص شدن / رفع زحمت کردن	تشریف بردن
گفتن	عرض کردن / به عرض رساندن	فرمودن
خوردن	صرف کردن / صرف شدن	میل کردن / میل فرمودن / نوش جان کردن
دادن	تقدیم کردن	مرحمت کردن
بودن	در خدمت بودن	تشریف داشتن
خواستن	استدعا/خواهش/تمنا	امر کردن / اراده کردن / اراده فرمودن

ث - حذف چند نوع است؟ نام ببرید و تعریف کنید. پاسخ: دو نوع ۱. قرینه ی لفظی ۲. قرینه ی معنوی

اگر حذف به دلیل تکرار و برای پرهیز از تکرار صورت گیرد، آن را حذف به «قرینه ی لفظی» گویند.

اگر خواننده یا شنونده از سیاق سخن به بخش حذف شده پی ببرد حذف به «قرینه ی معنوی» است.

ج - علت حذف چیست؟ برای جلوگیری از تکرار آن چه که خواننده یا شنونده حدس می زند.

چ - فایده ی حذف چیست؟ حذف موجب صرفه جویی در کلام می شود.

ح - انواع حذف را در هر جمله مشخص کنید.

۱. گیله مرد گوشش به این حرف ها بدهکار نبود و اصلاً جواب نمی داد. ← [گیله مرد] ← حذف نهاد جدا به قرینه ی لفظی

۲. حمید از دوستش پرسید: از دوستان چه خبر؟ ← [داری] ← حذف فعل به قرینه ی معنوی

خ - در هر جمله، چه جزئی حذف شده است؟ به چه قرینه ای؟

۱. به مدرسه رفته ام و درس خواندم. ← حذف نهاد جدای ضمیر «من» به قرینه ی لفظی شناسه

۲. تا به خانه رسیدیم، برق رفت. ← حذف نهاد جدای ضمیر «من» به قرینه ی لفظی شناسه

۳. رفته بودم که او را ببینم؛ اما نتوانستم. ← [او را ببینم] حذف جمله ی وابسته به قرینه ی لفظی

۴. به سلامت. [بروید یا فعل مناسب دیگر] ← حذف فعل به قرینه ی معنوی

۵. بسیار خوب. [است یا فعل مناسب دیگر] ← حذف فعل به قرینه ی معنوی

۶. شکر خدا. [می گویم یا فعل مناسب دیگر] ← حذف فعل به قرینه ی معنوی

۷. به جان شما. [قسم می خورم یا فعل مناسب دیگر] ← حذف فعل به قرینه ی معنوی

۸. هرچه ارزان تر، بهتر. [باشد]، [است] ← حذف فعل اسنادی به قرینه ی معنوی

۹. چه بهتر که شما این کار مهم را بر عهده گرفتید. [است یا فعل مناسب دیگر] ← حذف فعل اسنادی به قرینه ی معنوی

۱۰. حسن آمد. - چه کسی؟ [آمد] ← حذف تمام اجزای جمله به جز نقطه ی اطلاع در جمله های پاسخی و پرسشی

۱۱. حسن دیروز آمد. - کی؟ [حسن]، [آمد] ← حذف تمام اجزای جمله به جز نقطه ی اطلاع در جمله های پاسخی و پرسشی

۱۲. در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب. [است] ← حذف فعل اسنادی به قرینه ی لفظی

۱۳. هر که بامش بیش، برفش بیشتر. [است]، [است] ← حذف فعل اسنادی به قرینه ی معنوی

۱۴. به جان شما، من این کار را خواهم کرد. [قسم می خورم یا فعل مناسب دیگر] ← حذف فعل به قرینه ی معنوی

۱۵. قصد داشت که آن کتاب را بخواند، اما نتوانست. [کتاب را بخواند] ← حذف جمله ی وابسته به قرینه ی لفظی

د - در کدام جمله، می توان نهاد جدا را حذف کرد؟

۱. من این موضوع را گفته بودم، نه کس دیگر. ← (به دلیل تأکید بر نهاد جدا)

۲. من بیچاره باید به تنهایی این همه کار را انجام دهم. ← (به دلیل همراه بودن نهاد جدا با وابسته)

۳. ما ایرانی ها، به کشور خود عشق می ورزیم. ← (به دلیل همراهی نهاد با بدل)

۴. تو این سخن را گفته بودی. ← نهاد جای ضمیر را در این جمله به قرینه لفظی شناسه می توان حذف کرد.

۵. من معلم باید در کلاس، انگیزه ایجاد کنم. ← (به دلیل همراه بودن نهاد جدا با وابسته)

۶. شما دو نفر باید تمام کارها را انجام دهید. ← (به دلیل همراهی نهاد با بدل)

۷. ما، دانش آموزان سال سوم، تمام تلاش خود را خواهیم کرد. ← (به دلیل همراهی نهاد با بدل)

ذ- آیا امکان حذف نهاد پیوسته وجود دارد؟ خیر

ر: برای نهاد جمله ی هم پایه ی اول شخص و دوم شخص مثالی بزنید

من به دیدن دوستم رفتم و [من] خیلی زود برگشتم / تو به خانه رفتی و [تو] به استراحت پرداختی

ز. برای نهاد جمله ی نا هم پایه ی اول شخص و دوم شخص مثالی بزنید.

من وقتی که [من] به خانه رسیدم؛ توانایی راه رفتن نداشتم. / تو همین که [تو] محمد را دیدی؛ مشکل خودت را به او گفتی.

ژ. واژه های زیر را با «ان» جمع ببندید.

- | | | | |
|------------------|-------------------|-----------------------|-------------------|
| ۱. دوست ← دوستان | ۲. آشنا ← آشنایان | ۳. ستاره ← ستارگان | ۴. تشنه ← تشنگان |
| ۵. نیا ← نیان | ۶. پله ← پلکان | ۷. دانشجو ← دانشجویان | ۸. خفته ← خفتگان |
| ۹. گیسو ← گیسوان | ۱۰. زانو ← زانوان | ۱۱. ابرو ← ابروان | ۱۰. بانو ← بانوان |

ز- واژه ی «سبزی» را با «ات» جمع ببندید. ← سبزی جات

ژ- واژه های روبه رو را با «ی نسبی» بیاورید. ۱. خانه: خانگی ۲. هفته: هفتگی

س- واژه های روبه رو را با «ی نکره» بیاورید. ۱. خانه: خانه ای ۲. هفته: هفته ای

خود آزمایی درس ششم (مطابقت نهاد و فعل)

۱. چگونه می توان فعل های زیر را مجهول کرد؟

* «جوشید» و «ترکید» چون ناگذر هستند، مجهول نمی شوند و باید ابتدا آن ها را گذرا کنیم، سپس مجهول سازیم.

الف) آب جوشید.	الف) بادکنک ترکید.
ب) آشپز آب را جوشاند.	ب) احمد بادکنک را ترکاند.
پ) آب جوشانده شد.	پ) بادکنک ترکانده شد.
ت) بلی	ت) بلی

۲. موارد حذف را در نوشته ی زیر مشخص کنید و نوع آن را بنویسید.

آن ها با اسب حرکت کردند، ما نیز به دنبالشان (حرکت کردیم: لفظی). (ما: لفظی) صبح زود رسیدیم. آن ها زودتر (از ما: لفظی) (رسیدند: لفظی) شهرمیان دشت گسترده بود. (شهر: لفظی) پر از دارودرخت

(بود: لفظی) (شهر: لفظی) حالتی رویایی (داشت: معنوی) مثل این بود که (ما: لفظی) به بهارستانی نادیده چون مینو قدم نهاده ایم.

(شهر: لفظی) در قرن سوم بنا شده بود. از آن زمان تاکنون، (شهر: لفظی) آرام و سبز در کنار کویر نشسته چشم به راه آمدن مسافری

بود که (آن مسافر: لفظی) به دیدارش می آمد.

۳. واج (صامت) های میانجی واژه های زیر را مشخص کنید.

دانا یان ← ی	پختگی ← گ	ترشیجات ← ج	بچگانه ← گ	سخن گویان ← ی
گرسنگان ← گ	روستایی ← ی	اول نامه ای ← ا (همزه)	بانوان ← و	زانوان ← و

نمونه سؤال نهایی درس به درس زبان فارسی ۳ از خرداد ۸۱ تا شهریور ۹۴ درس ۵

خرداد ماه ۱۳۹۴

۱. شکل مؤدبانه ی «آمدم» را بنویسید. ۰/۲۵ خدمت رسیدم یا مشرف شدم

۲. نوع قرینه حذف را در عبارت های زیر مشخص کنید.

الف) هر که را رنج بیش، گنج بیش. ۰/۲۵ (ب) سحر می خواست دوستش را ببیند اما نتوانست. ۰/۲۵

الف) معنوی (ب) لفظی

شهریور ماه ۱۳۹۴

۳. گونه مؤدبانه ی فعل جمله «استاد، این کتاب را به من بدهید» را بنویسید. ۰/۲۵ مرحمت کنید.

۴. نوع قرینه حذف را در جمله «چه بهتر که شما این کار مهم را برعهده بگیرید.» مشخص کنید. ۰/۲۵ معنوی

خرداد ماه سال ۱۳۹۳

۱ - نشسته در این جمله قید است، اگر فعل «ماضی بعید» باشد با حذف فعل «بود» باید بعد از آن «و» آورده شود.

۵. فعل مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید. ۰/۲۵ می گریستند ۰/۲۵
چشمه های زلال در انتظارشان (می گریست - می گریستند)
۶. در عبارت زیر، نوع حذف را از داخل کمانک انتخاب کنید. (لفظی - معنوی) ۰/۲۵
« شکسپیر در غزلواره ی « ترانه ی من » « هم جوانی را می ستاید و هم شعر خویش را . » لفظی ۰/۲۵

شهریور ماه ۱۳۹۳

۷. فعل مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید. ۰/۲۵ گروه مذاکره کننده از حقوق ملت ایران دفاع (کرد - کردند) .
۸. چرا در جمله ی « من این موضوع را گفته بودم. » « نه کس دیگر ، نهاد جدا حذف نمی شود؟ ۰/۲۵
زیرا تاکید دارد. ۰/۲۵

دی ماه ۱۳۹۳

۹. در هر یک از جمله های زیر ، فعل مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.
الف) قطره های باران به آرامی صورت دخترک را نوازش (می کرد - می کردند) . ۰/۲۵ الف) می کردند
ب) دسته عزاداران به خیابان اصلی (پیچید - پیچیدند) . ۰/۲۵ ب) پیچید
۱۰. شکل مؤدبانه فعل جمله « کتاب را به استاد می دهم » چگونه است؟ ۰/۲۵ تقدیم می کنم

شهریور ماه ۱۳۹۲

۱۱. فعل مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید. ۰/۲۵ می زنند ۰/۲۵
در فصل بهار، گل های زیبا را به روی رهگذران لبخند (می زند - می زنند) .
۱۲. در عبارت « من آمده بودم شما را ببینم ، اما نتوانستم » حذف به چه قرینه ای صورت گرفته است؟ ۰/۲۵. قرینه ی لفظی
۱۳. فعل جمله ی « شما این مطلب را گفتید. » را به گونه ی مؤدبانه بنویسید. ۰/۲۵ فرمودید ۰/۲۵

دی ماه ۱۳۹۲

۱۴. فعل مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید. ۰/۲۵ بنشینند
در کلاس درس، هر کسی باید در جای خود (بنشیند - بنشینند) .
۱۵. فعل جمله ی « شما در خانه بودید. » را به گونه ی مؤدبانه بنویسید. ۰/۲۵ تشریف داشتید
۱۵. در عبارت « من بیچاره باید به تنهایی این همه کار را انجام دهم. » چرا نهاد جدا را نمی توان حذف کرد؟ ۰/۲۵
۱۷. زیرا نهاد جدا وابسته دارد. ۰/۲۵

خرداد ماه سال ۱۳۹۱

۱۸. « عرض کردن » شکل مؤدبانه ی « گفتن » درباره ی است. ۰/۲۵ خود
۱۹. چرا در جمله ی « من دانشجو باید به فکر آینده ی خود باشم. » نمی توان نهاد جدا را حذف کرد؟ ۰/۲۵
زیرا نهاد جدا با وابسته همراه است. ۰/۲۵
۲۰. در عبارت « چه بهتر، که هدف از آفرینش خود را بدانیم. » حذف به چه قرینه ای صورت گرفته است؟ ۰/۲۵ قرینه ی معنوی

شهریور ماه سال ۱۳۹۱

۲۱. فعل جمله ی « دیروز به پژوهشگاه رفتید. » را به شکل مؤدبانه بنویسید. ۰/۲۵ تشریف بردید.
۲۲. در عبارت زیر حذف به چه قرینه ای صورت گرفته است؟ ۰/۲۵ قرینه ی معنوی ۰/۲۵
« شکر خدا ، که بارش بهاری از آلودگی هوا کاسته است. »
۲۳. چرا در جمله ی زیر، نمی توان نهاد جدا را حذف کرد؟ ۰/۲۵ زیرا نهاد جدا بدل دارد. ۰/۲۵
« ما ایرانیان ، همواره از مرزهای میهن اسلامی خود دفاع می کنیم. »

دی ماه سال ۱۳۹۱

۲۴. فعل های مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) می آورد ب) پرداخت
الف) هر کسی برای اثبات ادعای خویش دلیلی (می آورد - می آورند) ۰/۲۵
ب) در مراسم عاشورای حسینی هیئت عزاداری به سینه زنی (پرداخت - پرداختند) ۰/۲۵

۲۵. در عبارت «پدربزرگ دیروز از سفر برگشت. - کی؟» حذف به چه قرینه ای صورت گرفته است؟ ۰/۲۵

۲۶. قرینه ی لفظی ۰/۲۵

خرداد ماه سال ۱۳۹۰

۲۷. فعل جمله ی « آیا شما روز گذشته به کتابخانه ی ملی رفتید؟ » را به شکل مؤدبانه بنویسید. ۰/۲۵

تشریف بردید

۲۸. در هر یک از جمله های زیر نوع حذف را مشخص کنید. (قرینه ی لفظی یا معنوی)

الف - نه هر که به قامت مهتر، به قیمت بهتر. ۰/۲۵ (الف) حذف به قرینه ی معنوی

ب - تصمیم گرفته بودم که درس بخوانم، اما نتوانستم. ۰/۲۵ (ب) حذف به قرینه ی لفظی

شهریور ماه سال ۱۳۹۰

۲۹. فعل جمله ی زیر را به شکل مؤدبانه بنویسید. ۰/۲۵ عرض کردم یا به عرض شما رساندم

« استاد گرامی، من هفته ی گذشته علت غیبت های خود را به شما گفتم. »

۳۰. چرا در جمله ی زیر حذف نهاد جدا امکان پذیر نیست؟ ۰/۵ زیرا نهاد جدا با وابسته همراه است

« من پزشک باید از نتایج تحقیقات جدید پزشکی آگاه باشم. »

دی ماه سال ۱۳۹۰

۳۱. «استدعا کردن» شکل مؤدبانه ی کدام مصدر است؟ ۰/۲۵ خواستن

۳۲. در عبارت « نه هر که به قامت مهتر، به قیمت بهتر» حذف به چه قرینه ای صورت گرفته است؟ ۰/۲۵ قرینه ی معنوی

۳۳. آیا در جمله ی « من بیچاره باید به تنهایی این همه کار را انجام دهم.» حذف نهاد جدا امکان پذیر است؟ چرا؟ ۰/۵ خیر زیرا

نهاد جدا با وابسته همراه است

شهریور ماه سال ۱۳۸۹

۳۴. با توجه به جمله ی زیر، به سوالات داده شده پاسخ دهید.

« انسان خویشتن دار، درس بزرگی و معرفت به دیگران می دهد. »

الف) جمع بستن کدام نقش دستوری در فعل تاثیر می گذارد؟ ۰/۲۵ الف) نهاد

ب) گونه ی مؤدبانه ی فعل جمله را بنویسید. ۰/۲۵ پ) مرحمت می کند

۳۵. در جمله ی زیر، فعل حذف شده را بیابید؛ سپس بنویسید حذف به چه قرینه ای صورت گرفته است؟ ۰/۵

« از دوستم پرسیدم: از کتاب های تازه چه خبر؟ » داری قرینه ی معنوی ۰/۵

دی ماه سال ۱۳۸۹

۳۶. گونه ی مؤدبانه ی افعال جملات زیر را بنویسید. ۰/۵ « از تو می خواهم این کتاب را به من بدهی. »

می خواهم: استدعا می کنم یا خواهش می کنم یا تمنا می کنم ۰/۵ بدهی: مرحمت کنی (بکنی)

خرداد ماه سال ۱۳۸۸

۳۸. چرا حذف نهاد جدا در جمله ی زیر امکان پذیر نیست؟ ۰/۲۵ زیرا نهاد جدا همراه با وابسته آمده است

« من دانش آموز باید به فکر آینده ی کشور خود باشم. »

۳۹. با توجه به جمله ی « قطرات شبنم لبخند زنان بر روی برگ گل می نشستند. » به سوال زیر پاسخ دهید.

آیا می توان فعل جمله را به صورت مفرد به کار برد؟ چرا؟ ۰/۵ خیر زیرا دارای جان بخشی است.

شهریور ماه سال ۱۳۸۸

۴۰. گونه ی مؤدبانه ی « گفتن » درباره ی مخاطب چیست؟ ۰/۲۵ پاسخ: فرمودن

۴۱. در چه صورت حذف نهاد جدا از جمله ی « من این موضوع را گفته بودم. » امکان پذیر نمی شود؟ ۰/۲۵

در صورتی که همراه با تاکید باشد. ۰/۲۵

۴۲. در عبارت: « بعضی از اخترشناسان متخصصانی هستند که کار آن ها مشاهده ی اجرام آسمانی است. »

نهاد جمله را مشخص کنید. پاسخ: بعضی

خرداد ۱۳۸۷

۴۳. با توجه به متن زیر، به هر یک از سوالات پاسخ دهید.

- « شاخه های پریچ و خم بید مجنون می رقصد و از پنجره ی باز به اتاقم می آید. می خواستم پنجره را ببندم؛ اما نتوانستم. »
الف) آیا جمله « شاخه های پریچ و خم بید مجنون می رقصد» از نظر مطابقت نهاد و فعل صحیح است؟ چرا؟
پاسخ: الف) خیر، زیرا این جمله جان بخشی دارد و باید فعل آن جمع بیاید.
ب) در عبارت « می خواستم پنجره را ببندم؛ اما نتوانستم » مورد حذف شده را بیابید و بنویسید حذف به چه قرینه ای صورت گرفته است؟
بعد از فعل نتوانستم، پنجره را ببندم حذف شده است. حذف به قرینه ی لفظی است.

شهریور ۱۳۸۷

۴۴. در عبارت « ماه گذشته هیئت نجوم سیاره ی مشتری را در آسمان ایران مشاهده کردند و عکاسان گروه، تصاویر زیادی به دوستانشان دادند. »

- الف) آیا فعل جمله اول از نظر مطابقت با نهاد صحیح است؟ پاسخ: خیر
ج) گونه مؤدبانه ی فعل جمله دوم (دادند) را بنویسید. پاسخ: مرحمت کردند
۱۰- آیا می توان نهاد جدا را در عبارت زیر حذف کرد؟ چرا؟
« با احترام ما، دانش آموزان کلاس سوم دبیرستان، تقاضا می کنیم کتاب های تازه ای برای کتابخانه تهیه کنید. »
خیر، زیرا همراه با بدل آمده است.

دی ۱۳۸۷

۴۵. در عبارت:

« وقتی خبر پیروزی رزمندگان اسلام از رادیو اعلام شد، پدر سر به آسمان برداشت و گفت: شکر خدا! کدام فعل حذف شده است؟ قرینه ی آن را بنویسید. ۰/۵ می گویم یا هر فعل صحیح دیگر معنوی

شهریور سال ۱۳۸۶

۴۶. برای کدام یک از اسم جمع های زیر، می توان از هر دو فعل مفرد و جمع استفاده کرد؟ ۰/۲۵
*الف) ملت (ب) مردم (ج) مجلس (د) کاروان
۴۷. گونه ی مؤدبانه ی « رفتن » درباره ی خود چیست؟ ۰/۲۵ رفع زحمت کردن یا مرخص شدن

۴۸. در جمله ی « می خواستم مطالب تو را بخوانم، اما نتوانستم »:

- الف) کدام قسمت حذف شده است؟ ۰/۲۵ الف) مطالب تو را بخوانم
ب) حذف به چه قرینه ای صورت گرفته است؟ ۰/۲۵ ب) لفظی

دی ماه ۱۳۸۶

۴۹. برای کدام یک از اسم جمع های زیر فقط فعل مفرد به کار می رود؟ ۰/۲۵
*۱) شورا (۲) ملت (۳) مردم (۴) هر سه مورد
۵۰. با توجه به جمله ی « تا ساعتی دیگر از خانه ی مادر بزرگم می روم» به سوالات زیر پاسخ دهید:
گونه ی مؤدبانه ی فعل جمله را بنویسید. ۰/۲۵ رفع زحمت می کنم یا مرخص می شوم.

خرداد ماه ۱۳۸۵

۵۱. در عبارت زیر چه نوع حذفی دیده می شود؟ ۰/۵ مور، چه می داند که بر دیواره ی اهرام می گذرد / یا بر خشتی خام.
۵۲. حذف به قرینه ی لفظی (« او » در جمله ی دوم یا فعل « می گذرد » در پایان عبارت)

شهریور سال ۱۳۸۵

۵۳. فعل مناسب را از داخل کمانک انتخاب نمایید:
الف) « مردم با اتحاد و یک پارچگی به موفقیت (دست یافت - دست یافتند.) » ۰/۲۵
ب) « هیئت رسیدگی حل اختلاف نظر نهایی خود را (اعلام کرد - اعلام کردند.) » ۰/۲۵

۵۴. در جمله ی « درخت هر چه بارش بیش، سرش خم تر » کدام یک از اجزای جمله حذف شده است؟ به چه قرینه ای؟ /۵
فعل (است، باشد... نوشتن واژه ی فعل یا یکی از افعال فوق نمره دارد.) / به قرینه ی معنوی

خرداد ماه ۱۳۸۴

۵۵. در عبارت زیر، چه بخشی حذف شده است و به چه قرینه ای؟ /۵
« بعد از ظهری بود و هوا آفتابی و بچه ها سرشان گرم بود. » فعل « بود » بعد از « آفتابی » قرینه ی لفظی /۵

شهریور ۸۴

۵۶. در عبارت زیر، کدام یک از اجزای جمله حذف شده است؟ و به چه قرینه ای؟ /۵
« من گفتم: این چه بهتر که تو هم با ما همراه می شوی. » فعل اسنادی (شد، باشد، است) معنوی

دی ماه سال ۱۳۸۴

۵۷. در جمله ی مرکب « هر چه ارزان تر، بهتر. » چه بخش هایی حذف شده اند؟ /۵ فعل اسنادی (باشد و است)

خرداد ماه سال ۱۳۸۳

۵۸. با توجه به عبارت: « شش روز از ماندن ما در بیشه می گذشت، هنگام ظهر، آرام و بی صدا به درختی تکیه داده، در اندیشه ای فرو رفته بودیم. » در دو جمله ی پایانی عبارت، حذف فعل به چه قرینه ای است؟ حذف به قرینه لفظی /۲۵.

شهریور ماه ۱۳۸۳

۵۹. با توجه به عبارت: « نشاطی دوباره در میان مسافران افتاد. همه نیروی تازه یافته بودند. از هر دری سخن می گفتند، سخن هایی از خاطرات شیرین و رنگین. »

در دو جمله ی پایانی عبارت، کدام فعل حذف شده است؟ به چه قرینه ای؟ /۵ « است » (۰/۲۵) - قرینه لفظی (۰/۲۵)

دی ماه سال ۱۳۸۳

۶۰. برای « خواستن » در مورد اول شخص مفرد دو گونه ی مؤدبانه بنویسید. /۵
استدعا کردن / خواهش کردن / تمنا کردن / دو مورد کافی است.

۶۱. در جمله ی « در کتاب خانه او را دیدم. » چه جزئی حذف شده است؟ به چه قرینه ای؟ /۵
در عبارت بالا « من » که نهاد باشد حذف شده است - به قرینه ی لفظی

خرداد ماه سال ۱۳۸۲

۶۲. کدام جمله از نظر مطابقت نهاد با فعل نادرست است؟ علت آن را بنویسید. /۵
الف) کاروان با تلاش فراوان به مقصد رسیدند. ب) کاروان تیم ملی به وطن بازگشت.
قسمت الف - زیرا برای نهاد کاروان فعل به صورت مفرد می آید.

شهریور ماه ۱۳۸۲

۶۳. اگر کلمات داخل کمانک از جمله های زیر حذف شوند، چه نوع حذفی صورت گرفته است؟ /۵
(هوا) سرد است. معنوی ب- چه بهتر (شد) که شما را آن جا ندیدم. معنوی

دی ماه ۱۳۸۲

۶۴. در جمله ی « رفته بودم که او را ببینم اما نتوانستم » کدام بخش حذف شده است؟ این حذف به چه قرینه ای است؟ /۵
او را ببینم - حذف به قرینه لفظی

شهریور ماه سال ۸۱

۶۵. چرا جمله ی « کاروان به حرکت در آمدند » نادرست است؟ /۵ چون کاروان اسم جمعی است که فعل آن باید مفرد باشد

۶۶. در عبارت زیر قسمت حذف شده را مشخص کنید این حذف به چه قرینه ای است؟ /۵
« چه بهتر که شما این کار مهم را به عهده می گیرید. » چه بهتر (است) که ...
قرینه ی معنوی

درس ششم (نگارش تشریحی) زبان فارسی ۳ ریاضی و تجربی

۱. مقاله ها از نظر شیوه ی نوشتن به سه گروه تقسیم می شوند؟ فقط نام ببرید.

جواب: گونه ی تشریحی - گونه ی تحلیلی - گونه ی تحقیقی

۲. نوشته‌های تشریحی به چه نوع نوشته‌هایی می‌گویند؟ ۵/۰ نوشته‌های که حاصل دیده‌ها و شنیده‌ها هستند
۳. نوشته‌های تحلیلی به چه نوع نوشته‌هایی می‌گویند؟ ۵/۰ جواب: نوشته‌هایی که حاصل تأملات درونی هستند.
۴. نوشته‌های تشریحی و نوشته‌های تحلیلی حاصل چیست؟

الف- پژوهش نویسنده یا دیگران- دیده‌ها و شنیده‌ها ب- دیده‌ها و شنیده‌ها- تأملات درونی نویسنده
* پ- تأملات درونی نویسنده- دیده‌ها و شنیده‌ها ت- دیده‌ها و شنیده‌ها - پژوهش نویسنده یا دیگران

۵) نوشته‌های پژوهشی یا تحقیقی به چه نوع نوشته‌هایی می‌گویند؟ ۵/۰
نوشته‌هایی که براساس پژوهش‌های نویسنده یا دیگران آفریده شده‌اند.

۶. هر یک از نوشته‌های مقاله‌های زیر از نظر نگارش جزء کدام نوع مقاله یا نوشته هستند؟

- ۱) درس « تربیت انسانی و سنت ملی ما » در کتاب ادبیات پایه ی دوم دبیرستان نوشته ی تحلیلی
- ۲) مقاله ی « کتاب و کتاب خوانی » در کتاب زبان فارسی پایه ی دوم دبیرستان نوشته ی پژوهشی یا تحقیقی
- ۳) « چنین رفت و... » در کتاب زبان فارسی پایه ی دوم دبیرستان نوشته ی پژوهشی / پژوهشی - تحلیلی
- ۴) « سفرنامه ی ابن بطوطه » در کتاب ادبیات پایه ی دوم دبیرستان نوشته ی تشریحی
- ۵) « کلاس نقاشی » در کتاب ادبیات پایه ی اول دبیرستان نوشته ی تشریحی

۷. نوشته‌های تشریحی و تحلیلی چه تفاوتی دارند؟

نوشته‌های تشریحی نتیجه دیده‌ها یا شنیده‌ها هستند ولی نوشته‌های تحلیلی حاصل تأملات درونی‌اند.

۸. هدف نویسنده در اغلب نوشته‌ها با هر بیان و قالبی چیست؟

تشریح بی‌کم و کاست اشخاص، وقایع و چیزهاست، آن‌گونه که هستند.

۹. تشریح چیست؟ یعنی شرح و بسط دادن به منظور مطالعه و دقت در یک موضوع یا مطلب به گونه‌ای علمی، دقیق و از سرباریک بینی

۱۰. عام‌ترین و رایج‌ترین راه تشریح چیست؟

جواب: طرح پرسش‌هایی در مورد ابعاد مختلف یک چیز، شخص یا پدیده.

۱۱. چگونه می‌توانیم ابعاد گوناگون یک ساختمان را به خوبی تشریح کنیم؟

باطرح پرسش‌هایی مانند: چیست؟ کجاست؟ چه کسی آن را ساخت؟ چگونه است؟ از کیست؟ برای چیست؟ و...

۱۲. اگر بخواهیم رویدادی را تشریح و توصیف کنیم باید چه کنیم؟

باید به سؤالاتی مانند: چه کسی؟ کی؟ کجا؟ با که؟ با چه؟ چگونه؟ چرا؟ و... پاسخ دهیم.

۱۳. اگر بخواهیم شرح یک مسافرت یا گزارش یک بازدید یا گردش علمی را بنویسیم، از چه پرسش‌هایی استفاده می‌کنیم؟

کی؟ برای چه؟ با چه؟ با که؟ چه مدت؟ چه دیدیم؟ چه کردیم؟ چگونه بود؟ چه احساسی به ما دست داد؟ چه نتیجه‌ای گرفتیم؟ و...

۱۴. اگر بخواهیم چیزی یا کسی یا واقعه‌ای را که امروز وجود ندارد تشریح کنیم از چه چیزهایی بهره می‌گیریم؟

باید از مدارک و مآخذ و کتاب‌ها کمک بگیریم و یا با افراد مطلع مصاحبه کنیم.

۱۵. با توجه به متن زیر به هر یک از سؤالات پاسخ دهید.

« کلاس دوم بغل دفتر بود. بعد سالن بود؛ خالی و بزرگ که دو ستون سفید چهارگوش پرش کرده بود و آن ته سه چهار میز و نیمکت شکسته، دیوار روبه‌رو پوشیده از عکس پهلوانان و یک نقشه‌ی آسیا و... »

الف- این نوشته به چه شیوه‌ای نگارش شده است؟ تشریحی

ب- این نوشته حاصل کدام یک از موارد زیر است؟

۱) دیده‌ها و شنیده‌ها ۲) تأملات درونی نویسنده ۳) پژوهش نویسنده یا دیگران

۱۶. نگارش هر یک از نوشته‌های زیر چگونه است؟

الف- شکل ظاهری کتاب در طول تاریخ تغییری اساسی کرده است هزاران سال پیش نوشته‌ها را بر تخته سنگ‌ها و چوب.....نقش می‌کرد.

تحلیلی

ب - خورشید به تدریج پایین می رود و سایه های ستون ها و هیكل های پاسبانان روی خاک این زمین و ایوان سلطنتی درازتر می شود .

تشریحی

۱۷. به شیوه ی نگارش نوشته ی زیر اصطلاحاً چه می گویند ؟

«اتاق نسبتاً بزرگ بود با دو پنجره به سمت آفتاب و پرده هایی رنگ و رو رفته در گوشه ای از اتاق یک میز گرد کوچک با دو صندلی قرار

داشت » **جواب: تشریحی**

۱۸. نوع نگارش نوشته ی زیر..... است ، چون نویسنده آن چه را دیده ، نوشته است . جواب: تشریحی

.....تعدادی ستون و دیرک بلند و بدون نظم و ترتیب در آن جا دیده می شود ستون ها بسیار عظیم و غول آساست .

۱۹. چرا عبارت زیر تشریحی است ؟ جواب: چون حاصل دیده ها و شنیده ها هستند

«اطراف مدرسه بیابان بود. بی آب و آبادانی و آن ته رو به شمال، ردیف کاج های در هم فرو رفته ای که از سر دیوار گلی یک باغ پیدا بود.»

جواب: برای اینکه این نوشته نتیجه و حاصل مشاهده ی نویسنده است.

۲۰. در متن زیر از کدام شیوه ی نگارش استفاده شده است؟

«مدرسه دو طبقه بود و نوساز بود و در دامنه ی کوه تنها افتاده بود و آفتاب رو بود. یک فرهنگ دوست، عمارتش را وسط زمین های خودش

ساخته بود، تابلوی مدرسه هم حسابی بزرگ و خوانا، از صد متری داد می زد که: توانا بود هر که» **جواب: تشریحی**

۲۱. در هر یک از عبارت های زیر، از کدام شیوه ی نگارش استفاده شده است؟

الف- خود گنبد چنگی به دل نمی زد، لخت و آجری با گله به گله سوراخ هایی برای کفترها، از ته بر سقف مسجد نشسته بود. نخراشیده و

زمخت. **جواب: الف) تشریحی**

ب- توانایی و ناموری رستم در آن است که نماینده ی مردم است، پرورده ی تخیل هزاران هزار آدمی زاد است که در طی زمان های دراز او را

به عنوان تجسمی از رویاها و آرزوهایشان آفریده اند. **جواب: ب) تحلیلی**

۲۲. مقاله ها از نظر شیوه ی نوشتن چگونه هستند؟

الف- تحلیلی - تشریحی - تحقیقی

ب- ساده - فنی - مصنوع

ب- اجتماعی - سیاسی - فرهنگی

ت- انتقادی - فکاهی - ادبی

۲۳. در کدام گزینه پسوند «ان» نشانه ی جمع است؟

الف- گیاهان ب- شادان پ- کندوان ت- سپاهان

۲۴. کدام مفهوم نادرست است؟

الف- مردان = جمع مرد

ب- بامدادان = زمان و هنگام صبحت ، بهاران = هنگام بهار

ت- کوهان = جمع کوه

۲۵- درس " تربیت انسانی و سنت ملی ما " چه نوع مقاله ای است ؟ چرا ؟ تحلیلی ، زیرا نویسنده با برهان عقلی و ذکر نمونه های شعری

موضوع تربیت را اثبات کرده است .

پاسخ خود آزمایی درس (نگارش تشریحی)

۲- به عهده ی دانش آموز است .

۳) جمله هایی که نهاد آن ها با فعل مطابقت ندارد یا در آن حذف بی قرینه صورت گرفته است ، ویرایش کنید.

* اگر گوینده و نویسنده به صحت مطلبی اطمینان نداشته (باشند) نباید آن را بیان (کنند) .

در کتاب فعل با نهاد مطابقت ندارد . زیرا نهاد واژه های **گوینده و نویسنده** هستند که به هم معطوف شدند.

* جمله نیاز به ویرایش ندارد . ← فعل با نهاد مطابقت دارد . (هر دو مفرد است)

* در صورتی که گفتارمان با رفتارمان مطابقت نداشته (باشد) ، اعتماد مردم را از دست می دهیم .

در جمله اول فعل با نهاد مطابقت ندارد . زیرا نهاد واژه ی **گفتار** است و مفرد .

* این مسئله در شورای دبیرستان مطرح (شد) و مورد بررسی قرار گرفت

(شد ، بدون قرینه حذف شده است)

* جمله نیاز به ویرایش ندارد . -

۴- بامدادان : زمان شادان : قید ساز کندوان : مکان سپاهان : مکان
پاییزان : زمان گیاهان ، سواران و مردان : «ان» علامت جمع است .

*** واژه هایی که با ان همراه اند گاه بر مفهوم جمع دلالت نمی کنند.**

انواع «ان» :

۱. نشانه ی جمع.....<درختان ، گیاهان ، مرغان ، بازرسان و...
۲. نشانه ی زمان<پاییزان ، سحرگاهان ، بهاران ، صبحگاهان ، بامدادان و...
۳. نشانه ی مکان<گیلان (محا استقرار مردم گیل) ، سپاهان و...
۴. نشانه ی شباهت<کوهان (مانند کوه)
۵. نشانه ی فاعلی<دوان ، روان (جاری) ، نالان ، خندان و... (ساختار= بن مضارع + ان)
۶. نشانه ی قید ساز.....<شادان

*** نشانه ی جمع ها از ان بسیار فعال تر است .**

* کلماتی هم که با ها و ان هردو جمع بسته می شوند در زبان فارسی امروز کاربرد یک سان ندارند ومعمولا شکل اول آن ها رایج تر است ، برای مثال ، بیشتر می گوییم ، «درخت ها را آب دادم » ، و کم تر می گوییم ، «درختان را آب دادم » شکل دوم در شعر ونثر ادبی کاربرد دارد.

سرسبز باشید



درس هفتم

گروه فعلی

۱-مهم ترین عضو گزاره چیست ؟ و دست کم از چند جزء درست می شود؟

گروه فعلی مهم ترین عضو گزاره است. و دست کم از یک بن فعل و شناسه درست می شود.

۲-کدام یک از واژه های رو به رو فعل است؟ چرا؟(خواندن- نوشته- گویا - کردار - دويد)

دويد . راه شناسایی فعل داشتن شناسه و ویژگی های دیگر آن است.

۳- پنج ویژگی فعل عبارتند از: (۱) شخص (۲) زمان (۳) گذر (۴) وجه (۵) معلوم و مجهول

۱- شخص: هر فعل شش شخص دارد. شناسه ها شخص و شمار فعل را تعیین می کنند

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	دانستم	دانستیم
دوم شخص	دانستی	دانستید
سوم شخص	دانست	دانستند

نکته: هر فعل دو جزء اجباری دارد: بن و شناسه

بن: پایه و اساس فعل و جزء ثابت و تغییرناپذیر در صیغه های فعل است. مانند « دانست » در بالا

شناسه: جز تغییر پذیر و نشان دهنده ی شخص و شمار فعل ← نهاد پیوسته

۴- ویژگی های پنج گانه ی فعل های زیر را بنویسید.

الف- نمی خواندند: ← ماضی استمراری - سوم شخص جمع - گذرا - وجه اخباری - معلوم

ب- می نشانیدیم: ← ماضی استمراری - اول شخص جمع - ناگذر - وجه اخباری - معلوم

پ- دوخته نمی شد: ← ماضی استمراری - سوم شخص مفرد - ناگذر - وجه اخباری - مجهول

ت- بیایند: ← مضارع التزامی - سوم شخص جمع - ناگذر - وجه التزامی - معلوم

ث- داشتند می آمدند: ← ماضی مستمر - سوم شخص جمع - ناگذر - معلوم

۲- زمان فعل ها

جدول زمان (ماضی ، مضارع ، آینده) فعل ها

نوع ماضی	ماضی
ماضی ساده	بن ماضی + شناسه های ماضی
ماضی استمراری	می + ماضی ساده
	دیدم ، دیدی ، دید دیدیم ، دیدید ، دیدند
	می دیدم ، می دیدی ، می دید

می دیدیم ، می دیدید ، می دیدند		
دیده بودم ، دیده بودی ، دیده بودند دیده بودیم ، دیده بودید ، دیده بودند	صفت مفعولی + بودم ، بودی ، بود ، بودیم ، بودید ، بودند فعل کمکی زمان ساز	ماضی بعید
دیده باشم ، دیده باشی ، دیده باشند ، دیده باشیم ، دیده باشید ، دیده باشند	صفت مفعولی + باشم ، باشی ، باشید ؛ باشند فعل کمکی زمان ساز	ماضی التزامی
دیده ام ، دیده ای ، دیده است ، دیده ایم ، دیده اید ، دیده اند	صفت مفعولی + ام ، ای ، است ایم ، اید ، اند فعل کمکی زمان ساز	ماضی نقلی
داشتم می دیدم ، داشتی می دیدی ، داشت می دید ، داشتیم می دیدم ، داشتید می دیدید ، داشتند می دیدند	داشتم ، داشتی ، داشت ، داشتیم ، داشتید ، داشتند + ماضی استمراری فعل کمکی زمان ساز	ماضی مستمر
مضارع		نوع مضارع
می بینم ، می بینی ، می بیند ، می بینید ، می بینند	می + بن مضارع + شناسه های مضارع	مضارع اخباری
بینم ، بینی ، بیند ، بینید ، بینند	ب + بن مضارع + شناسه	مضارع التزامی
دارم می بینم ، داری می بینی ، دارد می بیند ، داریم می بینیم ، دارید می بینید ، دارند می بینند	دارم ، داری ، دارد ، داریم ، دارید ، دارند + مضارع اخباری فعل کمکی زمان ساز	مضارع مستمر
آینده		
خواهم رفت ، خواهی رفت ، خواهیم رفت ، خواهیم رفت ، خواهید رفت ، خواهند رفت	خواهم ، خواهی ، خواهیم ، خواهید ، خواهند + مصدر مرخم (بن ماضی) فعل کمکی زمان ساز	

نکته ۱: در فعل های ماضی شناسه سوم شخص مفرد - غیر ماضی التزامی - ، Ø است در حالی که شناسه ی سوم شخص مفرد فعل های مضارع و آینده ، ، د است.

نکته ۲: فعل اصلی در ماضی نقلی ، ماضی بعید ، ماضی التزامی ، به صورت صفت مفعولی

نکته ۳: فعل اصلی در ماضی مستمر به صورت ماضی استمراری؛ در مضارع مستمر، به صورت مضارع اخباری؛

نکته ۴: فعل اصلی در آینده به صورت بن ماضی می آید.

۱۶- فعل کمکی یا معین در هر کدام از این زمان ها چیست؟

نوع فعل ←	ماضی مستمر	ماضی نقلی	ماضی بعید	ماضی التزامی	آینده	مضارع مستمر	فعل مجهول
فعل معین مورد نیاز	داشت	است	بود	باش	خواه	دار	شد

۳- گذرا کردن فعل ها

* طرز گذرا کردن فعل ها چیست؟

مصدر گذراننده	بن مضارع ناگذر	بن مضارع گذرا شده با «ان»	بن ماضی گذرا شده
پريدن	پر	پر + ان	پر + ان + د / ید
دويدن	دو	دو + ان	دو + ان + د / ید

پوسیدن	پوس	پوس+ان	پوس+ان+د/ید
خندیدن	خند	خند+ان	خند+ان+د/ید

شیوه ی گذرا ساختن افعال ناگذر:

۱- بن مضارع فعل رابه دست آورید. -> دویده است -> دو

۲- تک واژ گذرا ساز یا سببی (ان) را به آخر بن مضارع بیفزایید -> نتیجه بن مضارع گذرا شده می شود. -> دو+ان -> دوان

۳- تکواژهای ماضی ساز/د، ید/به آن افزوده شود -> نتیجه ی آن بن ماضی گذرا شده می شود. دوان +د / ید -> دواند/ دوانید

نکته ۱: طریقه گذرا کردن فعل های ماضی و آینده: بن مضارع+ان +د/ان +ید

پیرید: پر+اند/انید -> پراند/پرانید جهید: جه+اند/انید -> جهانید/جهاند/جهانید خوابید: خواب+اند/انید خشکید: خشک+اند/انید

نکته ۲: طریقه گذرا کردن فعل های «مضارع» و «امر» -> بن مضارع +ان

می پرم -> پر+ان -> پران -> می پرانم پیر -> پر+ان -> پران -> پیران -> پیران

نکته ۳: دومصدر «نشستن» و «شکستن» خلاف قاعده، گذرا می گردند، بدین ترتیب برای گذرا کردن آن ها فقط دو حرف اول بن مضارع آن ها را در نظر می گیریم:

نشستن: نشین نش+ان= نشان/نشاندن شکستن: شکن شک+ان=شکان/شکاندن

نکته ۴: برخی از فعل های ناگذر، با معادل معنایی خود گذرا می شوند و به گونه ای که در بالا ذکر شده، گذرا نمی شوند:

افتادن -> انداختن آمدن -> آوردن رفتن -> بردن ماندن -> گذاشتن

نکته ۵: برخی از مصدرها از قبیل: «شتافتن»، «جنگیدن»، «زیستن»، «آسودن» تکواژ گذرا ساز رانمی پذیرند و گذرا نمی شوند.

نکته ۶: در تکواژ نویسی حتما به این قاعده توجه داشته باشید و تکواژها را جدا کنید.

نکته ۷: بعضی از فعل های گذرا به مفعول و بعضی از فعل های گذرا به متمم نیز گذرا می شوند. در این صورت تبدیل به جمله های چهار جزئی می شوند. مثال:

دوستم از دست دزد رهید -> پلیس دوستم را از دست دزد رهاند / کودک دارو را خورد -> مادر دارو را به کودک خوراند

نکته ۸: جمع بندی گذرا کردن فعل:

۱- فعل های ناگذر با تکواژ سببی یا گذراساز «ان» گذرا به مفعول می شوند.

۲- بعضی از فعل ها نشانه گذرا ساز را نمی پذیرند. مانند آسودن، شتافتن، جنگیدن، زیستن، شتافتن

۳- بعضی از فعل ها با معادل معنایی خود گذرا می شوند. مانند آمدن، افتادن، رفتن، ماندن

۴- بعضی از فعل ها خلاف قاعده گذرا می شوند. مانند شکستن، نشستن

۵- بعضی از فعل های گذرا به متمم و گذرا به مفعول با تک واژ گذراساز «ان» دوباره گذرا می شوند.

نکته ۹: گذرا یا ناگذر فقط در جمله

نوع گذرا یا ناگذر بودن فعل را در جمله باید تشخیص داد چون در جملات مختلف ممکن است که نوع آن ها تغییر کند. نمونه:

۱- ادبیات غنایی با زبانی نرم و لطیف، با استفاده از معنای عمیق و باریک، به بیان احساسات شخصی انسان می پردازد.

ادبیات غنایی -> نهاد با زبانی نرم و لطیف -> متمم قیدی با استفاده از معنای عمیق و باریک -> متمم قیدی

به بیان احساسات انسان -> متمم می پردازد -> فعل -> جمله ی سه جزئی با متمم

۲- دیروز فرهاد قرض هایش به بانک پرداخت.

فرهاد -> نهاد قرض هایش -> مفعول به بانک -> متمم فعل پرداخت -> فعل جمله ی چهار جزئی با مفعول و متمم

۱۸- انواع فعل از نظر گذر چیست؟ گذرا -> ناگذر -> دو وجهی

۱۹- از مصدر «پیریدن» یک جمله بسازید سپس آن را گذرا کنید و با آن جمله ی دیگری بسازید. دو جمله را با هم مقایسه کنید.

چه تفاوتی با هم دارند؟ پرنده پیرید -> علی پرنده را پراند -> جمله ی اول دو جزئی است و جمله ی دوم سه جزئی با مفعول.

۲۰- از مصدر «خوردن» یک جمله بسازید سپس آن را گذرا کنید و با آن جمله ی دیگری بسازید. دو جمله را با هم مقایسه کنید.

چه تفاوتی با هم دارند؟ کودک دارو را خورد -> سه جزئی با مفعول / مادر دارو را به کودک خوراند -> چهار جزئی با مفعول و متمم.

۲۱- از مصدر «رنجیدن» یک جمله بسازید سپس آن را گذرا کنید و با آن جمله ی دیگری بسازید. دو جمله را با هم مقایسه کنید. چه تفاوتی با هم دارند؟

زهر را از دوستش رنجید ← سه جزئی با منتم
 مریم زهر را از دست خود رنجاند ← چهار جزئی با مفعول و منتم.
 ۲۲- مصدر های «افتادن»، «آمدن»، «رفتن»، و «ماندن» را گذرا کنید.

افتادن ← انداختن آمدن ← آوردن رفتن ← بردن ماندن ← گذاشتن
 ۲۳- دوفعل «نشسته است» و «می شکند» را گذرا کنید .

نشین ← نش + ان ← نشان + د / ید ← نشانند / نشانید ← خلاف قاعده → شکن ← شک + ان ← شکان + د ← شکانند
 ۲۴- آیا مصدر های «شتافتن»، «آسودن»، و «زیستن» گذرا می شوند.

برخی از مصدر ها از قبیل «شتافتن»، «آسودن»، و «زیستن» تگواژ گذرا ساز را نمی پذیرند.

۴- وجه فعل: وقوع فعل از نظر گوینده یا مسلم است یا نامسلم یا جنبه ی فرمان و خواهش دارد.

بنابراین فعل سه کارکرد دارد که آن را وجه فعل می گوییم و آن ها را به ترتیب اخباری، التزامی و امری می نامیم.

۱) وجه اخباری: اگر گوینده وقوع فعل را به صورت مسلم و قطعی مطرح سازد، فعل از وجه اخباری است.

۲) وجه التزامی: اگر گوینده، فعل را به صورت نامسلم یا با احتمال، الزام و آرزو مطرح کند، فعل از وجه التزامی است. دو زمان

۳) وجه امری: اگر گوینده وقوع فعل را به صورت امر، خواهش و فرمان مطرح کند، فعل از وجه امری است. فعل امر بر خلاف وجه

اخباری و التزامی، پرسشی نمی شود و دو ساخت دارد ← ۱- دوم شخص مفرد؛ ← برو، بدو ۲- دوم شخص جمع ← بروید، بدوید
 وجه:

الف) وجه التزامی ← فعل های ماضی و مضارع التزامی

ب) وجه امری ← فعل امری

پ) وجه اخباری ← تمام افعال جز فعل های امر و التزامی

۵- معلوم و مجهول فعل ها

جدول صرف افعال مجهول در زمان های مختلف

فعل ←	ماضی ساده	ماضی استمراری	ماضی بعید	ماضی نقلی	ماضی التزامی	ماضی مستمر	مضارع اخباری	مضارع التزامی آینده
معلوم	خواند	می خواند	خوانده بود	خوانده است	خوانده باشد	داشت می خواند	می خواند	خواهد خواند
مجهول	خوانده شد	خوانده می شد	خوانده شده بود	خوانده شده است	خوانده شده باشد	داشت خوانده می شد	خوانده می شود	خوانده خواهد شد

نکته ۱: روش ساخت فعل معلوم به فعل مجهول:

۱- فعل اصلی گروه فعلی به صفت مفعولی تبدیل شود ← داشت می زد ← زده

۲- زمان گروه فعلی مشخص شود ← ماضی مستمر

۳- فعل کمکی مجهول ساز، دقیقاً در همان زمان فعل معلوم صرف شود ← داشت می شد

۴- صفت مفعولی با بازمان صرف شده ی فعل کمکی مجهول ساز باهم نشینی مناسب ترکیب شود ← داشت زده می شد.

نکته ۲: روش ساخت جمله ی معلوم به جمله ی مجهول:

مراحل مجهول کردن جمله ی معلوم	نهاد	مفعول	فعل
جمله ی معلوم	معلم	دانش آموزان را	می برد.
۱- حذف نهاد	-	دانش آموزان را	می برد.
۲- نهاد قرار دادن مفعول و حذف را (اگر دارد)	دانش آموزان	-	می برد.
۳- تبدیل فعل اصلی جمله به صفت مفعولی	دانش آموزان	-	برده

۴- صرف فعل کمکی مجهول ساز شدن در زمان فعل اصلی	دانش آموزان	-	به کتاب خانه	برده می شود
۵- شناسه را با نهاد جدید مطابقت می دهیم	دانش آموزان	-	به کتاب خانه	برده می شوند

توجه: اگر زمان ماضی و آینده باشد از فعل کمکی «شد» استفاده می کنیم و اگر زمان مضارع باشد از فعل کمکی «می شود» استفاده می کنیم.

۱- معلم دانش آموزان را به کتاب خانه می ببرد. ← دانش آموزان به کتاب خانه برده می شوند.

۲- معلم دانش آموزان را به کتاب خانه می برد. ← دانش آموزان به کتاب خانه برده می شدند.

نکته ۳: شیوه ی تشخیص زمان فعل های مجهول:

برای تشخیص زمان فعل های مجهول به فعل اصلی (صفت مفعولی در فعل های مجهول) توجهی نمی کنیم بلکه به صورت صرف شده ی (شخص و زمان) فعل کمکی مجهول ساز نگاه می کنیم و زمان فعل را تشخیص می دهیم. مثال:

زده می شود ← مضارع اخباری سوم شخص مفرد است؛ زیرا فعل کمکی در این زمان صرف شده است. ← می زند ← شکل معلوم

نکته ۴: روش معلوم کردن جمله های مجهول:

۱- صورت صرف شده ی فعل مجهول را نگاه می کنیم؛ ۲- صفت مفعولی فعل اصلی را در همان صورت صرف شده ی فعل کمکی مجهول ساز صرف می کنیم؛ ۳- فعل کمکی را حذف می کنیم؛ مثال

زده خواهد شد ← آینده ی سوم شخص مفرد است؛ زیرا فعل کمکی در این زمان صرف شده است. ← خواهد زد ← شکل معلوم

۲۶- چه نوع فعل هایی گذرامی شوند؟ فعل های گذرا به مفعول یا فعل هایی که در آن ها مفعول است.

۲۷- دو جمله زیر را با هم مقایسه کنید. چه تفاوتی باهم دارند؟

الف- شاگردان معلم را در خیابان دیدند. ب- معلم در خیابان دیده شد.

فعل جمله ی اول به نهاد و فعل جمله ی دوم به نهادی که قبلاً مفعول بوده است نسبت داده شده است فعل جمله ی الف معلوم و فعل جمله ی ب مجهول است.

۲۸- کدام جمله ها را می توان مجهول کرد؟ چرا؟ جمله ی الف و ب- چون جمله ها مفعول دارند.

الف - انقلاب اسلامی ایران، فصلی تازه در شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ی ما گشود.

ب- هر انسان آزاده ی ایرانی از دیرباز آزادی را از جان و دل می ستاید.

پ- مردم ایران با متجاوزان می جنگند.

ت- ما رفتیم.

۲۹- جمله زیر را مجهول کنید.

کارگران شهرداری خیابان را برای لوله کشی گاز می کنند. ← خیابان برای لوله کشی گاز کنده می شود.

۳۰- جمله ی « زهرا، مادر را در خیابان دید.» را مجهول کنید. ← مادر در خیابان دیده شد.

۳۱- جمله ی « پرنده روی شاخه نشسته است.» را مجهول کنید.

این جمله با این شکل مجهول نمی شود چون مفعول ندارد

علی پرنده را روی شاخه نشاند. ← پرنده روی شاخه نشاند شده است.

۳۲- فعل های « خواهد آورد» و « کاشته بودند» را با حفظ شخص و زمان مجهول کنید.

خواهد آورد ← آورده خواهد شد کاشته بودند ← کاشته شده بودند

۳۳- چه فرقی بین مجهول کردن و گذرا کردن افعال وجود دارد؟

۳۴- فعل های ناگذر چگونه مجهول می شوند. ← ابتدا آن را گذرا می کنیم و سپس جمله ی گذرا شده به مفعول را مجهول می کنیم.

۳۵- فعل های دو وجهی چیست؟ مثال بزنید.

گاهی از مصدرهای شکستن، ریختن، پختن، بریدن، گذاشتن، گسستن و... فعل هایی ساخته می شود که هم گذرا به مفعول هم

ناگذر هستند بدون آن که تغییری در ساخت و معنای آن ها ایجاد شود. مانند:

آب ریخت. / گریه آب را ریخت. غذا پخت. / مادر غذا را پخت. به این افعال دو وجهی می گویند.

***تغییر معنا در فعل: معنایی دیگر = واژه ای دیگر**

وقتی معنی واژه ای عوض شود؛ دیگر همان واژه ی قبلی نیست بلکه فقط اشتراک در لفظ دارند. این قاعده در باره ی فعل هم صادق است و وقتی معنای فعلی عوض شود؛ تبدیل به فعل دیگری می شود و ویژگی های جدیدی به آن اضافه می شود.

۳۶- با فعل های «گرفت»، «پخت» و «دوخت»، «ساخت» جمله های متفاوت، با معنای متفاوت بنویسید.

مادر دست کودک را گرفت (چسبید) خورشید گرفت (کسوف کرد) ماه گرفت (خسوف کرد)

خورشید که غروب کرد دلم گرفت (غمگین شد) گرفتم که شما راست می گوید (فرض کردن)

رستم پس از ماجرای سیاوش، انتقام سختی از تورانیان گرفت. (کشید) لوله گرفت (بسته شد)

هنگام دویدن، ناگهان عضلات پایم گرفت. (منقبض شد)

پخت: او را پختند. (آماده کردند) از گرما پختم. (خیلی گرم شد) میوه پخت. (رسید)

او خیال تازه ای پخت. (او فکر تازه ای در سر پروراند) او در این کار کاملاً پخته شده است. (تجربه کسب کرده است)

مادر غذا را پخت. (طبخ کرد) اوچنان هوسی در دل پخت. (میل به هوس را به دل راه داد).

دوخت: چشم به درد دوخت. (خیره شد) دهانش را دوختند. (بستند) لباس را دوخت (به هم وصل کرد)

او را با تیر به درخت دوخت. (چسبانید) خودش برید و خودش دوخت. (مطابق میل خود کاری را انجام داد)

شهریار با بهره گیری از زبانی صمیمی و عاطفی ایمان عمیق و ارادت خود را نسبت به اهل بیت آشکار می سازد.

به معنی «گردانیدن» چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند

ما با دشمنان سرزمین خود نمی سازیم. ← به معنی سازش کردن و کنار آمدن: گذرا به متمم

پرنده گان لانه می سازند. ← به معنی بنا کردن و درست کردن: گذرا به مفعول

مثال های دیگر: معنای دیگر = واژه ای دیگر

خندیدن:

تمسخر کردن ← گذرا به متمم ← مانند: همه به او خندیدند.

عمل خندیدن ← فعل ناگذر ← مانند: همه خوشحال بودند و می خندیدند.

کردن:

۱- به معنی «گردانیدن» ← گذرا به مفعول و مسند ← باران هوا را سرد کرد = گردانید

۲- به معنی «انجام دادن» ← گذرا به مفعول ← محمد در این باره مطالعه کرد = انجام داد

۳- همراه با جزء غیر صرفی، فعل مرکب با گذرهای متفاوت ← محمد کتاب را مطالعه کرد.

پرداختن:

پرداخت کردن و دادن: گذرا به مفعول و متمم نمونه: تمام اموالش را به فرزندش پرداخت.

مشغول شدن: گذرا به متمم به معلمی پرداختم.

۲۵- درخت در فصل بهار می بالد. ← درخت ← نهاد در فصل بهار ← متمم قیدی می بالد ← فعل ← جمله ی دو جزئی

۲۶- فرهاد به پدرش می بالد. ← فرهاد ← نهاد به پدرش ← متمم فعل می بالد ← فعل ← جمله ی سه جزئی با مفعول

بالیدن: رشد و نمو کردن: نا گذر نمونه: گیاهان در دشت و دمن بالیدند و سبز شدند.

افتخار کردن: گذرا به متمم نمونه: به خانواده ام می بالم

* ساختمان فعل

فعل از جهت اجزای تشکیل دهنده سه نوع است: ۱- ساده، ۲- مرکب، ۳- پیشوندی

۱- ساده: فعل ساده فعلی است که بن مضارع فعل اصلی آن تنها یک تکواژ باشد. مثال

آمد، فهمیده بود، خواهند دانست، خواند که بن مضارع آن ها (آ، فهم، دان، خوان) است.

۲- فعل پیشوندی: اگر به اول فعل ساده یکی از پیشوندهای «بر، در، ور، فرا، فرو، فرود، باز، وا، پس» افزوده شود، چه معنی فعل ساده تغییر کند چه نکند، به فعل پیشوندی تبدیل می‌شود. با شناخت پیشوندهای یاد شده به آسانی می‌توانیم افعال پیشوندی را تشخیص دهیم. مثال: فراگرفت، بازگشت، فروریخت، برداشت، درماند، واداد، واماند، فراخواند، فرونشست.

نکته ۱: گاهی پیشوندهی معنای تازه‌ای به فعل ساده نمی‌افزاید؛

مثال: شمردن ← برشمردن افراشتن ← برافراشتن خاستن ← برخاستن آسودن ← برآسودن گماشتن ← برگماشتن
نکته ۲: اما گاهی فعلی با معنای جدید می‌سازد؛ مثل: گرفتن ← فراگرفتن یا داشتن ← واداشتن یا افتادن ← برافتادن / درافتادن

۳- فعل مرکب: اگر به فعل ساده یا پیشوندی یک یا چند تک واژه آزاد افزوده شود، فعل «مرکب» خواهد شد.
توجه: برای تشخیص فعل ساده از مرکب، به سه ویژگی اساسی باید توجه داشت:

۱) گسترش پذیری: جزء همراه فعل نباید (تر، ترین، ی، نکره، علامت‌های جمع، صفت بیانی، مضاف الیه، متمم اسم) را بپذیرد.

نکته ۱: اگر جزء غیر صرفی گسترش پذیر باشد، فعل ساده است و اگر گسترش پذیر نباشد، فعل مرکب است:

۱- زهرا حرف زد. حرف (ها، جالبی، ی) زد. بنابراین حرف زد فعل ساده است. ۲- حادثه مهمی روی داد. فعل مرکب

نکته ۲: واژه‌ای که قبل از فعل می‌آید نباید صرفی (فعل) باشد؛ بنابراین «خوانده خواهد شد، داشت نوشته می‌شد» ساده اند.

۲- نقش پذیری جزء همراه فعل: جز همراه فعل نقش‌های دستوری از قبیل مفعول، متمم، مسند، قید و... نداشته باشد. مثال: علی حرف زد. (حرف: مفعول) زهرا را آگاه کرد. (آگاه مسند) علی به زمین خورد. (زمین: متمم) آب دریا بالا می‌آید. (بالا: قید)

نکته: اگر جزء غیر صرفی نقش‌های مفعولی، متممی، مسندی یا قیدی را بپذیرد، فعل ساده است

۳- ساختمان فعل مرکب باید حتماً باید در جمله‌ای که به کار رفته است؛ بررسی شود؛ زیرا ممکن است کاربرد آن در جمله‌ای دیگر متفاوت باشد. و هیچ‌گاه، فعل ساده یا مرکب را خارج از جمله بررسی و مشخص نمی‌کنیم

۱- من در این شهر دوست دارم. فعل ساده (دوست‌های فراوانی دارم). ۲- من این شهر را دوست دارم. فعل مرکب

نکته ۱: چون ساختمان فعل را با توجه به بن مضارع (فعل اصلی) تشخیص می‌دهیم، بنابراین وندهای «ن»، «می»، «ب» و فعل‌های کمکی، از نظر ساختمان در فعل تغییر نمی‌دهند و اگر فعل ساده، وندهای «ن»، «می»، «ب» و فعل‌های معین را بگیرد، باز هم ساده است. رفت (ساده)، رفته است (ساده)، وارف (پیشوندی)، وارفته بود (پیشوندی)، خواهیم رفت (ساده)

نکته ۲: نوع دیگری از فعل‌های مرکب، عبارت‌های کنایی هستند. زیرا در عبارات کنایی، تمامی اجزا روی هم یک مفهوم فعلی واحد دارد؛ مثال: او هیچ وقت دست از پا خطا نمی‌کند (کنایه از اشتباه نکردن).

نکته ۳: مبنای شناخت ساخت یا ساختمان فعل «بن مضارع» فعل اصلی است.

خوانده خواهد شد ← خوان ← ساده داشت نوشته می‌شد ← نویس ← ساده

۳۸- بن مضارع فعل‌های زیر را بنویسید و ساختمان آن را مشخص کنید.

۱. خورشید در آسمان می‌درخشد. ← درخش: ساده؛ زیرا بن مضارع فعل اصلی آن تنها یک تکواژ باشد.

۲. علی هر روز کتاب می‌خواند. ← خوان: ساده؛ زیرا بن مضارع فعل اصلی آن تنها یک تکواژ باشد.

۳. علی کتاب را از قفسه برمی‌دارد. ← بردار: پیشوندی؛ به اول فعل ساده یکی از پیشوندهای «بر» افزوده شد

۴. علی هر روز میان پیشرفتنش را به خانواده اطلاع می‌دهد.

اطلاع ده: مرکب؛ زیرا ۱- گسترش پذیر نیست؛ ۲- جزء غیر فعلی نقش پذیرفت؛ ۳- بن مضارع آن دوتک واژه آزاد دارد.

۵. دلاوران با متجاوزان جنگیده بودند. ← جنگ: ساده؛ زیرا بن مضارع فعل اصلی آن تنها یک تکواژ باشد.

۶. برای او پاپوش دوخته بودند. ← پاپوش دوز: مرکب؛ زیرا ترکیب کنایی است.

۷. نشانه‌های بیماری در او دیده شده است. ← بین: ساده؛ زیرا بن مضارع فعل اصلی آن تنها یک تکواژ باشد.

۸. نیک بخت آن که خورد و کشت و بد بخت آن که مرد و هشت. ← خور، کار، میر، هل: ساده

۹. ببخش. منت منه که نفع آن به تو باز گردد. ← بخش، نه: ساده- باز گرد: پیشوندی

۱۰. رازی که پنهان خواهی با کس در میان منه و گرچه دوست مخلص باشد که مر آن دوست را نیز دوستان مخلص باشند هم

چنین مسلسل. ← خواه: ساده در میان نه: مرکب باش: ساده

۱۱. من این کلاس را دوست دارم.
دوست دارم: مرکب؛ زیرا ۱- گسترش پذیر نیست؛ ۲- جزء غیر فعلی نقش پذیرفت؛ ۳- بن مضارع آن دوتک واژ آزاد دارد.
۱۲. من در این کلاس دوست دارم. ← دارم: ساده؛ زیرا بن مضارع فعل اصلی آن تنها یک تکواژ باشد.
۱۳. من برگ های گل را با دستم لمس کردم.
لمس کن: مرکب زیرا ۱- گسترش پذیر نیست؛ ۲- جزء غیر فعلی نقش پذیرفت؛ ۳- بن مضارع آن دوتک واژ آزاد دارد.
۱۴. علی بازی می کند. ← کن: ساده
۱۵. علی شطرنج بازی می کند. ← بازی کن: مرکب؛ زیرا ۱- گسترش پذیر نیست؛ ۲- جزء غیر فعلی نقش پذیرفت؛ ۳- بن مضارع آن دوتک واژ آزاد دارد.
۱۶. ایشان در این کار به ما کمک می کنند. ← کن: ساده
۱۷. این کار به زودی آغاز می شود. ← شو: ساده
۱۸. او بچه های کلاس را دست می اندازد. ← دست انداز: مرکب؛ زیرا ترکیب کنایی است.
۱۹. علی دیر کرد. ← دیر کن: مرکب
۲۰. از حرف خودش پایین نمی آید ← پایین آ: مرکب؛ زیرا ترکیب کنایی است.
۲۱. برادرم ما را از خطرات این کار آگاه ساخت. ← ساز: ساده
۲۲. او با من کنار آمد. ← کنار آ: مرکب؛ زیرا ترکیب کنایی است.
۲۳. او از جلوی پنجره کنار آمد. ← آ: ساده
۲۴. او در جلسات اولیا و مربیان شرکت می کند. ← شرکت کن: ساده
۲۵. من با ایشان مصاحبه خواهم کرد. ← کن: ساده
۲۶. آب دریا بالا می آید. ← آ: ساده
۲۷. ما از زشتی ها پرهیز می کنیم. ← کن: ساده
۲۸. گویی از صحبت ما نیک به تنگ آمده بود
باربر بست و به گردش نرسیدیم و برفت
به تنگ آ: مرکب
بر بند: پیشوندی
رس
۲۹. مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس
توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می کنند
کن: ساده
رو: ساده
۳۰. دوش می آمد و رخساره برافروخته بود
تا کجا باز دل غمزده ای سوخته بود
سوز: ساده
برافروز: پیشوندی
۸. او از خطا هایم چشم پوشید. ← چشم پوشید، مرکب؛ زیرا ترکیب کنایی است.
۱۰. علی با سرعت زیاد در زمین ورزش زمین خورد. ← خورد؛ زیرا بن مضارع فعل اصلی آن تنها یک تکواژ باشد. (زمین: متمم است)
۱۹. بهار گره از شکوفه ها باز کرد. ← کرد؛ زیرا بن مضارع فعل اصلی آن تنها یک تکواژ باشد.
نکته: تک واژ «باز» قبل از فعل های اسنادی، نقش مسند می پذیرد و پیشوند نیست و یک تک واژ آزاد است.
۳۱. او آن قدر انسان فهمیده ای است که در کارهایش دست از پا خطا نمی کند.
دست از پا خطا نمی کند ← مرکب؛ زیرا ترکیب کنایی است.
۳۲. او در این باره مطالعه کرد. ← کرد؛ زیرا بن مضارع فعل اصلی آن تنها یک تکواژ باشد. (مطالعه: مفعول)
۳۳. او کتاب را مطالعه کرد.
- مطالعه کرد ← مرکب زیرا ۱- گسترش پذیر نیست؛ ۲- جزء غیر فعلی نقش پذیرفت؛ ۳- بن مضارع آن دوتک واژ آزاد دارد.

«مطالعه» متمم و قید نیست. مسند هم نیست چراکه «کرد» فقط به معنای «گرداند» فعل اسنادی می باشد و این جالین معنی را ندارد مفعول هم نیست چراکه جمله مفعول دیگری دارد. پس مطالعه، هیچ نقشی را نمی پذیرد.	مرکب	او دیشب ساعت هاکتابش را مطالعه کرد.
مطالعه، مفعول است. چه کاری را انجام داد؟ مطالعه را. «کردن» به معنی انجام دادن است و مفعول می خواهد.	ساده	او دیشب ساعت هاکتابش را مطالعه کرد.
«زمین» متمم می باشد یعنی به زمین خورد. پس نقش گرفته است.	ساده	دوستم دیروز در حیاط مدرسه زمین خورد.
«بالا» نقش قید را می پذیرد.	ساده	هنگام مدآب دریا بالامی آید.
فعل های کمکی تأثیری در ساختمان فعل ندارند.	ساده	او دیده شده است.
«رها» مسند می باشد. «کردن» به معنای گرداندن و ساختن، فعل اسنادی است.	ساده	او پرنده را رها کرد.
چشم پوشیدم، فعل کنایی است و مرکب می باشد.	مرکب	من از خطای تو چشم پوشیدم.

۳۱. کدام یک از فعل های پیشوندی زیر ، با فعل ساده ی خویش تفاوت معنایی یا کاربردی دارد؟

باز یافتن - برآمدن - باز گردانیدن - درگذشتن - باز فرستادن - برآسودن - برگماشتن - فرا گرفتن - واداشتن - برشمردن - برافراشتن - بر افتادن - برانداختن.

باز یافتن - برآمدن - باز گردانیدن - درگذشتن - باز فرستادن - فرا گرفتن - واداشتن - افتادن - برانداختن

فعالیته ۳

معنی	پیشوندی	معنی	ساده
تفاوت معنایی دارد ۱	پیدا کردن	باز یافتن	یافتن
تفاوت معنایی دارد	بالا آمدن ، طلوع کردن	برآمدن	آمدن
تفاوت معنایی دارد	مراجعت دادن ، پس فرستادن	باز گردانیدن	گردانیدن
تفاوت معنایی دارد	مردن	درگذشتن	گذشتن
تفاوت معنایی دارد	پس دادن	باز فرستادن	فرستادن
تفاوت معنایی ندارد	آرام گرفتن ، استراحت کردن	برآسودن	آسودن
تفاوت معنایی ندارد	منصوب کردن ، وکیل کردن	برگماشتن	گماشتن
تفاوت معنایی دارد	آموختن ، احاطه کردن	فرا گرفتن	گرفتن
تفاوت معنایی دارد	وادار کردن	واداشتن	داشتن

خود آزمایی درس هفتم (گروه فعلی)

۱- جمله های زیر را با گذرا کردن فعلشان دوباره نویسی کنید .

۱- علی ، دوستم را با اتوبوس به بیلاق برد و یک هفته او را در آن جا گذاشت .

سال گذشته که دوستان او را به کوهنوردی برده بودند، سنگ بزرگی را از کوه غلتانند و به دره انداختند.

۲- با کمک مصدرهای زیر ، فعل پیشوندی بسازید و آن ها را در جمله به کار ببرید.

مصدر ساده	پیشوندی	مصدر ساده	پیشوندی
خوردن	بر خوردن / فرو خوردن	ریختن	فرو ریختن
داشتن	برداشتن / بازداشتن / واداشتن	گرداندن	بازگردان / برگرداندن
چیدن	برچیدن	فراخواندن / بازخواندن / فروخواندن	
گشتن	برگشتن / بازگشتن	دادن	سردادن / فرو دادن

۱- یافتن و بازیافتن در معنی « پیدا کردن » تفاوت معنایی ندارد . معنی دیگر بازیافتن چیز از دست رفته را به دست آوردن است .

غلتیدن	غلتیدن / در غلتیدن	برآشتن	آشتن
کشیدن	در کشیدن / برکشیدن / بازکشیدن / فروکشیدن	برانگیختن	انگیختن
ماندن	درماندن / فروماندن / واماندن / بازماندن	فروبستن / بر بستن	بستن
خواستن	بازخواستن / درخواستن	در گرفتن / فراگرفتن / فروگرفتن /	گرفتن
گذاشتن	واگذاشتن / فروگذاشتن	برگرفتن / بازگرفتن / درگرفتن / واگرفتن	
رسیدن	فرارسیدن / در رسیدن	فروبردن	بردن

خوردن:

- خورد: او غذا خورد. ← ۳ جزئی مفعولی
- بر خورد: ما در راه به هم برخوردیم. ← ۳ جزئی متممی
- فرو خورد: او خشم خود را فرو خورد. ← ۳ جزئی مفعولی

داشتن:

- داشت: من چند کتاب داشتم. ← ۳ جزئی مفعولی
- برداشت: او کتاب را برداشت. ← ۳ جزئی مفعولی
- واداشت: او مرا به این کار واداشت. (وادار کرد) ← ۴ جزئی مفعولی، متممی
- بازداشت: او مرا از این کار بازداشت (منع کرد). ← ۴ جزئی مفعولی، متممی

چیدن:

- چید: او میوه ها را از درخت چید. ← ۳ جزئی مفعولی
- برچید: دست فروش بساطش را برچید. (جمع کرد) ← ۳ جزئی مفعولی

گشتن:

- گشت: او تمام خیابان را گشت. ← ۳ جزئی مفعولی
- برگشت: او دیروز از مسافرت برگشت. (آمد) ← ۲ جزئی

آشتن:

- آشت: پدر از حرکات او آشت. (غضبناک شد) ← ۳ جزئی
- آشت: او از سخنان من برآشت. (غضبناک شد) ← ۳ جزئی

بستن:

- بست: در اتاق را بست. ← ۳ جزئی مفعولی
- بر بست: او بار خود را بر بست. ← ۳ جزئی مفعولی
- فرو بست: او چشمش را فرو بست. ← ۳ جزئی مفعولی

رسیدن:

- رسید: فریده به خانه رسید. ← ۲ جزئی
- فرارسید: فصل زمستان فرارسید. ← ۲ جزئی
- در رسید: یکدفعه او در رسید. (آمد) ← ۲ جزئی

گرفتن:

- گرفت: او هدیه را از من گرفت. (پذیرفت) ← ۴ جزئی مفعولی متممی
- بر گرفت: کلاغ پنی را برگرفت و رفت. (برداشت) ← ۳ جزئی مفعولی
- او مطلب را از کتاب گلستان برگرفت. (اقتباس کرد) ← ۴ جزئی مفعولی - متممی
- در گرفت: جنگ در گرفت. (آغاز شد) ← ۲ جزئی
- فرا گرفت: زهرا درس را از معلم فرا گرفت. (آموخت) ← ۴ جزئی مفعولی - متممی
- آب همه جا را فرا گرفت. (احاطه کرد) ← ۳ جزئی مفعولی
- فرو گرفت: او را فرو گرفتند. (بازداشت کردند) ← ۳ جزئی مفعولی

باز گرفت : کودک را از شیر باز گرفت . ← ۴ جزئی مفعولی - متممی
واگرفت : او بیماری را از او واگرفت . ← ۴ جزئی مفعولی - متممی
در گرفت : ناگهان باران شدیدی در گرفت . (شروع شد) ← ۲ جزئی
بردن :

برد: فریبا بچه را به مدرسه برد. ← ۳ جزئی مفعولی فروبرد: او سرش را در آب فرو برد. ← ۴ جزئی مفعولی ، متممی
ریختن :

ریخت : آب بر زمین ریخت . ← ۲ جزئی فرو ریخت : باران از آسمان فرو ریخت . ← ۲ جزئی
گرداندن :

گرداند: باران هوا را سرد گرداند. ← ۴ جزئی مفعولی ، مسندی باز گرداند: او هدیه را باز گرداند. (پس داد) ← ۳ جزئی مفعولی
خواندن :

خواند: او کتاب را خواند . ← ۳ جزئی مفعولی فراخواند : مدیر دانش آموز را فراخواند. (احضار کرد) ← ۳ جزئی مفعولی
فروخواند : او سخن را به گوشش فرو خواند. (بدو فهماند) ← ۴ جزئی مفعولی - متممی
دادن :

داد : مادر بچه را غذا داد. ← ۴ جزئی دومفعولی
مادر غذا را به بچه داد . ← ۴ جزئی مفعولی - متممی
فرو داد: اولقمه را فروداد . ← ۳ جزئی مفعولی
غلتیدن :- غلتید : سنگ از کوه غلتید. (افتاد) ← ۲ جزئی
فرو غلتید : سنگی از کوه فرو غلتید. (به پایین افتاد) ← ۲ جزئی
کشیدن :- کشید : او دستم را کشید . ← ۳ جزئی مفعولی
در کشید : طناب را در کشید . (پایین کشید) ← ۲ جزئی مفعولی / او دم در کشید (سکوت کرد) ← ۲ جزئی
بر کشید : او خود را بر کشید . (ترقی داد) ← ۳ جزئی مفعولی
اوسطل را از چاه بر کشید. (بیرون کشید) ← ۳ جزئی مفعولی
فرو کشید : او را از بالای دیوار فرو کشید . ← ۳ جزئی مفعولی
ماندن :

ماند : فاطمه در خانه ماند . ← ۲ جزئی
فروماند : ماه از جمال محمد (ص) فروماند . (متحیر شد) ← ۳ جزئی متممی
درماند : خسرو از جواب دادن درماند . (عاجز شد) ← ۳ جزئی متممی
بازماند : او از ادامه راه باز ماند . (خسته شد ، عقب افتاد ، عقب ماند) ← ۳ جزئی متممی
خواستن :

خواست : علی از من کتاب خواست . ← ۳ جزئی مفعولی
درخواست و باز خواست : در زبان معیار به صورت فعل پیشوندی کاربرد ندارد و معمولاً در معنی مصدری به کار می رود .
درخواست او ← مثل درخواست او منطقی نبود .

۳- استجاری (اجاره ای) احسنت مسح

۴- درباره ی تصویر زیر یک مطلب به شیوه ی تشریحی بنویسید.

درمیان دوباغ و دو ردیف از درخت های سر به فلک کشیده ی تبریزی ، جوی آبی روان است . هرروز هنگام ظهر ، مشهدی رحیم
گوسفندانش را برای خوردن آب به این جا می آورد . او که سال های زیادی از عمرش گذشته است با امید و اشتیاق زیادی آب

خوردن گوسفندان را نگاه می کند . واز سلامتی ونشاط آن ها لذت می برد واین امید باعث می شود که سال خوردگی وناتوانی خویش را از یاد ببرد.

جوی آبی که میان دو درختستان جاری است ، کوچه باغی را ایجاد کرده است که دوطرفش باديوارهای باغ محصور شده است . آبی که در آن جاری است آن قدر صاف وزلال است که همچون آيينه ای تصاویر درختان وگوسفندان را در خود منعکس می نماید.



درس نهم (جمله ی ساده و اجزای آن)

جدول جمله های پر کاربرد زبان فارسی

انواع جمله		
الف	جمله های دو جزئی	۱ جمله های دو جزئی با فعل ناگذر - نهاد + فعل ناگذر - مثال: گل شکفت

سه جزئی با مفعول ← نهاد + مفعول + فعل ← مثال : کوروش بابل را فتح کرد.	۱		
سه جزئی (اسنادی) با مسند ← نهاد + مسند + فعل ← مثال : هوا سرد است.	۲		
استثنا: گاهی مسند به شکل متمم می آید ← مثال : فردوسی از شاعران بزرگ ایران است.		جمله های سه	ب
سه جزئی با متمم ← نهاد + متمم + فعل ← علی (ع) بادشمنان اسلام جنگید.	۳	جزئی	
چهار جزئی با مفعول و متمم ← نهاد + مفعول + متمم + فعل ← مثال :	۱		
این درس بزرگ را از آن بزرگوار آموختم.			
چهار جزئی با مفعول و مسند ← نهاد + مفعول + مسند + فعل ← مثال :	۲	جمله های چهار	پ
مردم ایران حافظ را لسان الغیب می خوانند.		جزئی	
چهار جزئی با متمم و مسند ← نهاد + متمم + مسند + فعل ← مثال :	۳		
اهالی محل به او پهلوان می گفتند .			
چهار جزئی دو مفعولی ← نهاد + مفعول + مفعول + فعل ← مثال :	۴		
نقاش دیوار را رنگ زد			

نکته ی (۱): اجزای جمله دو نوع است ۱- اصلی ؛ ۲- فرعی

نکته ی (۲): اجزای اصلی جمله عبارتند از: فعل، نهاد، مفعول، مسند، متمم فعل

نکته ی (۳): اجزای فرعی؛ یعنی ، گروه قیدی

نکته ی (۴): ویژگی گذر فعل چند جزئی بودن جمله ها را مشخص می کند.

نکته ی (۵): فعل (ویژگی گذر فعل) اجزای اصلی جمله را مشخص می کند.

نکته ی (۶): نهاد چه موجود باشد چه محذوف یک جزء اصلی جمله به حساب می آید.

نکته ی (۷): جمله ی ساده حداقل ۲ و حداکثر ۴ جزء دارد

الف) اجزای جمله های زیر را مشخص کنید.

۱- گل شکفت. ← گل ← نهاد شکفت ← فعل ← جمله دو جزئی

۱- **افعال ناگذر:** مصدر های پریدن ، آمدن ، رفتن ، نشستن ، جستن ، خندیدن (عمل خندیدن) ، خوابیدن ، مردن ، جوشیدن ، ماندن ، چکیدن بالیدن (رشد کردن) ، نالیدن ، دویدن ، روییدن ، جنبیدن ، پوسیدن ، لرزیدن ، شتافتن ... ناگذر هستند .

علی ← نهاد آمد ← فعل آمد ناگذر است و فقط با نهاد معنایش کامل است یعنی عمل آمدن را فقط علی می تواند انجام دهد.

اگر اجزای دیگری (= گروه قیدی) نیز به این جمله اضافه شود ، باز هم دو جزئی است

احتمالاً دیروز علی ساعت هشت صبح شتابان با مائین دوستش از خانه ی پدرش به مدرسه ی پسرش آمد .

نکته : فعل هایی که برای توصیف طبیعت به کار می روند ناگذر هستند .

۲- (شما) خواهید رفت. ← شما ← نهاد خواهید رفت ← فعل ← جمله دو جزئی

۲-۱- (ما) ایستاده بودیم ← ما ← نهاد ایستاده بودیم ← فعل ← جمله دو جزئی

نکته ۱: در دو جمله ی اخیر نهاد جدا حذف شدنی است . وقتی نهاد جدا ضمیر باشد می توان آن را به قرینه ی لفظی حذف

کرد. در این صورت تشخیص نهاد جدا بر اساس شناسه ممکن است.

نکته ی ۲: گفته شد ، حذف نهاد ضمیر ، اختیاری است اما نهاد غیر ضمیر چنین نیست ؛ زیرا حذف آن ابهام ایجاد می کند. مانند :

نامه ای از دوستم رسید طرف ها سالم به خانه رسید.

۲- افعال گذرا به مفعول :

آوردن ، بردن ، گذاشتن ، افکندن ، انداختن ، داشتن ، خواندن ، یافتن ، بخشیدن (عفو کردن) ، دیدن ، ستودن ، شناختن ، نوشتن ، نهادن ، آزمودن ، افراشتن ، دوختن ، بافتن ، بستن ، برافراشتن ، بوسیدن ، بوییدن ، پاشیدن ، پروردن ، پرستیدن ؛

پوشیدن ، تراشیدن ، تکاندن ، جویدن ، چشیدن ، خراشیدن ، خواستن ، خوردن ، راندن ، ریختن ، کاشتن ، کندن ، گشودن ، گسترده .

۳- پرچم علم و دانش را برافرازیم.

پرچم علم و دانش را برافرازیم. ← نهاد پرچم علم و دانش ← مفعول برافرازیم ← فعل ← جمله ی سه جزئی با مفعول
نکته ۱: دو پرسش «چه چیز را» و «چه کس را» برای فعل های گذرا به مفعول معنی دار هستند و مفعول در پاسخ این دو پرسش می آید.

نکته ۲: راه شناخت مفعول ← چه کسی را؟ یا چه چیزی را؟ + فعل گذرا به مفعول ← پاسخ: مفعول

۴- انقلاب اسلامی ایران ، فصلی تازه در شرایط سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی جامعه ی ما گشود. ← انقلاب اسلامی ایران ← نهاد
فصلی تازه ← مفعول در شرایط سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی جامعه ی ما ← متمم قیدی گشود: فعل ← جمله ی سه جزئی با مفعول

۳- افعال گذرا به متمم

تفاوت متمم قیدی با متمم فعلی :

۱) متمم فعل در جمله ، یکی بیشتر نیست و فعل به آن نیاز دارد؛ در صورتی که تعداد متمم های قیدی را می توان افزایش داد، یا آن ها را از جمله حذف کرد؛ زیرا متمم های قیدی جنبه توضیحی دارد و فعل به آن نیازی ندارد در حالی که با حذف متمم فعل ، جمله ناقص می شود:
علی با دشمن جنگید. (دشمن = متمم فعل) علی از خانه با تاکسی به مدرسه آمد (خانه ، تاکسی ، مدرسه = متمم قیدی)
۲) فعل هایی که به متمم نیاز مندند ، دارای حرف اختصاصی هستند اما فعل هایی که به متمم نیاز ندارند ، دارای حرف اضافه ی اختصاصی نیستند؛ مثلاً «رفتن» با حروف اضافه ی «از» «به» «با» کاربرد دارد؛ مانند: «حسین از پارک رفت»، «حسین به پارک رفت»، «حسین با دوستش رفت». «آمانی توان گفت» «علی از دشمن می جنگد» «علی به تاریکی می ترسد». ضمنا فعل های بدون متمم از نظر معنایی نیز نیازمند متمم نیستند؛ مثل «آب جوشید»، «محمد ایستاد»، «باد وزید»، «پرندۀ پرید».
نکته ۱: در حقیقت متمم فعل نوعی مفعول است که با حرف اضافه می آید و مانند مفعول نمی توان آن را بدون قرینه از جمله حذف کرد «با دانایان در آمیز» «در آمیز» جمله ناقص است.

نکته ۲: توجه داشته باشید که در جمله با دیدن هر متممی نباید فوراً آن را از اجزای اصلی به حساب آورد؛ زیرا ممکن است از متمم های قیدی باشد که قابل حذف است و یا از متمم های اسم باشد.

نکته ۳: فعل های گذرا به متمم فعلی هایی هستند که دو ویژگی دارند:

۱- در اصطلاح «تقابلی و دوسویه» هستند ؛ یعنی ، این که وقوعش در عالم طبیعی نیاز به دو عامل ، طرف یا جانب دارد مثلاً افعال ترسیدن ، رنجیدن ، جنگیدن ، خریدن ، فروختن و ... قطعاً برای این که محقق شوند ؛ نیاز به دو عامل یا طرف دارند که یکی نهاد است و دیگری متمم
۲- همیشه با یک حرف اضافه ی اختصاصی غیر قابل حذف ، به کار می روند و این امر ؛ یعنی ، این که همیشه با یک «متمم اجباری» می آیند.

نکته ۴: فعل های گذرا به متمم را می توان با ساختار زیر شناخت :

مصدر فعل مورد نظر + حروف اضافه ی از / به / با + x

اگر فعل مورد نظر فقط با یکی از این سه حرف اضافه ترکیب قابل قبول بسازد گذرا به متمم است و اگر با بیش از یکی از این حروف اضافه ترکیب قابل قبول بسازد ؛ فعل ناگذر است . مثال :

آمد ← آمدن از x ← قابل قبول ← علی از خانه آمد / آمدن به x ← قابل قبول ← علی به خانه آمد / آمدن با x ← علی با پدرش آمد.
پس فعل آمد ناگذر است و متمم های جمله متمم قیدی هستند.

نکته ۴: حروف اضافه + اسم زمان / اسم مکان = متمم قیدی

نکته ۵: اگر فعلی بیش از یک حرف اضافه بگیرد ؛ معنی آن عوض شود ما با دو فعل جداگانه روبرو هستیم و نشان دهنده ی آن است که فعل ها متمم پذیر هستند و آن متمم ها «متمم فعل هستند. اگر فعلی بیش از یک حرف اضافه بپذیرد و معنی آن عوض نشود ؛ نشان دهنده ی آن است که فعل گذرا به متمم نیست و متمم های آن قیدی است. مثال :

آموختن از (= یاد گرفتن) آموختن به (= یاد دادن)

جدول فعل های گذرا به متمم

مصدر	حرف اضافه ی اختصاصی
------	---------------------

به	اندیشیدن، بالیدن، برازیدن، برخوردن، پرداختن، پیوستن، تاختن، چسبیدن، گرویدن، نازیدن، نگریستن
با	جنگیدن، در آمیختن، ساختن، ستیزیدن، آمیختن (مخلوط شدن)
از	پرهیزیدن، ترسیدن، رنجیدن، گذشتن
در	گنجیدن
بر	شوریدن

متمم های اسم: «متمم اسم» یک گروه اسمی است که با کمک حرف اضافه همراه اسم می آید و توضیحی به آن می افزاید. به عبارتی دیگر، برخی از اسم ها به حروف اضافه ی ویژه ای نیاز دارند تا معنای خود را کامل کنند و هر نقشی که بپذیرند به متمم خود نیاز دارند از قبیل: **علاقه داشتن (به)، نیاز (به)، مهارت (در)، مصاحبه کردن (با)، جنگیدن (با)، آشنایی (با)، گفت و گو (با)، دوستی (با)، نفرت (از)، پرهیز (از)، انتقاد (از)...**

علاقه او به نقاشی زیاد است. (نقاشی: متمم اسم برای واژه ی «علاقه»)

نهاد مضاف الیه متمم اسم فعل

علاقه او را به نقاشی می ستایم. (نقاشی: متمم اسم برای واژه ی «علاقه»)

مفعول + مضاف الیه + متمم اسم + فعل

از علاقه ی او به نقاشی سخن می گفتند. (نقاشی: متمم اسم برای واژه ی «علاقه»)

متمم فعل مضاف الیه متمم اسم مفعول فعل

من علاقه مند به نقاشی هستم. (نقاشی: متمم اسم برای واژه ی «علاقه»)

نهاد مسند متمم اسم فعل

نکته ۱: هرگاه صفت ها و اسم هایی که متمم پذیر هستند و به ترتیب نقش های مسند و مفعول را بپذیرند و با فعل ساده ی همراه خود هم نشین شوند فعل مرکب نمی سازند و متمم آن ها قبل از آن ها می آید. و به همراه متمم خودشان یک گروه اسمی را تشکیل می دهند.

شب گذشته خبرنگاران با رییس جمهور مصاحبه کردند. ← شب گذشته ← گروه قیدی خبرنگاران ← نهاد

با رییس جمهور ← متمم اسم مصاحبه ← مفعول کردند ← فعل ← جمله ی چهار جزئی با مفعول

نکته ۲: متمم اسم و متمم صفت حالت لغزان دارند و می توانند قبل یا بعد از اسم و صفت خود بیایند. مثال:

۱- من علاقه مند به نقاشی هستم. (نقاشی: متمم اسم برای واژه ی «علاقه»)

۲- من به نقاشی علاقه مند هستم (نقاشی: متمم اسم برای واژه ی «علاقه»)

نکته ۳: اسم متمم پذیر به همراه متمم اسم، با هم یک گروه اسمی به شمار می روند.

تمرین

۱- با دانایان در آمیز. ← نهاد با دانایان ← متمم در آمیز ← فعل

۲- از نادانان پرهیز. ← نهاد از نادانان ← متمم پرهیز ← فعل ← جمله ی سه جزئی با متمم

۳- ایران به دانشمندان خود می نازد. ایران به دانشمندان خود می نازد.

ایران ← نهاد به دانشمندان خود ← متمم می نازد ← فعل ← جمله ی سه جزئی با متمم

۴- دلاوران ما شجاعانه با دشمن جنگیده بودند.

دلاوران ما ← نهاد شجاعانه ← قید با دشمن ← متمم جنگیده بودند ← فعل ← جمله ی سه جزئی با متمم

۴- جمله ی سه جزئی با مسند

فعل های گذرا به مسند عبارتند از:

۱- «بودن» و دیگر مشتقات آن مانند «است، هست، باشد، می باشد و صورت های شده ی آن ها در زمان های گوناگون

نکته: فعل های «است، بود» به معنای «وجود داشتن باشند» دیگر اسنادی نیستند. مانند محمد در خانه است / بود.

۲- «شدن» و صورت های شده ی آن در زمان های گوناگون

۳- «گشتن و گردیدن» به معنی «شدن» و صورت های شده ی آن ها در زمان های گوناگون

نکته: «گشتن و گردیدن» اگر به معنی «شدن» نباشند؛ دیگر گذرا به مسند نیستند.

۴- «به نظر رسیدن / آمدن»، «به شمار رفتن / آمدن»

«محمد دانش آموز درس خوانی به نظر می رسد / محمد دانش آموز کوشایی به شمار می رود.

نکته: «به نظر رسیدن / آمدن» اگر به معنی فعل های گذرا به مسند ذکر شده در بالا باشد؛ گذرا به مسند است؛ مانند مثال های ذکر شده

اما اگر به معنای «به ذهن رسیدن» باشد؛ ناگذر است؛ مانند «این سؤال به نظرم رسید».

نکته ی ۳: فعل های «است، بود، شد، باشد» اگر فعل کمکی باشند؛ دیگر فعل اسنادی نیستند.

۱- این داستان خواندنی است.

این داستان خواندنی است. ← این داستان ← نهاد خواندنی ← مسند است ← فعل ← جمله ی سه جزئی با مسند

نکته ۱: درباره ای از جمله های سه جزئی اسنادی، مسند به شکل حرف اضافه + متمم می آید.

۲- این پارچه از ابریشم است.

این پارچه از ابریشم است. ← این پارچه ← نهاد از ابریشم ← مسند است: فعل ← جمله ی سه جزئی با مسند

۳- فلانی از ساکنان این محل است. ← فلانی ← نهاد از ساکنان این محل ← مسند است: فعل ← جمله ی سه جزئی با مسند

۴- ایشان از دوستان شما بودند. ← ایشان ← نهاد از دوستان شما ← مسند بودند ← فعل ← جمله ی سه جزئی با مسند

۵- جمله های گذرا بیه مفعول و متمم

نکته: جمله های چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم را می توان در ساختار زیر قرار داد و ترکیب قابل قبول به دست آورد و آن ها را شناخت.

$X + \text{را} + \text{مصدر فعل مورد نظر} + \text{حروف اضافه ی از/ به/ با} + Y$

$X + \text{را} + \text{دادن به } Y \quad / \quad X + \text{را} + \text{بخشیدن به } Y$

جدول فعل های گذرا به مفعول و متمم

حرف اضافه	مصدر
به	آموختن (تعلیم دادن)، آویختن (وصل کردن، نصب کردن)، افزودن، آلودن، بخشیدن (= دادن)، پرداختن، به پیوستن، چسباندن، سپردن، فروختن، گفتن، دادن نکته: «دادن» و فعل های هم راستا آن مانند «پس دادن، پرداختن و...» گذرا به مفعول و متمم هستند.
با	اندودن، آمیختن (مخلوط کردن)، سنجیدن
از	پرسیدن، ترساندن، خریدن، دزدیدن، ربودن، رهاندن، شنیدن، کاستن، گرفتن، آموختن (فراگرفتن)، آویختن (= آویزان کرد)، زودن، بازداشتن نکته: «گرفتن» در معنایی برابر با (to take) و فعل های هم راستا آن مانند «پس گرفتن، سلب کردن، غضب کردن، قرض کردن، خریدن، دزدیدن، ربودن و...»
در	گنجاندن
بر	شوراندن

۱- این درس بزرگ را از آن بزرگوار آموختم.

← نهاد این درس بزرگ ← مفعول از آن بزرگوار ← متمم آموختم. ← فعل جمله ی چهار جزئی با مفعول و متمم

۲- گل های رنگارنگ جلوه ی بی ماندی به شهر می داد.

گل های رنگارنگ ← نهاد جلوه ی بی ماندی ← مفعول به شهر ← متمم می داد ← فعل ← جمله ی چهار جزئی با متمم و مفعول

۳- کتاب ها را از کتاب فروشی خریدی؟

← نهاد کتاب ها را ← مفعول به شهر ← متمم می داد ← خریدی؟ ← جمله ی چهار جزئی با متمم و مفعول

۴- پرستار شیر را به بچه داد. پرستار ← نهاد شیر را ← مفعول به بچه ← متمم داد ← فعل ← جمله ی چهار جزئی با متمم و مفعول

۵- این درس بزرگ را از آن بزرگوار آموختم.

← نهاد این درس بزرگ را ← مفعول از آن بزرگوار ← متمم آموختم. ← فعل ← جمله ی چهار جزئی با متمم و مفعول

۶- جمله ی چهار جزئی با متمم و مسند

نکته: جمله‌ی چهار جزئی با متمم و مسند قابل تبدیل به جمله‌ی چهار جزئی با مفعول و مسند است فقط هرگاه «گفتن» به معنی «نامیدن» و «لقب دادن» به کار رود؛ جمله‌ی چهار جزئی با متمم و مسند است و حتماً باید در جمله شناخته می‌شود. *اهل محل به او پهلوان می‌گفتند. / لقب دادند.

اهل محل ← نهاد به او ← متمم پهلوان ← مسند می‌گفتند ← فعل جمله‌ی چهار جزئی با متمم و مسند

۷- جمله‌ی چهار جزئی با مفعول و مسند

عمده‌ی فعل‌های گذرا به مفعول و مسند عبارت است از:

۱- «گردانیدن» (=گذرای سببی «گشتن» و «گردیدن») و فعل‌های هم معنی آن، مثل: «نمودن»، «کردن»، «ساختن» و «فرمودن».

۲- «نامیدن» و فعل‌های هم معنی آن، مثل: «خواندن»، «گفتن»، «صدا کردن / زدن»

۳- «پنداشتن» و فعل‌های هم معنی آن، مثل: «دیدن»، «دانستن»، «یافتن»، «شناختن»، به شمار آوردن»، «به حساب آوردن» شمردن» تصور کردن، در نظر گرفتن، فرض کردن.

نکته ۱: اغلب جمله‌های این گروه همان جمله‌های سه جزئی اسنادی هستند که یک جزء (مفعول) به آن‌ها افزوده می‌شود و به جمله‌های چهار جزئی تبدیل می‌گردند. مثال: هوا سرد گردید / باران هوا را سرد گردانید.

بنابراین دوباره این نوع جمله‌ها قابل شیوه‌ی زیر قابل تبدیل به جمله‌های سه جزئی گذرا به مسند هستند.

۱- مفعول جمله را حذف می‌کنیم؛ ۲- فعل جمله‌ی چهار جزئی را به فعل‌های گذرا به مسند «است، بود» تبدیل می‌کنیم.

۳- بادو مرحله‌ی بالا، جمله‌ی سه جزئی ساخته می‌شود و این مسئله نشان دهنده‌ی این هست که جمله چهار جزئی است.

در جملات چهار جزئی با مفعول و مسند می‌توانیم به جای فعل جمله‌ی چهار جزئی، افعال معادل آن را بیاوریم؛ مثال:

گرداندن (نمودن، ساختن، کردن) / نامیدن (خواندن، گفتن، صدا کردن، صدا زدن)

نکته ۲: راه دیگر شناخت جمله‌ی چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند این است که مابتوانیم فعل‌های هم معنی را جای‌گزین هم کنیم. ۱- مثال

: باران هوا را سرد گردانید (نمود) «کرد»، «ساخت» ()

۲- مردم حافظ را لسان الغیب می‌شناسند / می‌پندارند / می‌دانند / به شمار می‌آورند / می‌شمارند.

۳- اهل محل محمد را پهلوان می‌گویند / می‌نامند / صدا می‌زنند.

نکته ۳: فعل‌های زیر نیز چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند هستند.

۱- «بار آوردن» (ادبیات انسان‌ها را متواضع بار می‌آورد)

۲- «قلمداد کردن»، «تلقی کردن»، «انگاشتن»

او در زندگی خود، نویسنده‌گی را امری لذت بخش قلمداد می‌کند. / من این ماجرا را اثر بخش می‌انگارم.

۳- «تشخیص دادن»: من او را در این کار، توانا و هوشمند تشخیص می‌دهم.

نکته ۳: فعل‌های گذرا به مفعول و مسند اگر مجهول شوند؛ به فعل‌های سه جزئی گذرا به مسند تبدیل می‌شوند.

علامه شاعر و محقق آزادی خواه علی اکبر دهخدا، با نوشتن سلسله مقالاتی در لباس طنز به عنوان چرند و پرند و با امضای دخوچهره ای طنز

پرداز شناخته شده است. (کنکور سراسری)

نکته ۴: گاهی هم نشینی مسند و فعل ساده رانمی توان گسترش داد و با فعل مرکب اشتباه گرفته می‌شود در این صورت باید از روش نقش

پذیری شناخت ساختمان فعل استفاده کرد.

۱- مادر کودک را بیدار کرد.

مادر ← نهاد کودک را ← مفعول بیدار ← مسند کرد ← فعل ← جمله‌ی چهار جزئی با مفعول و مسند

۲- باران هوا را سرد گردانید.

باران ← نهاد هوا ← مفعول سرد ← مسند گردانید ← فعل ← جمله‌ی چهار جزئی با مفعول و مسند

۲- نادان هیچ کس را هم طراز خویش نمی‌بیند.

نادان ← نهاد هیچ کس ← مفعول هم طراز خویش ← مسند نمی‌بیند. ← فعل ← جمله‌ی چهار جزئی با مفعول و

۴- مردم ایران حافظ را لسان الغیب می‌خوانند.

مردم ایران ← نهاد حافظ ← مفعول لسان الغیب ← مسند می‌خوانند: فعل جمله‌ی چهار جزئی با مفعول و مسند

۵- حافظ خودش را رند می‌داند.

حافظ ← نهاد خودش را ← مفعول رند ← مسند می‌داند ← فعل جمله‌ی چهار جزئی با مفعول و مسند

۶- کاروتلاش مداوم او را شاگرد اول دبیرستان کرد.

کاروتلاش مداوم ← نهاد او را ← مفعول شاگرد اول دبیرستان ← مسند کرد ← فعل جمله ی چهار جزئی با مفعول و مسند
۷- جیب هایم را از شکلات و آجیل پر کردم. ← - نهاد جیب هایم را ← مفعول از شکلات و آجیل ← متمم اسم پر ← مسند کردم ← فعل
← جمله ی چهار جزئی با مفعول و مسند

۸- حافظ در برخی از غزل هایش به رخدادهای سیاسی زمان خود نیز اشاره کرده است.
حافظ ← نهاد در برخی (از غزل هایش به رخدادهای سیاسی زمان خود ← متمم قید از غزل هایش به رخدادهای سیاسی زمان خود ←
متمم اسم (برای اسم مبهم برخی) نیز ← گروه اسمی اشاره ← مفعول کرده است ← فعل ← جمله ی سه جزئی با مفعول
۹- وزارت آموزش و پرورش با خریداری میلیون ها جلد کتاب ، امکانات نسبتا مناسبی را برای کتاب خانه ها فراهم کرد
نهاد متمم قیدی مفعول متمم قیدی مسند فعل

۸- جمله ی چهار جزئی با مفعول و مفعول (= دو مفعولی)

نکته : راه شناخت جمله های چهار جزئی با مفعول و مفعول ← این جمله ها قابل تبدیل به جمله های چهار جزئی با مفعول و متمم هستند .

۱- مادر کودک را لباس پوشانند ← مادر به کودک لباس پوشانند / ۲- نقاش دیوار را رنگ زد. ← نقاش به دیوار رنگ زد.
۲- نقاش دیوار را رنگ زد.

نقاش ← نهاد دیوار را ← مفعول رنگ ← مفعول زد ← فعل جمله ی چهار جزئی با مفعول و مفعول
۳- تعمیر کار دنده ی ماشین را روغن زد.

تعمیر کار ← نهاد دنده ی ماشین ← مفعول روغن ← مفعول زد ← فعل جمله ی چهار جزئی با مفعول و مفعول
۴- پرستار کودک را شیر داد.

پرستار ← نهاد کودک را ← مفعول شیر ← مفعول داد ← فعل جمله ی چهار جزئی با مفعول و مفعول
۵- مادر کودک را لباس پوشانند.

مادر ← نهاد کودک را ← مفعول لباس ← مفعول پوشانند. ← فعل جمله ی چهار جزئی با مفعول و مفعول
۶- پدر بزرگ دورتادور باغ را دیوار کشید.

پدر بزرگ ← نهاد دورتادور باغ را ← مفعول دیوار ← مفعول کشید. ← فعل جمله ی چهار جزئی با مفعول و مفعول

جمله های استثنایی

همان طور که می دانیم همه ی جمله ها از نهاد و گزاره درست می شوند و گزاره نیز دارای فعل است اما برخی از جمله ها ممکن است یکی از شرط های جمله های معمولی را نداشته باشند. این جمله ها استثنایی اند. جمله های استثنایی دو نوعند:

۱- جمله های بی فعل
۲- جمله های بی نهاد ← برای مطالعه

۱- جمله های بی فعل ← این جمله ها سه نوعند : یک جزئی ، دو جزئی ، و سه جزئی .

الف (جمله های یک جزئی بی فعل :

واژه هایی هستند که گاهی به تنهایی کار یک جمله را انجام می دهند و خود نیز دو نوعند: صوت و غیر صوت .

۱- صوت واژه ای است که مانند دیگر واژه ها کاربرد ندارد یعنی نهاد و مفعول و... قرار نمی گیرد و از موقعیت و نحوه ی بیان یا وجود قرینه می توان به معنای آن پی برد . صوت ها در موقعیت های مختلف از جمله خشم و شگفتی و تنفر و تمسخر و توهین و تحقیر و اعتراض و نظایر آن به کار می روند و معمولا عبارتند از : به به ، آهه ، د ، آخ ، وای ، وه

۲- غیر صوت واژه ی معمولی زبان (= اسم ، صفت) است که کار یک جمله را انجام می دهد: سلام ، درود ، آفرین ، افسوس ، عجب ، ساکت ، برپا ، برجا ، آزاد ، خبر دار ، حمله ، آتش ، یواش ، آرام ، خاموش ، خفه ، چشم ، حیف .

نکته : منادا نیز ، چه با نقش نمای ندا چه بی آن (با انتقال تکیه از هجای آخر به هجای اول)، جمله ی یک جزئی به حساب می آید:
فریدون ، کجا رفته بودی ؟
ای خدای بزرگ .

ب (جمله های دو جزئی بی فعل همراه با نمودار درختی آن ها :

نهاد	گزاره
مرحمت شما	زیاد
عیدتان	مبارک

چنین جمله هایی تنها از دو گروه اسمی ساخته می شوند و گزاره شان بدون فعل می آید و از آن رو که این جمله ها در فارسی امروز بدون فعل می آید و حتی افزودن فعل به بعضی از آنها معمولا غیر عادی است دو جزئی به حساب می آیند:

جمله های دو جزئی (بی فعل)

نهاد	گزاره
گروه اسمی	گروه اسمی
شب	خوش
دو دو تا	چهار تا
سیگار کشیدن	ممنوع
دست ها	بالا
زیارت	قبول
سفرتان	به خیر

- ۱- اگر در ساختمان چنین جمله هایی گهگاه فعل به کار رود ، تبدیل به جمله های سه جزئی با مسند می شوند :
- دو دو تا (نهاد) چها تا (مسند) می شود. (فعل اسنادی) سیگار کشیدن(نهاد) ممنوع(مسند) است. (فعل اسنادی) یا مانند آخرین مثال فوق به جای مسند ، متمم می آید: سفرتان به خیر باشد .
- ۲- فرق این جمله ها با جمله های معمولی این است که فعل جمله های معمولی را نمی توان بدون قرینه حذف کرد. مثلاً از جمله ی « ما این نویسنده را می شناسیم. » فعل را نمی توان حذف کرد.

(پ) جمله های سه جزئی بی فعل :

زندگی ؛ یعنی ، عقیده. کار ؛ یعنی ، خلاقیت و سازندگی / شناخت؛ یعنی ، جدا کردن ارزنده از بی ارزش. این جمله ها هم فعل ندارند اما معادل جمله های زیرند:

زندگی ، عقیده است . کار ، خلاقیت و سازندگی است. شناخت جدا کردن ارزنده از بی ارزش است.

واژه ی « یعنی » کار فعل را انجام می دهد بنابراین در چنین جمله هایی واژه ی « یعنی » معادل فعل « است » به حساب می آید و نمودار آن چنین رسم شود :

جمله ی سه جزئی بی فعل

نهاد	گزاره
گروه اسمی	گروه اسمی (معادل فعل)
زندگی	عقیده و جهاد

*نوع جمله های استثنایی زیر را مشخص کنید.

- ۱- سلام برشما دانش آموزان گرامی ← سلام ← یک جزئی استثنایی بی فعل
 - ۲- آی آدم ها ← یک جزئی استثنایی بی فعل
 - ۳- علی ، ای همای رحمت ← یک جزئی استثنایی بی فعل
 - ۳- به امید دیدار دوست مهربانم ← یک جزئی استثنایی بی فعل
 - ۵- افسوس که قدر روزگار جوانی رانمی دانیم. ← افسوس ← یک جزئی استثنایی بی فعل
 - ۶- هان ، ای دل عبرت بین ← هان ← یک جزئی استثنایی بی فعل
 - ۷- هین ، سخن تازه بگو ← هین ← یک جزئی استثنایی بی فعل
 - ۸- عیدتان مبارک ← جمله های دو جزئی (بی فعل)
 - ۹- شب خوش ← جمله های دو جزئی (بی فعل)
 - ۱۰- مرحمت شما زیاد ← جمله های دو جزئی (بی فعل)
 - ۱۱- دو دو تا چهارتا ← جمله های دو جزئی (بی فعل)
 - ۱۲- توقف ممنوع ← جمله های دو جزئی (بی فعل)
 - ۱۳- زندگی ؛ یعنی ، عقیده ← جمله ی سه جزئی بی فعل
 - ۱۴- کار؛ یعنی ، خلاقیت ← جمله ی سه جزئی بی فعل
- تمرین بیشتر برای دانش آموزان گرامی
- ۱- هر انسان آزاده ی ایرانی از دیر باز آزادگی را از جان و دل می ستاید.
- هر انسان آزاده ی ایرانی ← نهاد از دیرباز ← متمم قیدی آزادگی ← مفعول از جان و دل ← متمم قیدی می ستاید: ← فعل ← جمله ی سه جزئی با مفعول

- ۲- تنوع آثار ، تفاوت مکاتب و سبک ها و انواع ادبی، اختلاف ذوق و پسند مخاطبان، انتخاب را بسیار مشکل می سازد.
- ۳- ارائه ی روش های مطلوب به منظور هماهنگ کردن خدمات و فعالیت های کتابخانه های کشور جهت تسهیل مبادله ی اطلاعات امری است ضروری
- ارائه ی روش های مطلوب- نهاد به منظور هماهنگ کردن خدمات و فعالیت های کتاب خانه های کشور جهت تسهیل مبادله ی اطلاعات- متمم قیدی امری ضروری- مسند است- فعل - جمله ی سه جزئی با مسند
- ۴- تأمل و درنگی کوتاه در تحمیدیه ها و مناجات ها تأثیر آیات و روایات و مناجات های اولیای دین را آشکار می گرداند. تأمل و درنگی کوتاه- نهاد در تحمیدیه ها و مناجات ها- متمم اسم (برای نهاد) تأثیر آیات و روایات و مناجات های اولیای دین - مفعول آشکار- مسند می گرداند- فعل - جمله ی چهار جزئی با مفعول و مسند
- ۵- با حرف های شما به آینده امیدوار شدم
- ۶- از مقایسه ی ساده ی تصاویر اشعار منوچهری با تصاویر موجود در دیوان های عصر او و دوره های بعد از او میزان تجربه های حسی او در خلق تصویر به خوبی احساس می شود.
- ۷- موسیقی دلپذیر و گوش نواز، معانی ژرف و دقیق و چشم اندازهای اشعار حافظ ما را با دنیای رازآلود وی بیش تر آشنا می گرداند.
- ۸- تنها ماهی دریای حق از غوطه خوردن در آب عشق و معرفت سیری ناپذیر است.
- ۹- دعوت به ارزش ها و پرهیز از خشونت و رفتارهای نادرست مهم ترین عناصر فرهنگی هستند
- ۱۰- شیخ فریدالدین عطار نیشابوری ، آفریننده ی مثنوی عرفانی منطق الطیر با بیان این داستان تمثیلی مراحل سیر و سلوک را در سفر سی مرغ به سوی سیمرغ، روشن می سازد.
- ۱۱- علامه شاعر و محقق آزادی خواه علی اکبر دهخدا، با نوشتن سلسله مقالاتی در لباس طنز به عنوان چرند و پرند و با امضای دخوچهره ای طنز پرداز شناخته شده است.
- ۱۲- شعر ایرج میرزا، شاهزاده ی قاجار صرف نظر از پاره ای صبغه های اشرافی ویژه هم از نظر زبان و فنون ادبی و هم از لحاظ پیام و محتوا همان حال و هوای آثار شاعران عصر بیداری را دارد.
- ۱۳- حکیم فردوسی از ستارگان قدر اول آسمان ادب ایران، از گذشته های دور با کتاب گران قدر خود، شاهنامه، در میان مردم شهرت و محبوبیتی یافته است.
- ۱۴- شهریار با بهره گیری از زبانی صمیمی و عاطفی ایمان عمیق و ارادت خود را نسبت به اهل بیت آشکار می سازد.
- ۱۵- بسوزند چوب درختان بی بر.
- ۱۶- از او دور شد دانش و فرهی
- ۱۷- دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند.
- ۱۸- شناخت یعنی جداکردن ارزنده از بی ارزش در همه ی شئون
- ۱۹- ورود روز افزون لغات عربی و استفاده ی فراوان از استعاره و کنایه و اصطلاحات فلسفی و غیره در سبک عراقی فهم شعر را دشوارتر می ساخت.
- ۲۰- چرا به وعده های خویش عمل نمی کنید؟
- ۲۱- اقدامات تبلیغاتی برای شناساندن کالاها و خدمات برتر جهت رفاه بیشتر شهروندان بسیار موثر بوده است.
- ۲۲- حضرت ابوالفضل (ع) علمدار دشت کربلا با حضور حیرت آور خویش در حماسه ی عاشورا به جهانیان ادب آموخت
- ۲۳- در گنجینه ی آثار ادبی، کتابی به عظمت شاهنامه ندیده ام.
- ۲۴- پرستار بچه را لباس پوشاند.
- ۲۵- گل نرگس در گلدان به زیبایی شکفت.
- ۲۶- نادان هیچ کس را هم طراز خویش نمی بیند.
- ۲۷- زندگی یعنی عقیده
- ۲۸- من موضوع سخنرانی را از دوستم پرسیدم
- ۲۹- خوشبختانه بهرام از مسافرت دو روزه اصفهان به تهران آمد.
- ۳۰- تابلوی نقاشی را به دیوار مدرسه آویختیم.
- ۳۱- کشور ایران سرزمین دلبران است.
- ۳۲- پسر همسایه مهندس ساختمان خواهد شد.
- ۳۳- بزرگ مردی بود خواجه نظام الملک

۳۴-متصدی موزه جوانی بود سی ساله.

۳۵-پدر بزرگ، همیشه کنار پنجره می نشست.

۳۶-در این فصل آثار نویسندگان و شاعران معاصر و گذشته را با مضامین یاد شده می خوانیم.

۳۷-ما در این لحظه در این نخستین لحظات آغاز آفرینش، نخستین روز خلقت آتش اهورایی نور را باز بر می افروزیم.

۳۸-برای نمایش هنر نویسندگی بیهقی، تاریخ او را به داستانی دراز مانده کردم.

۳۹-اهل کلیسا در قرون وسطی شعر را به واسطه ی آن که در خدمت اخلاق نبوده است غذای شیطان می دانستند.

۴۰-خط به کار رفته در ایران پیش از اسلام را خط پهلوی می نامند.

۴۱-ماموران با تجربه و آگاه سازمان آتش نشانی در تمام ساعات روز با خوشرویی و دل سوزی و دقت بسیار مطالب و نکات لازم را به کارآموزان و همه مراجعه کنندگان یاد می دادند.

۴۲-برخی از سخن سنجان گذشته، انوری را هم پایه فردوسی و سعدی هر سه را از پیامبران شعر فارسی دانسته اند.

۴۳-من شبان و روزان آشکار و نهان شما مردم را رزم آوران نامی خوانده ام.

۴۴-نگاه های اسیرم را هم چون پروانه های شوق در این مزرع سبز آن دوست شاعرم رها می کنم.

۴۵-امازاده ی ده را اهالی معصوم زاده اش می نامند.

۴۶-این طریقه هنوز هم در ترکیه پیروان زیادی دارد.

۴۷-اگر چه نظامی در نظم مخزن الاسرار به حدیقه و در نظم سایر داستان ها بدون تردید به شاهنامه نظر داشته اما روی هم رفته به دلیل نوآوری هایی که در قلمرو ترکیب و معنی و ساختار دارد نمی توانیم او را وام دار شاعران پیش از خود بدانیم اجزای تشکیل دهنده ی جمله ی پایانی کدام است؟

۴۸-نبوغ حافظ در بهره گیری اعجازگونه از کلمات، تصویرپردازی ها، ایهام ها، زبان ظریف و طنز آمیز و مفاهیم عمیق عرفانی، شکوه و شوکتی به شعرش بخشیده است.

۴۹-سراینده ی شعر وصفی به یاری تخیل سازنده و قوی خود به عناصر بی جان طبیعت، پرندگان گل ها و دیگر موجودات، احساس و صفت بشری می بخشد.

۵۰-در دنیای عصر ما پر خوری و شهوت پرستی و تجمل گرایی کم ترینه ی مردم برای بیش ترینه ی آن ها جز گرسنگی و بینوایی و کژتابی و توسل به خشونت راه دیگری باقی نمی گذارد.

۵۱-و این سرزمین را سرشار خواهیم کرد از شادی

۵۲-خواندن متون ارزشمند ادبی را به من سفارش می کرد.

۵۳-دیروز تدریس معلم فیزیک با آزمایش های جالب برای دانش آموزان کلاس ما جذاب بود.

۵۴-ادب و فرهنگ ایران به خاطر جایگاه خاص و رسالت ویژه ی خود جلوه گاه دستاورد تلاش ها و کوشش های برجسته ترین افراد انسانی است.

۵۵-در حوزه ی صور خیال منوچهری، تشبیه استعاره و تشخیص به صورت های گوناگون عرصه ای فراخ دارد.

۵۶-پژوهشگران دل بستگی حکیم فردوسی به سرودن شاهنامه این میراث ارزشمند ادبی را برخاسته از پیوند روحی و تربیت خانوادگی این شخصیت بارز ادبی دانسته اند.

فعالیت درس نهم (جمله ی ساده و اجزای آن)

من این مطلب را از او آموختم. (یاد گرفتم) ← ۴ جزئی مفعولی متممی

آموختن من این مطلب را به او آموختم. (یاد دادم) ← ۴ جزئی مفعولی متممی

من مطلب را آموختم. (درک کرد) ← ۳ جزئی مفعولی

گرفتن:

دوجزئی	سه جزئی	چهار جزئی
خورشید گرفت (تاریک شد)	آب همه جارا گرفت (احاطه کرد)	طفل دستش را به دیوار گرفت (چسباند)
دل گرفت (غمگین شدم)	پلیس دزد را گرفت (دستگیر کرد)	او نان را از نانو گرفت (خرید)
لوله گرفت (مسدود شد)	صیاد آهو را گرفت (شکار کرد)	او کتاب را از دوستش گرفت (اخذ کرد)
عضلات دستم گرفت (منقبض شد)	او حرفم را گرفت (درک کرد - قبول کرد)	او هدیه را از معلم گرفت (پذیرفت)
کارش گرفت (رونق یافت)	او انتقام گرفت (کشید)	او از پدرش درس گرفت (آموخت)

گرفتم این کار مؤثر باشد (فرض کردم) مادر دست کودک را گرفت (چسبید ، حمایت کرد)
 ماهی را گرفت (صید گرفت)
 او حقش را گرفت (دریافت کرد)
 جلوی او را گرفت (مانع او شد)
 ماست گرفت (سفت شد)
 آتش گرفت (شعله ور شد)
 آب گرفت (یخ بست)
 صدایش گرفت (خفه و ناهنجار شد)

بیاموزیم شیوه ی بلاغی (جابه جایی ارکان دستوری)

نکته ۱: گروه های سازنده ی جمله به دو شیوه در کنار هم قرار می گیرند: ۱- شیوه ی عادی ۲- شیوه ی بلاغی.

نکته ۲: نقطه ی مقابل شیوه ی بلاغی ، شیوه ی عادی فرار داد.

نکته ۳: هرگاه ضمیر شخصی پیوسته جابه جا شود در جای اصلی خودش به کار نرود ؛ باز شیوه بلاغی است.

نکته ۴: هرگاه ساخت جمله ها به شیوه ی زیر باشد ؛ شیوه ی عادی است.

۱- نهاد + + فعل
 ۲- نهاد محذوف + + فعل
 ۳- قید + نهاد + + فعل
 ۴- قید + نهاد محذوف + + فعل

۱- در شیوه ی عادی اجزای سخن اصل بر چیست ؟

اصل بر این است که نهاد همه ی جمله ها در ابتدا و فعل در پایان قرار گیرد.

۲- شیوه ی بلاغی چیست ؟

آن است که اجزای کلام برای تأثیر بیشتر سخن ، بنابر تشخیص نویسنده جابه جا می شود تا شیوایی و رسایی کلام بیشتر شود

۳- هر یک از چهار جمله ی زیر ، به چه دلیل ، بلاغی هستند ؟

- ۱- الهی ، ترسانم از بدی خود ← چون فعل بر متمم مقدم شده است.
 - ۲- بزرگ مردی بود خواجه نظام الملک ← چون مسند در آغاز جمله و نهاد در پایان آن است .
 - ۳- به شکوفه ها به باران / برسان سلام ما را ← چون متمم مقدم شده است.
 - ۴- رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید. ← چون فعل بر نهاد مقدم شده است
- *نکته :** در هر چهار جمله ، ارکان دستوری از شیوه ی عادی خود خارج شده است.

۵- در بیت زیر ، از شیوه بلاغی استفاده شده است یا عادی ؟ ۰/۲۵

بی وفا نگار من ، می کند به کار من خنده های زیر لب ، عشوه های پنهانی
 طلوع می کند آن آفتاب پنهانی
 در یاب کون که نعمت هست به دست کاین دولت و ملک می رود دست به دست
 « بخواد هم از تو پدر کین من »

۶- چه عاملی در نوشته ی زیر منجر به شیوه ی بلاغی شده است ؟ ۰/۲۵ ← مقدم شدن متمم بر ارکان دیگر جمله .

به شکوفه ها به باران / برسان سلام ما را

۷- دلیل جابه جایی اجزای کلام در عبارت « الهی ، ترسانم از بدی خود » چیست ؟ ۰/۲۵

گیرایی و اثربخشی کلام بیشتر می شود.

۸- ویژگی های شیوه ی بلاغی را بنویسید.

۱- این شیوه بیش از این که دستوری باشد، به سبک نگارش نویسنده بستگی دارد و کاربردی ادبی دارد.

۲- جای اجزای جمله به تناسب حالات عاطفی تغییر می کند و بار معنایی خاصی می یابد.

۳- گیرایی و اثربخشی کلام بیشتر می شود.

خود آزمایی درس نهم

۱-

الف) از مصدرهای زیر به ترتیب ، ماضی مستمر ، آینده ، مضارع اخباری ، ماضی بعید ، بسازید و آن ها را در جمله هایی به کار ببرید.
 مصدر ماضی مستمر آینده مضارع اخباری ماضی بعید جمله با فعل مضارع
 اخباری گریستن داشت می گریست خواهد گریست می گرید گریسته بود کودک می گرید

فرستادن	داشت می فرستاد خواهد فرستاد می فرستد	فرستاده بود	او نامه را می فرستد
ترسیدن	داشت می ترسید	خواهد ترسید می ترسد	ترسیده
بود		او از تاریکی می ترسد	
نامیدن		داشت می نامید خواهد نامید	
می نامند		می نامد	نامیده بود آنها او را سهراب

ب) جمله ها را زیر نمودار بنویسید و تعداد اجزای اصلی آن ها را مشخص کنید.

کودک می گرید	او نامه را می فرستد
نهاد	نهاد
گزاره	گزاره
گروه اسمی	گروه اسمی
گروه فعلی	گروه اسمی
کودک	مفعول
می گرید	فعل
	او
	نامه را
	می فرستد

توضیح: با استناد به «دستور زبان فارسی ۱» تالیف دکتر وحیدیان با همکاری غلامرضا عمرانی (صفحه ۱۶) مصدر (فرستادن) سه جزئی گذرا به مفعول محسوب شده است.

او از تاریکی می ترسد	آنها او را سهراب می نامند
نهاد	نهاد
گزاره	گزاره
گروه اسمی	گروه اسمی
گروه فعلی	گروه اسمی
او	مفعول
از تاریکی	فعل
می ترسد	او را
	سهراب
	می نامند

پ) جمله ها را در صورت امکان مجهول کنید و علت مجهول نشدن بعضی از آن ها را بنویسید.

«گریستن» و «ترسیدن» مجهول نمی شوند زیرا گذرا به مفعول نیستند.

فرستادن: نامه فرستاده می شود. نامیدن: او سهراب نامیده می شود.

ت) آیا راه دیگری برای مجهول کردن آن ها می شناسید؟

بله، فعل آن ها را ابتدا با تکواژ سببی یا گذراساز «ان»، گذرا به مفعول می کنیم و سپس آن ها را مجهول می سازیم

مثل: گریستن ← گریاندن ← مریم طفل را گریاند ← طفل گریانده شد.

ترسیدن ← ترساندن ← مریم بچه را از گربه ترساند. ← بچه ترسانده شد.

۲- همه ی جمله ها، دو جزئی بدون فعل هستند.

جمله	جمله
نهاد	نهاد
گروه اسمی	گروه اسمی
صبح	گزاره
عیدتان	گروه اسمی
پیوندتان	به خیر
دست	مبارک
	مبارک
	خوش
	خدا
	حافظ

۳- تکلیف دانش آموزان است.

نمونه سوال نهایی درس به درس زبان فارسی ۳ از خرداد ۸۱ تا شهریور ۹۴

درس گروه فعلی

خرداد ماه ۱۳۹۴

۱- در عبارت زیر، کدام یک از زمان های داخل کمانک دیده نمی شود؟ ۰/۲۵

(مضارع التزامی - ماضی بعید - ماضی استمراری - ماضی التزامی)

« اسب در شکه اش توی جوی پهنی افتاده بود. پی در پی نفس می زد. می خواستند آن را بیرون بیاورند. »

۲- شکل ناگذر مصدر « بردن » را بنویسید. ۰/۲۵ رفتن

۳- ساختمان فعل کدام یک از جمله های زیر، مرکب است؟ ۰/۲۵ (لمس کرد)

*الف) او برگ گل را به آرامی لمس کرد.

ب) کار مداوم او را شاگرد اول دبیرستان کرد.

پ) این درس بزرگ را از آن استاد فرا گرفتیم.

۴- کدام یک از گزینه های زیر، شکل معلوم فعل جمله « این ملک مسکونی تا ماه آینده فروخته می شود. » است؟ ۰/۲۵

الف) خواهد فروخت ب) می فروخت پ) بفروشد *ت) می فروشد

شهریور ماه ۱۳۹۴

۵- مصدر « رهیدن » را گذرا کنید. ۰/۲۵ رهندن (رهانیدن) ص ۴۸ ۰/۲۵

۶- ساختمان فعل هر یک از جمله های زیر را بنویسید. ۰/۵

الف) رستم پس از ماجرای سیاوش، انتقال سختی از تورانیان گرفت. ۰/۲۵ الف) ساده

ب) بازیکنان تیم ملی، پرچم کشورمان را در عرصه جهانی برافراشتند. ۰/۲۵ ب) پیشوندی

۷- کدام یک از جمله های زیر، سه جزئی نیست؟ ۰/۲۵

*الف) کیبوتر از شاخه درخت پرید. ب) این داستان خواندنی است.

پ) فلانی از ساکنان این محل است. ت) با دانایان در آمیز.

۸- در جمله « کار یعنی خلاقیت و سازندگی » کدام واژه کار فعل را انجام می دهد؟ ۰/۲۵ یعنی

۹- فعل جمله زیر را مجهول کنید. ۰/۵ « سارا انشای خود را می نویسد. » نوشته می شود

۱۰- نمودار مناسب جمله زیر را رسم کنید و اجزای جمله را در آن قرار دهید. ۰/۷۵

« در هفته آینده با دوستان خود به کتابخانه ملی خواهیم رفت. »

خرداد ماه سال ۱۳۹۳

۱۱- با توجه به عبارت زیر، به پرسش ها پاسخ دهید.

« ملامتم می کردند که با این تصدیق گران قدر چرا در ایل مانده ای و عمر را به بطالت می گذرانی؟! بازگشتم؛ از دیدار عزیزانم محروم

ماندم. »

الف) زمان کدام یک از فعل ها، ماضی نیست؟ آن را بنویسید. ۰/۲۵ الف) می گذرانی

ب) یک فعل پیشوندی پیدا کنید و آن را بنویسید. ۰/۲۵ ب) بازگشتم

۱۲- شکل گذاری مصدر « ماندن » را بنویسید. ۰/۲۵ گذاشتن

۱۳- در جمله های زیر، فعل هایی که از مصدر « گرفتن » ساخته شده اند، از نظر معنا (کاربرد) با هم متفاوت دارند. ۰/۲۵

الف) خورشید گرفت. ب) خورشید که غروب کرد دلم گرفت. پ) هنگام دویدن، عضلات پایم گرفت

۱۴- با توجه به عبارت زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. ۰/۲۵

« انسان هر سال با یادآوری های نوروز به دامن مادر خود، طبیعت، باز می گردد. طبیعت به تکرار نیازمند است. نوروز تنها، فرصتی برای

آسایش و خوش گذرانی نیست. نوروز یعنی داستان زیبایی. »

یک جمله ی استثنایی پیدا کنید و آن را بنویسید.....< نوروز ؛ یعنی ، داستان زیبایی

۱۵- نمودار مناسب جمله ی زیر را رسم کنید و اجزای جمله را در آن قرار دهید. ۱

« سیاره ی ما ، زمین، تنها یک ماه دارد. » (به ذکر هسته ی گروه ها (سیاره) و (ماه) نیز نمره تعلق می گیرد.)

شهریور ماه ۱۳۹۳

۱۳- در عبارت زیر کدام یک از زمان های داخل کمانک ، به کار نرفته است؟ ۲۵ / ماضی نقلی (مضارع التزامی - آینده - * ماضی نقلی - ماضی ساده)

« یک روز این فکر به سر تزار افتاد که اگر بداند چه وقت کارها را شروع کند ، در هیچ کاری ناموفق نخواهد بود. »

۱۷- کدام یک از فعل های داخل کمانک، پیشوندی نیست؟ (برگماشت - بازگردانید - * یادگرفت - فراگرفت) ۲۵ /

۱۸- کدام یک از جمله های استثنایی زیر دوجزئی نیست؟ ۲۵ /

۱۹- الف) زیارت قبول (ب) مرحمت شما زیاد (پ) دو دو تا چهار تا * (ت) کار یعنی خلایق
شکل گذرای مصدر «دویدن» چیست؟ ۲۵ / دواندن یا دوانیدن

۲۰- نمودار مناسب جمله ی زیر را رسم کنید و اجزای جمله را در آن قرار دهید. ۲۵ /

« گل های رنگارنگ جلوه ی بی مانندی به شهر می دادند. »

(به ذکر هسته های گروه های نهادی (گل) و مفعولی (جلوه) نیز نمره تعلق می گیرد.)

دی ماه ۱۳۹۳

۲۱- کدام یک از جمله های زیر، استثنایی نیست؟ ۲۵ /

الف) عیدتان مبارک * (ب) زندگی عقیده است (پ) سلام (ت) کار یعنی خلایق.

۲۲- زمان فعل « داشتند می رفتند » چیست؟ ۵ / ماضی مستمر

۲۳- شکل گذاری هر یک از مصدرهای روبه رو را بنویسید.

الف) رفتن کردن : (ب) خوابیدن..... خواباندن یا خوابانیدن

۲۴- در هر یک از جمله های زیر، ساختمان فعل را مشخص کنید. ۵ /

الف) منوچهر روی تخت دراز کشید مرکب . (ب) تجربه های بسیاری از سفر فراگرفتیم..... پیشوندی

۲۵- نمودار مناسب جمله زیر را رسم کنید و اجزای جمله را در آن قرار دهید. ۲۵ /

« نادان هیچ کس را هم طراز خویش نمی بیند. »

شهریور ماه ۱۳۹۲

۲۶- اجزای تشکیل دهنده ی کدام یک از جمله های زیر، بیشتر است؟ ۲۵ /

*الف) زندگی یعنی عقیده. (ب) دو دو تا چهار تا. (پ) شب خوش. (ت) به امید دیدار.

۲۷- در کدام جمله مسند به صورت حرف اضافه و متمم آمده است؟ ۲۵ /

*الف) او از دوستان شما بود. (ب) او از کتاب خانه آمده بود. (پ) او از دوستش رنجیده بود.

۲۸- ساختمان فعل را در هر یک از جمله های زیر مشخص کنید.

الف) سحر به آرامی برگ گل را لمس می کند. ۲۵ /

(ب) ورزشکاران ایرانی پرچم پرافتخار ایران را در مسابقات جهانی برافراشتند. ۲۵ /

۲۹- شکل گذراشده ی مصدرهای زیر را بنویسید. ۵ / الف) خوابیدن ← خواباندن (خوابانیدن) (ب) افتادن ← انداختن

۳۰- زمان فعل « داشتید می رفتید » را بنویسید. ۵ / ماضی مستمر

۳۱- نمودار مناسب جمله ی زیر را رسم کنید و اجزای جمله را در آن قرار دهید. ۲۵ /

« گل های رنگارنگ جلوه ی بی مانندی به شهر ما می دهند. »

(به ذکر هسته ی گروه نهادی(گل)وهسته ی گروه مفعولی(جلوه)وهسته ی گروه متممی(شهر) نیز نمره تعلق می گیرد.)

دی ماه ۱۳۹۲

۳۲- اجزای تشکیل دهنده ی کدام یک از جمله های استثنایی زیر، کمتر است؟ ۲۵ /

الف) زندگی یعنی عقیده (ب) دو دو تا چهار تا (پ) شب خوش * (ت) به امید دیدار

۳۳- در کدام جمله متمم اسم به کار رفته است؟ ۰/۲۵

(الف) او از دوستان سحر است. * (ب) علاقه ی او به هنر زیاد است. (پ) او از دوستش رنجید.

۳۴- در کدام گزینه، پیشوند هیچ معنای تازه ای به فعل ساده نمی افزاید؟ ۰/۲۵

* (الف) برافراشتن (ب) برآمدن (پ) برگشتن (ت) برداشتن

۳۵- نمودار مناسب جمله ی زیر را رسم کنید و اجزای جمله را در آن قرار دهید. ۱ / ۲۵

« این درس بزرگ را از آن دوست دانا آموختم . »

(به ذکر هسته ی گروه ها (درس) و (دوست) نیز نمره تعلق می گیرد.)

خرداد ماه سال ۱۳۹۱

۳۶- با توجه به عبارت زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

« پاکبازان واقعی ، در روابط انسانی بی تفاوتی را جایز نمی شمارند و اگر پیشامد ناگواری برای هم نوعانشان روی دهد، از منافع خویش در می گذرند. »

(الف) ساختمان کدام فعل ، مرکب است؟ ۰/۲۵

روی دهد

(ب) ساختمان کدام فعل ، پیشوندی است؟ ۰/۲۵

در می گذرند

(پ) نقش دستوری واژه ی « خویش » را بنویسید. ۰/۲۵

مضاف الیه

۳۷- با توجه به جمله ی زیر موارد خواسته شده را بنویسید. : ۰/۵

« نویسنده در این داستان با زبان طنز آمیز، به نکوهش ویژگی دورویی می پردازد. »

(الف) یک متمم اختیاری (قیدی) : این داستان (ب) یک متمم اجباری (فعلی) : نکوهش دورویی

۳۸- نمودار مناسب جمله ی زیر را رسم کنید و اجزای جمله را در آن قرار دهید. ۱ / ۲۵

« مطالعه ی ادبیات سرزمین ها ، چگونگی تحولات فرهنگی ملت ها را به نسل جوان ما می آموزد. »

۳۹- فعل « داشتیم می دویدیم » را با حفظ شخص به زمان « مضارع التزامی » بگرد. بدویم

شهریور ماه سال ۱۳۹۱

۴۰- فعل جمله ی « برگ از درخت افتاد » را گذرا کنید.

انداخت

۴۱- زمان فعل مشخص شده در جمله ی زیر را بنویسید. ۰/۲۵

مضارع التزامی

« اصلان گاری اش را آورده بود کنار استخر تا با کدخدا برونند خاتون آباد. »

۴۲- در هر یک از جمله های زیر ساختمان فعل را مشخص کنید

(الف) آل بویه، پسر خلیفه را به جای او برگماردند. ۰/۲۵

پیشوندی

(ب) نیلوفر با انگشتان کوچکش ، گلبرگ لطیف گل را لمس می کند. ۰/۲۵

مرکب

(پ) تک و تنها با فانوس روشنش روی پشت بام طویله نشسته بود. ۰/۲۵

ساده

۴۳- در کدام جمله مسند به صورت « حرف اضافه و متمم » آمده است؟ ۰/۲۵

* (الف) مریم از دوستان ما بود. (ب) منوچهر از مدرسه آمده بود. (پ) محسن از دوستش رنجیده بود.

۴۴- کدام یک از جمله های استثنایی زیر دو جزئی است؟ ۰/۲۵

* (الف) شب خوش (ب) زندگی یعنی عقیده (پ) به امید دیدار

۴۵- در جمله ی « مهارت زهرا در تدریس ، از افتخارات اوست. » کدام واژه متمم اسم است؟ ۰/۲۵

تدریس

۴۶- نمودار مناسب جمله ی زیر را رسم کنید و اجزای جمله را در آن قرار دهید. ۱ « پرچم علم و دانش را برافرازیم. »

دی ماه سال ۱۳۹۱

۴۷- کدام یک از جمله های زیر، استثنایی سه جزئی است؟ ۰/۲۵

(الف) مریم از دوستان ما بود. * (ب) زندگی یعنی عقیده. (پ) به امید دیدار.

۴۸- زمان فعل های مقابل را بنویسید. الف) نمی خواندند (ب) دارم می روم ۰/۵
الف) ماضی استمراری (ب) مضارع مستمر ۱/۵

۴۹- جمله ی « کودک خواهید » را گذرا کنید. ۰/۵ - کودک را خوابانید. (خواباند) ۰/۵

۵۰- نمودار مناسب جمله ی زیر را رسم کنید و اجزای جمله را در آن قرار دهید. ۱/۲۵

« این کتاب را از کدام کتاب فروشی خریده ای ؟ »

(به ذکر هسته های گروه مفعولی (کتاب) و گروه متممی (کتاب فروشی) نیز نمره تعلق می گیرد.) رسم صحیح نمودار

خرداد ماه سال ۱۳۹۰

۵۱- از فعل « رسیده بودند » با حفظ شخص، زمان « مضارع مستمر » بسازید. ۱/۲۵ دارند می رسند

۵۲- انواع متمم را در جمله های زیر مشخص کنید.

الف- علاقه ی او به مطالعه تحسین برانگیز است. ۰/۲۵ متمم اسم

ب- اطراف حیاط مدرسه به شکل زیبایی گل کاری شده بود. ۱/۲۵ متمم قیدی (اختیاری)

پ- نیلوفر، گلبرگ های لطیف خود را به باد سپرد. ۱/۲۵ متمم فعلی (اجباری)

۵۳- نمودار مناسب جمله ی زیر را رسم کنید و اجزای جمله را در آن قرار دهید. ۱/۲۵

« عطار نیشابوری ، قدرت بیان فرزند بهاء ولد را شایسته ی تحسین دید. »

به ذکر هسته های گروه های اسمی (عطار ، قدرت ، شایسته) نیز نمره تعلق می گیرد.

شهریور ماه سال ۱۳۹۰

۵۴- از فعل « خوانده اند » با حفظ شخص، زمان « ماضی مستمر » بسازید. ۰/۲۵ داشتند می خواندند

۵۵- شکل گذرای مصدر « ماندن » را بنویسید. ۰/۲۵ گذاشتن

۵۶- در جمله ی « مهارت شما در قرائت قرآن قابل تحسین است. » متمم اسم را مشخص کنید. ۰/۲۵ قرائت قرآن یا قرائت

۵۷- جمله ی « به امید دیدار » چند جزئی است؟ ۰/۲۵ یک جزئی استثنایی

۵۸- نمودار مناسب جمله ی زیر را رسم کنید و اجزای جمله را در آن قرار دهید « منتقدان، گاهی به بررسی زیبایی های آثار بزرگ ادبی می

پردازند. »

دی ماه سال ۱۳۹۰

۵۹- کدام یک از ویژگی های زیر درباره ی فعل « می نشانیدیم » نادرست است؟ ۰/۲۵

الف) اول شخص جمع (ب) ماضی استمراری (پ) معلوم (ت) ناگذر

۶۰- در کدام یک از مصدرهای زیر، افزودن پیشوند « بر » تفاوت معنایی ایجاد می کند؟ ۰/۲۵

*الف) انداختن (ب) افراشتن

۶۱- با توجه به عبارت زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

« او بسیار به خود می بالد، زیرا از جوانان ایرانی است و علاقه ی زیادی به کار دارد. »

الف) گروه مسندی را بنویسید. ۰/۲۵ از جوانان ایرانی

ب) کدام واژه « متمم اسم » است؟ ۰/۲۵ کار

پ) کدام واژه « متمم فعل » است؟ ۰/۲۵ خود

۶۲- جمله ی « سنگ از کوه افتاد. » را گذرا کنید. ۰/۵ سنگ را از کوه انداخت

۶۳- از مصدر « نگرستن » سوم شخص جمع در زمان مضارع مستمر بسازید. ۰/۵ دارند می نگرند

۶۴- جمله ی « هفته ی آینده کتاب را خواهیم فرستاد. » را مجهول کنید. ۰/۵ هفته ی آینده کتاب فرستاده خواهد شد

۶۵- نمودار مناسب جمله ی زیر را رسم کنید و اجزای جمله را در آن قرار دهید. ۱/۲۵

« گروهی از منتقدان ، توجه به شعر و ادب را عامل رشد عاطفی می شمارند. »

۶۶- با توجه به عبارت زیر به پرش ها پاسخ دهید.

« او بسیار به خود می بالد، زیرا از جوانان ایرانی است و علاقه ی زیادی به کار دارد. »

الف) گروه مسندی را بنویسید. ۰/۲۵ (ب) کدام واژه « متمم اسم » است؟ ۰/۲۵ (پ) کدام واژه « متمم فعل » است؟ ۰/۲۵
شهریور ماه ۱۳۸۹

۶۷- با توجه به جمله ی : « شب هنگام، به ماه تابناک آسمان بنگرید. »

الف) جمله چند جزئی است؟ ۰/۲۵ (ب) نمودار جمله را رسم کنید و اجزای اصلی جمله را در نمودار قرار دهید. ۱
(پ) کدام گروه قابل حذف است؟ ۰/۲۵

۶۹- جمله ی زیر را با گذرا کردن فعلش دوباره نویسی کنید. ۰/۵

« دانش آموزان این مدرسه، برای شرکت در مسابقه، به اردو می روند. »

۷۰- با توجه به جمله ی زیر به هر یک از سوال پاسخ دهید.

« دبیر محترم ادبیات فارسی یک بیت شعر از نویسنده ی کتاب موسیقی شعر، دکتر شفیع کدکنی، خواند. »
فعل جمله را با حفظ شخص به « مضارع مستمر » تبدیل کنید. ۰/۲۵

۷۱- در جمله ی « شرایط کارآموزی در این آموزشگاه را از صاحب نظر آن ، باید فرا گرفت » فعل جمله چه ساختمانی دارد؟
دی ماه سال ۱۳۸۹

۷۲- جمله ی زیر را تبدیل به ناگذر کنید. ۰/۵

« خواندن آیات الهی، خشم و نفرت را از خانه ها می برد. » <.....> خشم و نفرت از خانه ها می رود.

۷۳- با توجه به جمله ی : « با خواندن داستان های پیامبران ، درس زندگی را فرا می گیریم. »

الف) ساختمان فعل جمله را بررسی کنید. ۰/۲۵ <.....> پیشوندی
ب) فعل جمله را با حفظ شخص تبدیل به ماضی استمراری کنید. ۰/۲۵ <.....> فرا می گرفتیم
پ) نمودار مناسب جمله را رسم کنید و جمله را در نمودار قرار دهید. ۱ <.....> رسم صحیح نمودار

خرداد ماه سال ۱۳۸۸

۷۴- با توجه به جمله ی « قطرات شبنم لبخندزان بر روی برگ گل می نشستند. » به سوالات زیر پاسخ دهید.

الف- فعل جمله را با حفظ شخص به « مضارع مستمر » تبدیل کنید. ۰/۲۵ <.....> دارند می نشینند

ب- فعل جمله (می نشستند) را گذرا کنید. ۰/۲۵ <.....> می نشاندند یا می نشاندند

پ- آیا می توان فعل جمله را به صورت مفرد به کار برد؟ چرا؟ ۰/۵ <.....> خیر زیرا دارای جان بخشی است.

۷۵- در جمله ی « حافظ از شاعران بزرگ جهان است. » متمم به جای کدام نقش آمده است؟ ۰/۲۵ <.....> مسند

۷۶- جمله ی « به امید دیدار » چه نوع جمله ی استثنایی است؟ ۰/۲۵ <.....> یک جزئی بی فعل

۷۷- نمودار مناسب جمله ی زیر را رسم کنید و جمله را در نمودار قرار دهید. ۱

« هر صبح و شام به مظاهر لطف الهی می نگریم. » رسم صحیح نمودار ۱

شهریور ماه ۱۳۸۸

۷۸- وجه فعل جمله ی « باید دوستان، به خانه ی شما بیایند » را بنویسید. ۰/۲۵

۷۹- با توجه به جمله ی : « مادر بزرگ مهربان من در خانه ی ما می ماند. » فعل جمله را گذرا کنید. ۰/۲۵

۸۰- جمله ی « امروز پیام تبریکی برای موفقیت دوستم می فرستم » را مجهول کنید. ۰/۵

۸۱- با توجه به عبارت زیر به هر یک از سوالات داده شده پاسخ دهید.

« شاعر پرآوازه ی شیراز، حافظ ، با بیان مضامین عمیق عاشقانه - عارفانه، ما را از توجه به ظواهر دنیوی رها کرده است. »

الف) فعل جمله را با حفظ شخص تبدیل به مضارع التزامی کنید. ۰/۲۵

ب) نمودار مناسب جمله ی فوق را رسم کنید و جمله را در نمودار قرار دهید. ۱ / ۲۵

۸۲- امروز پیام تبریکی برای موفقیت دوستم فرستاده می شود. ۰/۵

خرداد ۱۳۸۷

الف) فعل « پاشیده بودند » را مجهول کنید. (با همین زمان و شخص) ۰/۵

ب) هر یک از واژه های مشخص شده از نظر ساختمان چگونه اند؟ ۰/۷۵

پ) فعل جمله ی آخر ساده است یا مرکب ؟ چرا؟ ۰/۷۵

۹۷- نمودار جمله ی « خاطرات تلخ و شیرین زندگی، پیمانه ی حیات آدمی را پر می سازند. » را رسم کنید و اجزای اصلی آن را نشان

دهید. ۱

شهریور سال ۱۳۸۵

۹۸- به جمله ی « هنگام غروب، خورشید سرخی دلپذیر خود را به آسمان می دهد. » دقت نمایید و به سوالات پاسخ دهید:

الف) جمله چند جزئی است؟ اجزای اصلی آن را به زیر نمودار درختی ببرید. ۱/۲۵

۹۹- با توجه به جمله ی: « ققنوس بر روی تل هیزم خود نشسته بود. »

الف) زمان و شخص فعل آن را بنویسید. ۰/۵
ب) جمله را به طور کامل گذار به مفعول کنید. ۰/۵

خرداد ماه ۱۳۸۴

۱۰۰- با توجه به عبارت زیر: « باران می بارید. ریزش آب از ناودان و بوی تند گاه گل او را بی تاب می کرد. »

الف) واژه ی « گاه گل » از نظر ساختمان چه نوع کلمه ای است؟ ۰/۵
ب) فعل « می بارید » را به صورت ماضی مستمر بنویسید.

۶- جمله ی زیر، چند جزئی و گذار به چیست؟ ۰/۵
« مادر کنار فرزند اشک شوق می ریزد. »

۱۰۱- در جمله ی زیر، متمم اسم را پیدا کنید. ۰/۵
« نفرت از بیگانگان در دل هر انسان آزاده ای نهفته است. »

۱۰۲- در نوشته ی زیر نوع افعال را از نظر ساختمان (ساده، پیشوندی و مرکب) را بنویسید. ۰/۵

« او با سخنان دلنشین خود به ما امید می داد و به تلاش بیشتر وامی داشت. »

۱۰- فعل جمله های زیر را گذرا کنید. ۰/۵
الف) پرنده از روی شاخه ی درخت پرید.
ب) برگی روی زمین افتاد.

۱۰۳- در جمله ی زیر، کدام واژه را معادل فعل « است » محسوب می کنیم؟ ۰/۲۵

« شناخت یعنی جدا کردن ارزنده از بی ارزش در همه ی شئون زندگی. »

شهریور ۸۴

۱۰۴- با توجه به عبارت « ققنوس به آرامی بر توده ی هیزم نشست. » : ۱

الف- با افزودن تکواژ متعدی ساز، فعل جمله را متعدی کنید.
ب- جمله را به صورت مجهول بنویسید.

۱۰۵- افعال مشخص شده در عبارت زیر، از نظر ساختمان چگونه اند؟ ۰/۵

« گاندی سال های زندگی اش را در پانسیون های ارزان قیمت گذراند و از معاشرت با سفیدپوستان روی برتافت. »

۱۰۶- با توجه به نوشته ی زیر: « خانواده ام چادر نشین بودند و سراسر عمرشان را در چادر باز عشایری گذرانده بودند، بنابراین زندگی

در اتاقکی تنگ برایشان دشوار بود. » زمان و نوع فعل « گذرانده بود » چیست؟ ۰/۵

دی ماه سال ۱۳۸۴

۱۰۷- با توجه به عبارت زیر: ققنوس، پرنده ی تاریخ ساز که از شرق بر می خیزد و در آسمان بی رویا و کابوس وار ملت ها، بال هایش

را می گشاید.

الف) یک واژه ی مرکب بیابید.
ب) فعل جمله ی اول از نظر ساختمان چگونه است؟

پ) کدام جمله ی عبارت « گذرا » و کدام « ناگذر » است؟
ت) فعل جمله ی دوم را به صورت ماضی استمراری بنویسید.

۱۰۸- نام اجزای اصلی را در جمله ی زیر بنویسید. ۱
پدرم لیسانسم را به دیوار گچ فرو ریخته ای اتاقمان آویخت.

خرداد ماه سال ۱۳۸۳

۱۰۹- با توجه به عبارت زیر به سوالات مطرح شده پاسخ دهید. ۲

« جامعه با تکرار نیرومند می شود. احساس با تکرار جان می گیرد و نوروز داستان زیبای طبیعت است. »

الف- زمان و نوع فعل « می شود » را بنویسید.
ب- فعل « می گیرد » را مجهول کنید.

۱۱۰- با توجه به عبارت زیر:

« شش روز از ماندن ما در بیشه می گذشت، هنگام ظهر، آرام و بی صدا به درختی تکیه داده، در اندیشه ای فرو رفته بودیم. » ۱

الف - ساختمان افعال را مشخص کنید. ب - در دو جمله ی پایانی عبارت، حذف فعل به چه قرینه ای است؟

شهریور ماه ۱۳۸۳

۱۱۱- جمله ی « رزمندگان پیروز گردیدند. » را به جمله ی « چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند » تبدیل کنید. ۰/۷۵

۱۱۲- با توجه به عبارت زیر: « نشاطی دوباره در میان مسافران افتاد. همه نیروی تازه یافته بودند. از هر دری سخن می گفتند، سخن هایی از خاطرات شیرین و رنگین. »

الف- فعل « یافته بودند » از نظر ساختمان چه نوع فعلی است؟ ۰/۲۵

ب- در دو جمله ی پایانی عبارت، کدام فعل حذف شده است؟ به چه قرینه ای؟ ۰/۵

دی ماه سال ۱۳۸۳

۱۱۳- از مصدر « خوردن » مضارع مستمر، دوم شخص مفرد بسازید. ۰/۵

۱۱۴- فعل های « پرید » و « رفت » را گذرا کنید. ۰/۵

۱۱۵- جمله ی « شعر یعنی کلام خیال انگیز » چه نوع جمله ای است؟ نمودار آن را رسم کنید. ۱

خرداد ماه سال ۱۳۸۲

۱۱۶- در جمله های زیر نوع افعال را از نظر ساختمان (ساده، پیشوندی و مرکب) مشخص کنید. ۰/۵

« او با سخنان دلنشین خود، ما را به آینده امیدوار کرد و به تلاش بیشتر واداشت. »

شهریور ماه ۱۳۸۲

۱۱۷- در جمله های زیر ساختمان فعل ها را مشخص کنید. ۰/۵

الف- خانه ی علی آتش گرفت. ب- کجداشتی می رفتی؟

۱۱۸- جمله ی زیر چهار جزیی است، نام اجزای اصلی آن را بنویسید. ۱ « اهل بیابان چنین هوایی را گرگ و میش می نامند. »

دی ماه ۱۳۸۲

۱۱۹- فعل جمله ی « دوستان من آمدند » را گذرا کنید. ۰/۵

۱۲۰- با توجه به عبارت زیر به سوالات پاسخ دهید: ۲

من زندگانی را در چادر و یا شیشه ی اسب آغاز کردم، در چهار سالگی پشت قاش زین نشستم. چیزی نگذشت که تفنگ خفیف به دستم دادند. تا ده سالگی حتی یک شب هم در شهر به سر نبردم.

الف- چرا فعل « آغاز کردم » مرکب است؟ ب- هر یک از جمله های مشخص شده چند جزیی و گذرا به چه هستند؟

ج- فعل مشخص شده از نظر ساختمان چه نوع فعلی است؟

خرداد ۸۱

۱۲۱- جمله ی « کار یعنی خلاقیت و سازندگی » چه نوع جمله ای است؟ نمودار آن را رسم کنید. ۱

۱۲۲- به کمک مصدر های « گرفتن » و « گرداندن » فعل پیشوندی بسازید. ۰/۵

۱۲۴- با توجه به عبارت زیر به سوالات پاسخ دهید: ۱/۵

نور خورشید می تابید، هوا آفتابی بود. بیشتر مردم در پارک ها نشسته بودند.

الف- زمان و نوع فعل های مشخص شده را بنویسید. ب- جمله ی « هوا آفتابی بود » چند جزئی و گذرا به چیست؟

۱۲۵- جمله ی « کودک خوابید » را گذرا به مفعول کنید. ۰/۵

شهریور ماه سال ۸۱

۱۲۶- فعل جمله ی « کودک روی زمین نشست » را گذرا به مفعول کنید. ۰/۵

۱۲۷- نقش قسمت مشخص شده را بنویسید. « حافظ، شاعر بزرگ ایران، شهرت جهانی دارد. » ۰/۵

۱۲۸- فعل جمله ی « کودک روی زمین نشست » را گذرا به مفعول کنید. ۰/۵

۱۲۹- نقش قسمت مشخص شده را بنویسید. « حافظ، شاعر بزرگ ایران، شهرت جهانی دارد. » ۰/۵

۱۳۰- با توجه به متن زیر به سوالات پاسخ دهید: ۲ / ۲۵

« در گنجه ی کوچک کلمانسو سه کلاه می بینید . یکی شاپوی اوست که کلاه رسمی او بود. دیگری کپی اوست که هنگام گردش به سر می گذاشت. »

- الف- زمان و نوع فعل مشخص شده را بنویسید. ب- در جمله ی اول مفعول کدام است؟
پ- یک اسم مشتق پیدا کنید. ت- گروه اسمی « کلاه رسمی » چند تکواژ و چند واژه دارد؟
ث- فعل « می بینید » را به صورت ماضی بعید درآورید.

۱۳۱- جمله ی « ما به مشاهیر بزرگ خود می نازیم » گذرا به چیست؟ نمودار این جمله را رسم کنید. ۱/۲۵

دی ماه سال ۱۳۸۱

۱۳۲- جمله ی « او از تاریکی می ترسد » را با گذرا کردن فعلش بازنویسی کنید. ۰/۵

۱۳۳- نمودار جمله ی « مردم او را پهلوان می نامند » را رسم کنید. ۱

۱۳۴- حرف اضافه ی ویژه ی مصدرهای روبرو را بنویسید. الف- جنگیدن ب- برخوردن ۰/۵

سر سبز یاشید



درس هشتم زندگی نامه نویسی

۱. زندگی نامه چیست؟ زندگی نامه گونه ای از نوشته های تشریحی است. که به شرح تاریخ زندگی افراد می پردازد.

۲. زندگی نامه گونه ای از نوشته های.....است. تشریحی

۳. برای نوشتن زندگی نامه ی هریک از بزرگان کشور چه باید کرد؟

باید اطلاعات گوناگون و پراکنده را در کمال دقت و صحت و صداقت گردآوری و تنظیم کرد.

۴. روش های گردآوری اطلاعات را برای نوشتن زندگی نامه نام ببرید؟

۱- مشاهدات شخصی ۲- پرسش از افراد مطلع ۳- مطالعه آثار کسی که زندگی نامه او را می نویسم و برداشت کردن از آن ها ۴- استفاده از منابع کتاب خانه ای مانند: کتاب های شرح حال، تذکره، یادنامه ها و ...

۵. از منابع کتاب خانه ای که در نوشتن زندگی نامه مورد استفاده قرار می گیرد، دو نمونه نام ببرید؟

کتاب های شرح حال، سیره و مغازی، تذکره، کتب رجال، یادنامه ها، دایره المعارف ها، اطلس های تاریخی، فرهنگ ها، مجلات و روزنامه ها (ذکر دو مورد کافی است)

۶- در نوشتن زندگی نامه از کدام مهارت های نگارشی می توان بهره برد؟

توصیف، تشریح، ساده نویسی، آغاز، پایان و عنوان مناسب

۷- برای طرح یک زندگی نامه سه پرسش بنویسید.

۱- تاریخ تولد، خانواده، شهرت ۲- مراحل رشد و نمو در کودکی و نوجوانی ۳- اندیشه ها و افکار

۸- برای این که زندگی نامه حالتی معمول و عادی نداشته باشد، به چه گونه می توان نوشت؟

می توانیم آن را به گونه ای متفاوت آغاز کنیم مثلا: ۱. باشیوه ی طرح یک سوال ۲. با شیوه ی رمان گونه یا داستان وار

۹- در متن زیر نویسنده برای این که نوشته را از حالت معمول و عادی بیرون آورد، از چه شیوه ای استفاده کرده است؟ ۲۵/۰

«اصلاحگر بود یا قدیس یا سیاستمداری بی پروا؟ در نظر اکثریت جهانیان «موهانداس . ک. گاندی» اصلاحگری انقلابی بود. پیروانش در وی چون قدیسی می نگریستند ولی در چشم بسیاری از کارمندان اداری و نظامی بریتانیا، وی سیاستمداری بی پروا بود.»

شیوه ی طرح سوال

۱۰- شکل رمان گونه را در نوشتن زندگی نامه توضیح دهید؟

در این گونه آثار، نویسنده سعی می کند براساس مستندات تاریخی و با اتکا به واقعیت های موجود، زندگی یکی از بزرگان را در قالب یک ماجرا بنویسد.

۱۱- در زندگی نامه هایی که شکلی کاملاً رمان گونه دارند، نویسنده سعی می کند بر اساس و با اتکا

زندگی یکی از بزرگان را در قالب یک ماجرا بنویسد.

۱۲- در نوشته ی زیر که بخشی از زندگی نامه ی ملا صدرا ی شیرازی است، نویسنده از چه شیوه ای بهره برده است؟

«ابراهیم نگاه را از لای در گذراند و به محمد انداخت. محمد با چشمان بسته سخن می گفت. اما چاره ای نبود. لای چشم ها را آهسته باز کرد و گفت: عاقبت این نور مرا کور خواهد کرد. پدر در را تمام گشود؛ با چاشنی خشونت.»

۱۳- چه چیزی ممکن است از جنبه ی تاریخی زندگی نامه بگاهد؟ رنگ ادبی زندگی نامه

۱۴- چرا باید دقت کرد تا رنگ ادبی زندگی نامه از جنبه تاریخی آن نگاهد؟

زیرا اغراق و بزرگ نمایی هنگام توصیف ممکن است نویسنده را از واقعیت دور سازد.

۱۵- در نوشتن زندگی نامه چه عاملی نویسنده را از واقعیت دور می کند؟ اغراق و بزرگ نمایی

۱۶- چه ویژگی هایی در نویسنده سبب می شود که یک زندگی نامه اعتبار داشته باشد؟ امانت و دقت نویسنده

۱۷- چرا در نوشتن یک زندگی نامه، اغراق و بزرگ نمایی تأثیر منفی دارد؟ زیرا نویسنده را از واقعیت دور می کند.

۱۸- چرا در نوشتن یک زندگی نامه باید به واقعیات زندگی شخص مورد نظر تکیه کرد؟

به این جهت که زندگی نامه از نظر تاریخی و فرهنگی اعتبار داشته باشد.

۱۹- در هنگام نگارش زندگی نامه چه نکاتی را باید در نظر داشت؟

۱. رعایت نکات فنی ۲. رعایت امانت و دقت ۳. تکیه بر واقعیات و دوری از حدس و گمان ۴. دوری از تعصب و غرض ورزی

۲۰- زندگی نامه ها چه زمانی سهم و ارزش خود را در پژوهش های تاریخی و فرهنگی حفظ می کنند؟

زمانی که به دوراز تعصب و غرض ورزی نوشته شوند.

۲۱- چرا باید زندگی نامه دور از تعصب و غرض ورزی نوشته شود؟

زیرا باید بتواند سهم خود را در پژوهش های تاریخی و فرهنگی حفظ کند.

۲۲- چه ویژگی نویسنده به یک زندگی نامه اعتبار می بخشد؟ امانت و دقت نویسنده

۲۳- به سبب کدام ویژگی ها تاریخ بیهقی از دیگر کتب تاریخ ممتاز شده است؟ امانت و دقت نویسنده در نگارش کتاب

- * کتاب " مردی در تبعید ابدی " نوشته نادر ابراهیمی درباره ی زندگی ملاصدرای شیرازی است به شیوه ی رمان گونه .
- * کتاب " شعله ها ی نبوغ " نوشته ی لوول تامس در باره ی زنگی گاندی است که محمد سعیدی آن را ترجمه کرد.
- * کتاب " پله پله تا ملاقات خدا " نوشته ی عبدالحسین زرین کوب درباره ی زندگی مولانا به شیوه ی رمان گونه است.

بیاموزیم

۱. فاصله ی میان واژه ای چیست ؟ بین واژه ها فاصله معینی وجود دارد که به آن " فاصله ی میان واژه ای " می گویند .
۲. حفظ «فاصله ی میان واژه» ها نشانه ی چیست؟ استقلال واژه ها از یکدیگر
۳. رعایت نکردن فاصله ی میان واژه ای باعث ... : بدخوانی و بد فهمی مطالب می شود.
۴. فاصله ی بین واژه های یک متن، تقریباً چند برابر فاصله ی حرف های یک واژه است؟ تقریباً دو برابر
۵. منظور از فاصله و نیم فاصله در اصطلاح حروف چین ها چیست ؟
- حروف چین ها به فاصله میان واژه ای فاصله و به فاصله ی میان حرفی نیم فاصله می گویند.
۶. فاصله ی میان حرفی چیست ؟ فاصله ی معین بین حروف یک واژه
۷. در عبارت زیر چند فاصله ی میان واژه ای و چند فاصله ی میان حرفی وجود دارد ؟

سرتاسر باغ چهل ستون را گشتم .

فاصله ی میان واژه ای : ۴ مورد (سرتاسر - باغ - چهل ستون - را - گشتم)

فاصله ی میان حرفی : ۶ مورد (سر - تا - سر / با - غ / چهل - ستون - ر - ا)

- * فاصله ی اجزای (حروف) واژه های مرکب، مشتق ، مشتق - مرکب ، وند های صرفی و فعل های کمکی تابع قاعده ی فاصله ی میان حرفی است . مانند : بررسی ، دانش آموز ، داوطلب ، سواد آموزی ، سرتا سر ، شترسوار ، دادستان ، ناخوانا ، کتاب ها ، زنده رود ، سی وسه پل ، چهل ستون ، برگشتن ، دست مایه ، دانش آموزی ، بزرگ تر ، رفته است ، خواهد آمد ، گزارش نویسی ، خواسته بود ، گرفته شد .
- * فاصله ی بین واژه های ساده ، مرکب ، مشتق ، مشتق - مرکب تابع قاعده ی فاصله ی میان واژه ای است . مثل متن های سؤال و جواب نوشته شده در این صفحه یا متن های دیگر .
- * با توجه به معیار شناخت فاصله ی میان واژه ای و فاصله ی میان حرفی می توانیم واژه ها و مرز آن ها را مشخص کنیم و آن ها را از هم جدا کنیم و ساخت آن ها را تشخیص دهیم .

نامطابق های املائی

درس دهم

ردیف	نامطابق ها	مثال	توضیح
۱	«خوا» /خا/	خواب، خواهر، خواهان، خوار	این کلمات در فارسی امروز محدود هستند.
۲	«ست» و «شت/س/ا/ش/	ماست بند ، دستیار، درست کار ، مَشت زنی، پستیچی ، پشتکار، دست گیره	«ست» و «شت» در این کلمات و مشابه آن ها به صورت س/ا/ش/ تلفظ می شوند.

۳	«نب» / مب /	پنبه، شنبه، دنبال، زنبور، منبع، انبار	«ن» در این کلمات و مشابه آنها به صورت /م/ تلفظ می شود.
۴	«جت» / اشت /	اجتماع، اجتناب، مجتمع، پنج تا، مجتبی	«ج» در این کلمات و مشابه آن ها به صورت /ش/ تلفظ می شود

۱- نامطابق های املائی چیست ؟ آن است که شکل املائی (نوشتاری) واژه ها با تلفظ (گفتار) آن مطابق و برابر نیست .

۲- زبان نوشتار به طور طبیعی معادل و مطابق با ... است. زبان گفتار

۳- منظور از جمله ی «زبان نوشتار به طور طبیعی معادل و مطابق با زبان گفتار است» چیست ؟

آن است که شکل املائی کلمات تابع شکل آوایی آن هاست.

۴- شکل املائی کلمات تابع چیست ؟ شکل املائی کلمات تابع شکل آوایی آن هاست.

۵- چه عواملی سبب ایجاد نامطابق های املائی می شوند ؟

۱- تغییرپذیری سریع تدریجی از واژه ها بر اثر گذشت زمان

۲- تغییرات بعضی از واج ها در هم نشینی با واج های دیگر (فرآیندهای واجی کاهش و ابدال)

۶- چرا شکل نوشتارینوشتاری واژه هایی مانند «خواهر» و «خواستن» و... با شکل گفتاری آن ها تفاوت دارد ؟

به علت تغییرپذیری سریع تر زبان گفتار از زبان نوشتار بر اثر گذشت زمان

۷- ایجاد تحولات زبان در نوشتار چه تفاوتی با ایجاد تحولات در گفتار دارد ؟

تحولات در نوشتار کندتر و در گفتار سریع تر و بیشتر است .

۹- علت تغییر در گفتار چیست ؟ (برای مطالعه)

آن است که زبان به سوی سادگی پیش می رود و این تحول سریع در گفتار منعکس می شود .

۱۰- کلماتی مانند «خواهر» و «خواستن» در قرن های گذشته چگونه تلفظ می شده اند ؟

/ خُو'اهر (Xwahar) و خُو'استن (Xwastan) /

۱۱- کلماتی مانند «خواهر» و «خواستن» امروز چگونه تلفظ می شوند ؟ تلفظ آن ها امروزه شکل / خاهر و خاستن / است .

۱۲- به حرف «و» در کلمات «خواهر» و «خواستن» و... چه می گویند ؟ چرا ؟

به حرف «و» در این قبیل کلمات، «واو معدوله = تغییر کرده» می گویند ؛ زیرا با گذشت زمان تلفظ آن تغییر یافته است .

۱۳- ترکیب و تلفظ واج ها در هر زبان تابع چیست ؟ دستگاه آوایی

۱۴- «ست» و «شت» در کلماتی مانند «ماست بندی، مشت زنی،» و مشابه آن ها به چه صورت تلفظ می شوند؟

/س/ و /ش/ . بنابراین، / ماس بندی / می شنویم اما «ماست بندی» می نویسیم یا / مش زنی / می شنویم و /مشت زنی / می نویسیم .

۱۵- اگر واج /ن/ بدون فاصله قبل از واج /ب/ بیاید، به چه واجی تبدیل می شود؟

به واج /م/ بنابراین می شنویم /شمبه/ و می نویسیم «شنبه» .

۱۶- تبدیل واج /ن/ به واج /ب/ و واج /ج/ به واج /ش/ در زبان عربی چه نام دارد؟ ابدال

۱۷- هرگاه واج /ج/ بدون فاصله قبل از واج /ت/ بیاید، به چه واجی تبدیل می شود؟

/ش/ بنابراین می شنویم : /پنش تا/ و می نویسیم «پنج تا» .

۱۸- آیا در نامطابق های املائی، تبدیل آوایی به تبدیل املائی منجر می شود ؟ توضیح دهید .

خیر چون ترکیب و تلفظ واج ها در هر زبان تابع دستگاه آوایی آن زبان است . برای مثال، هرگاه واج های /س، ت/ در کنار هم

بیایند، واج /ت/ به تلفظ در نمی آید. در این گونه موارد، با کاهش آوایی رو به رو می شویم. بدون اینکه کاهش املائی صورت پذیرفته

باشد ؛ بنابراین، / ماس بندی / می شنویم اما «ماست بندی» می نویسیم. یا هرگاه واج /ن/ بی فاصله قبل از واج /ب/ بیاید، به واج

/م/ تبدیل می شود. این تبدیل آوایی به تبدیلی املائی منجر نمی شود ؛ بنابراین می شنویم /شمبه/ و می نویسیم «شنبه». این ضابطه در

زبان عربی نیز حاکم است و به آن ابدال می گویند. برای مثال، عرب زبان ها می نویسند «من بعد» و می خوانند /مم بعد/ .

۱۹- هدف از درس املا چیست؟ مطابق ساختن زبان ملفوظ با زبان مکتوب .

۲۰- دلیل دگرگونی و اختلاف تلفظ واژه ها چیست ؟ و این دگرگونی چگونه اتفاق می افتد؟

به دلیل ویژگی های آوایی زبان است و بر اثر گذشت زمان اتفاق می افتد.

فعالیت ۱

کلماتی که با «خوا» آغاز می شوند با گذشت زمان به تدریج تلفظ آن ها تغییر یافته ، در حالی که شکل املائی آن ها ثابت مانده است و از جمله نامطابق های املائی هستند یعنی که بین گفتار و نوشتار آن ها مطابقت وجود ندارد . در زبان فارسی «و» آن ها را «واو معدوله» می نامند . مثل :

خوار	خواب	خوابیده	خواهر	خواستن	خوان	خواندن	خوانا	خواننده
خواجه	خواستار	خواستگار	خوارزم	خواهش	خواهان			

فعالیت ۲ از متن درس های ۱۱ تا ۱۶ کتاب های زبان و ادبیات (۳) املا بنویسید.

گروه کلمات برای املا شماره ۲

خصایل وسجایا-تضرب و سخن چینی-سطور کتاب-زعارت وشرارت-جبه ی حبری رنگ-دراعه ی پاکیزه-موزه ی میکائیلی-جبه ی خلق گونه-ستوران لاغر-محاورت اشخاص-ایجاز و اطناب-نکته ی عبرت آموز-غدار فریفتگار-قابل تأمل-بلیغ و زدوده-طنین خاص-حسن تألیف-اقتضای مقام-مستلزم تأمل-زیب و پیرایه-ستیزه جو-غایت وفرجام-مآخذ گوناگون-جذبه ی روحانی-نکته سنجی بدیع-لذات معنوی-مثابه و مانند-عجب و خود بینی-فراغ ملک-سطوت سلطنت-توفیق و چشم داشت-نهضت عاشورا-مرثیه ناسروده-سکوت ابهام انگیز-رشته ی ناگسستگی-علاقه ی تحسین آمیز-نفاق و دورویی-نگاه تأثر آمیز-اشاعه و ترویج-رشته ی نامرئی-تائی و آهستگی-تحلیل قوا-خاروخاره-فرعونیان وقبطیان-طور سینین-ناحیه ی شقیقه-اشتهای زاید الوصف-چهره ی مصمم-رفتار ترحم آمیز-رمق حیات-شیوه و نسق-فرتق و جدایی-نمایش نامه ی مبحث-تصاویر بدیع-غزلواره ی شکسپیر-نعمت وموهبت-غره ی جوانی-نظر رایزنان-راهب فرزانه-اسطوره ی ققنوس-مرغان خوش الحان-قانع و متقاعد-دلکش و بهجت انگیز-موقارومتواضع-توجهات عامه-شرح اغراق آمیز-حرکات طعن آلود-جاذبه ی سحر انگیز-تیره و بی فروغ-لمحه و لحظه-شراره ی سیال-بافت ابهام آمیز-نقبه و سوراخ-سفر و حضر-قلبه ی حلوا-أضغاث أحلام-حبسیه وبث الشکوی-وصال وفراق-عود وساج-سبز و نغز-حسان عجم-به رغم وبرخلاف-پیک زرین قبا. حماقت و جهالت-استدعاوتمنا-سیاق مطلب-اصل تنازع-حظ و بهره-تأملات درونی-بقچه ی چل تگه-موزه ی لوور-مرد موقر-عزل رئیس الوزرا-دقیات و صحت-سیره و مغازی-اطلس های تاریخی-قدیس و پاک-اصول ظالمانه-پانسیون ارزان قیمت-برهمن های هم میهن-صدای به عمد-لذت غریب-آرام و بی دغدغه-صدرالمتألهین شیرازی-اغراق وبزرگنمایی-تعصب وغرض ورزی-سوءظن-فراست وزیرکی-زهادوعباد-حافظ لسان الغیب-معادل وهم طراز-خلأقیة وسازندگی-اعصاروقرون-حس غریب-تن پوش عزا-عصمت وپاکی-ینبوع وچشمه-متنبه وبیبار-گل وسنبل-شهرخواف-خوالیگردربار-بلهوس وغافل-مهیب ووحشتناک.

خود آزمایی درس یازدهم (نامطابق های املائی)

۱) کدام یک از کلمات زیر، امروز رایج نیستند؟ آن ها را مشخص کنید و معنی آن ها را با استفاده از کتاب لغت بنویسید.

۱-خوازه : طاق نصرت خوالگیر : آشپز دشخواری : دشواری خوان : سفره خواف : نام منطقه ای است

۲) تفاوت آوایی و املائی واژه های زیر را توضیح دهید.

۲-سنبل ← اسمبل / نامطابق اجتماع ← اشتماع / نامطابق انبساط ← امبساط / نامطابق

دست بند ← ادس بند / نامطابق منبر ← ممبر / نامطابق ینبوع ← یمبوع / نامطابق

سنباده ← اسمباده / نامطابق منابع ← امنایع / مطابق فتیله ← افتیله / مطابق متنبه ← متنبه / مطابق

۳- اجزای جمله های زیر را در نمودار درختی نشان دهید.

۱- باغبان گل را آب داد ← چهار جزئی دو مفعولی

این لباس از نخ است ← سه جزئی گذرا به مسند

۳- ماه تابید ← دو جزئی ← رسم نمودار با دانش آموزان به خاطر محدودیت در تایپ

درس یازدهم بازگردانی - باز نویسی زبان فارسی ۳

۱- حکایت زیر را بازگردانی کنید.

۱) شبی دود خلق آتشی بر فروخت شنیدم که بغداد نیمی بسوخت

شبی در بغداد آتشی افروخته شد و نیمی از شهر در آتش سوخت .

۲) یکی شکر گفت اندر آن خاک دودود که دگان ما را گزند نبود

در آن اوضاع و احوال و در میان خاک و دود، یکی از بازاریان خدا را شکر می کرد که به دکان من آسیبی نرسیده است.

۳) جهان دیده ای گفتش ای بلهوس تو را خود غم خویشتن بود و بس

مرد جهان دیده ای به او گفت: ای هوس باز خود پرست، آیا تنها در فکر خودت هستی؟

۴) پسندی که شهری بسوزد به نار اگر چه سرایت بود بر کنار

آیا راضی هستی که شهری بسوزد اما به خانه ی تو آسیبی نرسد؟

۲- از مقایسه ی شکل اصلی حکایت با صورت بازگردانی شده ی آن چه چیزی را درمی یابید ؟ درمی یابیم که :

۱) مضمون حکایت به خوبی منتقل شده است.

۲) برخی از کاربردهای دستور تاریخی با توجه به دستور زبان امروز، معادل سازی شده است؛ مثلاً:

اندر ← در
دکان ما را ← به دکان ما

۳) به جای برخی از واژگان و اصطلاحات دشوار یا کهنه ی حکایت ، معادل هایی امروزی قرار داده شده است:

گزند ← آسیب
سرا ← خانه

۴) در شعر به ضرورت وزن ، جای برخی از کلمات تغییر یافته است:

شنیدم که بغداد نیمی بسوخت ← شنیدم که نیمی از بغداد سوخت

۳- بازگردانی چیست؟ بازگردانی در واقع، امروزی کردن شعر یا نثر است.

۴- مقصود از امروزی کردن نوشته های قدیم چیست؟

مقصود آن است که محتوا و پیام آنها را به زبان ساده و قابل فهم طرح کنیم.

۵- هدف از بازگردانی چیست ؟ هدف از بازگردانی تبدیل زبان کهن به زبان معیار امروز است .

۶- کدام یک از جمله های زیر درست و کدام یک نادرست است؟

الف) در بازگردانی ، می توان به شرح و تحلیل نوشته پرداخت .

ب) در بازنویسی اگر متن اصلی شعر باشد، می توانیم بخش هایی از آن را عیناً نقل کنیم .

ج) در بازگردانی نباید به تلخیص یا شرح و تحلیل و تفسیر نوشته پرداخت .

د) در بازگردانی از تعبیر های زیبای متن، در حدی که با ذوق و شیوه ی مطلوب امروز سازگار باشد، نیز باید چشم پوشید.

ه) در بازگردانی ، می توان به شرح و تحلیل نوشته پرداخت .

و) در بازنویسی اگر متن اصلی شعر باشد ، می توانیم بخش هایی از آن را عیناً نقل کنیم .

۷- در بازنویسی ضمن حفظ محتوا و پیام، چه تغییراتی در نوشته ایجاد می شود؟

الف) زبان نوشته ساده و قابل فهم می گردد.

ب) رویدادها بازسازی می شوند و تجسم می یابند.

ج) مطالب به کمک توصیف چهره ها و حالات پرورنده می شود

۸- در بازنویسی به چه نکاتی باید توجه داشته باشیم؟

الف) پیام های اصیل و ارزشمند را منتقل کنیم.

ب) مآخذ دقیق متن بازنوشته را ذکر می کنیم.

ج) در نقل محتوا و پیام، امانت را رعایت کنیم و در صورت امکان، پیام های امروزی را در آن بگنجانیم.

د) متون از میان آثار با

ارزش ادب گذشته انتخاب کنیم

ه) اگر متن اصلی شعر است، می توانیم بخش های زیبایی از آن را عیناً نقل کنیم.

۹- تفاوت « بازگردانی » و « بازنویسی » را بنویسید .

در بازگردانی مطلب فقط به زبان ساده و قابل فهم امروزی تبدیل می شود ، ولی در بازنویسی می توان آن را گسترش و شاخ و برگ داد

۱۰- بازنویسی چیست ؟

بیان محتوا و پیام یک شعر و نثر کهن به زبان معیار امروز همراه با شاخ و برگ و گسترش دادن آن هاست.

۱۱- به کمک بازنویسی چه تغییراتی در متون گذشته ایجاد می شود تا به زبان معیار امروز در آورده شود؟

عناصر کهنه ی آن ها را تغییر می دهیم و به جای ترکیبات و واژه های مهجور تعبیر آشنا می نشانیم

۱۲- آیا در بازنویسی اشعار، می توانیم بخش های زیبا و هنرمندانه را عیناً نقل کنیم؟

اگر متن اصلی شعر باشد می توان آن را عیناً نقل کرد

۱۳- بیت زیر با استفاده از چه روشی به نثر درآمده است؟ - بازگردانی

کش میوه دلپذیرتر از شهد و شکر است

حافظ چه طرفه شاخ نباتی است کلک تو

حافظ قلم تو چه شاخ نبات مطبوعی است که میوه اش از شهد و شکر دلپذیر تر است.

۱۴- اگر مصراع « خاتم ملک سلیمان است علم » را به صورت « علم خاتم ملک سلمان است » تغییر دهیم به این کار چه می گویند؟

بازگردانی

۱۵- نویسندگان و هنرمندان ، شاهکارهای ادبیات ملی خود را در چه قالب هایی در خور ذوق مردم امروز در می آورند؟

نمایش نامه ، فیلم نامه و داستان

۱۶- بیت های زیر را بازگردانی کنید.

۱- زاغی از آنجا که فراغی گزید

زاغی برای به دست آوردن آسایش از باغ به صحرائی رفت

رخت خود از باغ به زاغی کشید

۲- دیدیکی عرصه به دامان کوه

دامن پر از گل و سبزه ی کوه را دید ، که نشان از گنج نهفته در دل کوه داشت

عرضه ده مخزن پنهان کوه

۳- گرت همواره باید کامکاری

اگر می خواهی همیشه خوشبخت باشی ، بردباری و شکیبایی را از مور بیاموز

ز مور آموز رسم بردباری

۴- همی تا کند پیشه ، عادت همی کن

تا جهان جفا را پیشه می کند ، تو به صابری عادت کن

جهان مر جفا را ، تو مر صابری را

۵- دوباره پلک دلم می پرد ، نشانه ی چیست ؟

دوباره پلک دلم می پرد (دلم بی تاب است) این ، نشانه چیست ؟ شنیده ام که این نشانه ی آمدن کسی به مهمانی است .

شنیده ام که می آید کسی به مهمانی

۶- مبر طاعت نفس شهوت پرست

از نفس شهوت پرست اطاعت مکن. چون این نفس هر لحظه ای به قبله ای رو می آورد

که هر ساعتش قبله ی دیگر است

۷- نازک آرای تن ساق گلی - که به جانش کشتم / و به جان دادش آب / ای دریغابه برم می شکند

افسوس که تن ساق گل نازک آرای (افکار و اندیشه های شاعرانه ام) که آن را با تمام وجودم پرورش داده ام در برابر چشمانم می شکند (نابود می شود)

۸- افسرده مباش ، اگر نه سنگی

اگر سنگ نیستی ، حرکت کن و اگر لنگ نیستی چلاک باش . یابی حرکت نباش و گرنه هم چون سنگ ساکنی . چابک و چلاک حرکت کن و گرنه لنگ (بدون پا) به شمار می روی..

رهوار تر آی ، اگر نه لنگی

۱۰- من از رویدن خار سر دیوار دانستم

از رویش خار بر سر دیوار به این نکته رسیدم که ممکن است افرادی نالایق به مقام های بالای مادی برسند اما هیچگاه ارزش معنوی آن ها بالا نخواهد رفت و آنان مثل همان خار بی ارزش اگر چه به بالاترین جایگاه هم برسند باز بی ارزش اند.

که ناکس ، کس نمی گردد بدین بالانشینی ها

۱۱- اگر هوشمندی به معنی گرای

اگر دانا هستی ، به معنی روی بیاور (به باطن توجه کن) زیرا که معنی باقی می ماند نه صورت . (باطن هر چیز باقی می ماند نه ظاهر آن) اگر انسان خردمندی هستی به باطن توجه کن زیرا ظاهر انسان موقت و فانی است و باطن ماندگار و همیشگی .

که معنی بماند نه صورت به جای

۱۲- ای دوست چنان بزی که بعد از مردن

ای دوست آن گونه زندگی کن که پس از مردن تو تأسف بخورند و ناراحت شوند.

انگشت گزیدنی به یاران ماند

۱۳- چون شیر به خود سپه شکن باش

مانند شیری قوی در برابر مشکلات ، مقاوم و پیروز باش و از ویژگی ها و صفات خوب و پسندیده ات پیروی کن .

فرزند خصال خویشان باش

۱۴- بروید و هیزم آرید سوختن ابراهیم را که او را عذاب آتش خواهیم کردن

بروید و برای سوزاندن ابراهیم هیزم بیاورید که می خواهیم او را با آتش عذاب دهم

۱۵- کرد فراموشی ره و رفتار خویش ماند غرامت زده از کار خویش

راه و رفتار خود را فراموش کرد. از کار خود غرامت زده (زبان دیده) ماند.

۱۶- نکوهش مکن چرخ نیلوفری را برون کن ز سر باد خیره سری را

آسمان و روزگار را سرزنش مکن و گستاخی و غرور را کنار بگذار.

۱۷- بسیار مشو غره بدین حسن دلاویز کاین حسن دلاویز تو را عشق من آراست

به زیبایی خود مغرور مشو زیرا که عشق من زیبایی دل انگیز تو را آراسته است.

۱۸- غمی بود رستم بیازید چنگ گرفت آن سر و یال جنگی پلنگ

رستم غمگین بود چنگ خود را دراز کرد و سر و گردن آن پلنگ جنگجو (سهراب) را گرفت.

۱۹- طیبی را دیدم که هر گاه به گورستان رسیدی ، ردا بر سر کشیدی ، از سبب آن سؤال کردند ، گفت : از مردگان این گورستان شرم

دارم ، زیرا بر هر که می گذرم ، شربت من خورده است و در هر که می نگرم از شربت من مرده است .

پزشکی را دیدند که هر وقت به گورستان می رسید عبای خود در اروی سرش می کشد، دلیل این کار را از او پرسیدند ، او گفت : از مرده های

گورستان شرمندم ام زیرا از مزار هر کدام از آن ها که عبور می کنم ، می بینم که یا از داروی من خورده یا شربت اشتباهی من باعث مرگ او شده است .

۲۰- آن یکی به یکی تیغی هندی آورد - شخصی برای کسی شمشیری هندی آورد .

۲۱- برخیز و مخور غم جهان گذران بنشین و دمی به شادمانی گذران

بلند شو و غم دنیای زود گذر را نخور و لحظه ای به شادمانی و خوشی بگذران .

۲۲- حاشا که من از دست جفای تو بنالم بیداد لطیفان همه لطف است و کرامت

غیرممکن است که من از ظلم تو شکایت کنم ، ستم زیبا رویان سراسر لطف و کرم است .

۲۳- مباح در پی آزار و هر چه خواهی کن که در طریقت ما غیر از این گناهی نیست

به دنبال آزار دیگران نباش و غیر از این هر کاری می خواهی انجام بده که در شیوه ی ما گناهی جز مردم آزاری نیست

۲۴- چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان - کسی که نوح کشتیبان او باشد ، از موج دریا نمی ترسد .

به نام نیکو مردن به که به نام بد زیستن - مردن با نام نیک بهتر از زندگی با بد نامی است

۲۵- خاتم ملک سلیمان است علم جمله عالم صورت و جان است علم

علم خاتم ملک سلیمان است همه ی عالم صورت و علم ، جان (آن) است

۲۶- شنیدم که در تنگنایی شتر بیفتاد و بشکست صندوق در

شنیدم که شتر در تنگنایی افتاد و صندوق در (مزوارید) که بار آن بود ، بشکست .

۲۷- بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

اجازه بده تا من مانند ابر در فصل بهار گریه کنم ، زیرا در روز جدایی یاران از هم از سنگ نیز فریاد و ناله بلند می شود.

فعالیت ۱ فعالیت ۲ سال اول : خیر و شر از هفت پیکر نظامی

۱- روزی سر سنگ عقابی به هوا خاست واندر طلب طعمه پرو بال بیاراست

روزی عقابی از روی سنگ به هوا برخاست و در طلب طعمه پرو بال خود آراست .

۲- بر راستی بال نظر کرد و چنین گفت: « امروز همه روی جهان زیر پر ماست»

بر راستی بال نظر کرد و چنین گفت : امروز همه ی جهان تحت تصرف ماست . (بر تمام جهان تسلط داریم.)

۳- بر اوج چو پرواز کنم از نظر تیز می بینم اگر ذره ای اندر تک دریاست

وقتی در اوج هوا پرواز می کنم ، اگر ذره ای در ته دریا باشد با نگاه تیزبین خود آن را می بینم .

درس دوازدهم نظام معنایی زبان

۱- زبان‌شناسان، زبان را به سبب پیچیدگی و گستردگی بیش از اندازه ی آن در سه سطح مطالعه می کنند:

۱- واج شناسی؛ ۲- دستور زبان؛ ۳- معناشناسی؛ پس معنا شناسی یکی از سطوح مطالعه ی زبان است.

۲- معناشناسی چیست؟ کوششی است برای پی بردن به این نکته که اهل زبان چگونه منظور هم دیگر را می فهمند، چرا برخی از واژه ها

و جمله ها را با معنا می دانند و می پذیرند و بعضی از واژه های دیگر را بی معنا می پندارند و رد می کنند.

۳- کدام یک از دو جمله ی زیر، معنا دار است؟ چرا؟ الف) دیروز، حسن می آمد. ب) دیروز، لباس می آمد.

جمله ی «الف»؛ چون در نظام معنایی زبان فارسی بین «آمدن» به عنوان یک لفظ و یک واقعیت عینی خاص در جهان خارج- که از کسی سر می زند و ما آن را می شناسیم- رابطه ی آشنایی برقرار است.

۴- جمله ی «دیروز، لباس می آمد.» را به جمله معنی دار تبدیل کنید و علت معنی داری آن را بنویسید.

«دیروز، لباس به شما می آمد.» اکنون این جمله، جمله ی آشنای معنی داری است و معنای آن به رابطه ی همنشینی فعل با متمم مربوط می شود.

۵- ارزش دقیق معنایی عناصر سازنده ی زبان چگونه درک می شود؟ چرا؟

ارزش دقیق معنایی عناصر سازنده ی زبان، در ارتباط آن با سایر عناصر، بهتر درک می شود؛ چون زبان یک دستگاه (=یک نظام) است.

۶- برخی از عنصرهای زبانی دارای بک معنای و یک معنای است.

۷- معنای مستقیم یک واژه یعنی چه؟

همان معنای روشن و مشخص هر عنصر زبانی است.

۸- معنای غیر مستقیم «واژه» چیست؟

معنای حاصل از هم نشینی یک عنصر (هر واحد زبانی) با عناصر (واحد زبانی) دیگر دریافت می شود.

۹- از چه طریقی می توان به معنای متفاوت «ماه» در جملات زیر پی برد؟

الف- ماه طولانی بود ب- ماه روشن بود

از طریق رابطه ی همنشینی واژه «ماه» با واژه های «طولانی و روشن»

۱۰- در جاهای خالی واژه های مناسبی بنویسید که معنای فعل ها را تغییر دهد.

۱- سعید برد ← سعید برادرش را به مدرسه برد. (عمل بردن)

۲- سعید برد ← سعید بازی را برد. (برنده شدن)

۳- سعید برد ← سعید مسابقه را به سود خود پایان برد. (برنده شدن)

۴- سعید برد ← سعید با سروصدای خود سرم را برد. (آشفته گردن)

۵- سعید برد ← سعید رنج برد. (کشید)

۶- سعید برد ← سعید از همه دل برد. (ربود)

نکته: واژه ها معمولاً به تنهایی حامل پیام یا معنایی کاملاً روشن نیستند و باید در جمله بیابند تا معنا را به طور کامل برسانند.

۱۱- برای درک معنی واژه هایی که به تنهایی نمی توانند خود را بشناسانند؛ واژه های «سیر» و «تند» از چه شیوه ای بهره می گیریم:

۱- قرار دادن آن در جمله و زنجیره ی سخن.

۱-۱- سیر را هنگام پاییز می کارند.

۱-۲- سیر را غم گرسنه نیست، هم چنان که سوار را غم پیاده

۱-۳- سیر را مساوی ۷۵ گرم می دانند.

۱-۴- سبز سیر، رنگ زیبایی است

۱-۵- چنگیز از ریختن خون بی گناهان سیر نشد.

۲- از شیوه ی توجه به روابط معنایی (ترادف، تضاد، تضمین و تناسب)

۱۲- براساس چه روابطی می توان به معنای واژه ی «سیر» در عبارت های زیر پی برد؟

۱- سیر را هنگام پاییز می کارند. ← رابطه تناسب بین «سیر» و «کاشتن»

۲- سیر را غم گرسنه نیست، هم چنان که سوار را غم پیاده ← تضاد بین «سیر» و «غم»

۳- سیر را مساوی ۷۵ گرم می دانند. ← هم معنایی یا ترادف بین «سیر» و «۷۵ گرم»

۴- سبز سیر، رنگ زیبایی است. ← تضمین «سیر» و «رنگ»

۵- چنگیز از ریختن خون بی گناهان سیر نشد. ← تضمین بین «سیر» و «اشتهای خون ریختن»

۱۳- رابطه معنایی گروه واژه های زیر را بنویسید.

« ماه و ستاره، سیر و کاشتن، سیر و کیلو، سیر و روشن، سیر و خوارگی، سیر و اشتها»

تناسب، تناسب، تناسب، تضاد، تضمین، تضمین»

۱۴- چه زمانی معنای یک جمله برابر با مجموع معنای واژه های آن نیست؟

زمانی که جمله های ما ضرب المثل یا ترکیب های کنایی باشند.

۱۵- ما چگونه مفهوم دو جمله ی «کله اش بوی قورمه سبزی می دهد» و «دهانش بوی شیر می دهد» را درک می کنیم؟ چرا؟

زمانی ما قادر به دریافت مفهوم این دو جمله هستیم که قبلاً آن را شنیده باشیم یا معنای آنها را به ما گفته باشند زیرا معنای مجموع واژه های آنها غیر از معنای لفظی و ظاهری واژه های سازنده ی آنها است.

۱۶- معنای لفظی و ظاهری و معنای کنایی دو جمله ی «کله اش بوی قورمه سبزی می دهد» و «دهانش بوی شیر می دهد» را بنویسید.

کله اش بوی قورمه سبزی می دهد :

۱- معنای لفظی روشن است.

۲- معنای کنایی: کنایه از دنبال در دسر گشتن، جسور و بی باک بودن

دهانش بوی شیر می دهد :

۱- معنای لفظی روشن است.

۲- معنای کنایی: کنایه از بسیار خردسال وضعیف بودن

۱۷- تفاوت معنایی فعل «گشت» را در بیت زیر بنویسید.

«چون از او گشتی همه چیز از تو گشت چون از او گشتی همه چیز از تو گشت»

«گشت» در مصراع اول؛ یعنی «متعلق شدن» و در مصراع دوم «روی برگرداندن»

۱۸- آیا معنای واژه ها امری ثابت و همیشگی است؟ خیر

۱۹- با توجه به معنای گوناگون واژه ی «شوخ» در دو جمله ی زیر از نثر گذشته و نثر امروزی به چه مسأله ای پی می برید؟

الف) چند ماه بود که به گرما به نرفته و شوخ (= چرک) از خویشتن باز نکرده بودیم.

ب) دوست شوخی (شادی و شادی بخش) دارم که هرگز خنده از لب هایش جدا نمی شود.

پی می بریم که معنای واژه ها و خود آن ها امری ثابت و همیشگی نیستند.

۲۰- در گذر زمان برای واژه چند وضعیت پیش می آید؟ آن ها را با ذکر مثل بنویسید.

برای واژه در گذر زمان یکی از جهاد وضعیت زیر پیش می آید:

۱- پس از انتقال به دوره ای دیگر به علل سیاسی، فرهنگی، مذهبی یا اجتماعی، کاملاً متروک و از فهرست واژگان دوره ی بعد حذف

شده است؛ مانند

خوالیگر (آشپز)، خوازه (طاق نصرت)، فتراک (ترک بند زین اسب)، میغ (ابر). سوفار (دهانه ی تیر)،

آزفتداک (رنگین کمان)، پرگستوان (پوشش جنگاوران و اسب)، دستار (عمامه و سر بند)، خوان (سفره) و ...

نکته: این واژه ها فقط در شعر و نثر گذشتگان یافت می شوند.

۲- با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنایی جدید به دوران بعد منتقل شدند مثال

سوگند (گوگرد- قسم)، دستور (وزیر- فرمان)، تماشا (گردش و تفریح - نگاه کردن) و عناق (حمق زن) - زیبا و خوشگل)،

قوس (کمان - انحنای خمیدگی)، شوخ (چرک، گستاخ- شاد، خوش سخن و بذله گو)، گشیف (غلیظ - چرک آلود)

۳- با همان معنی قدیم به حیات خود ادامه می دهند؛ مثال، گریه، شادی، خنده، دست؛ زیبایی، پا چشم و دیوار و ...

۴- هم معنای قدیم را حفظ کرده اند و هم معنای جدید گرفته اند؛ مثال

سپر (ابزاری در جنگ - قطعه ای در اتومبیل)، یخچال (گودال سقف دار و بزرگ برای انبار کردن یخ در زمستان، یخچال های طبیعی،

وسیله ای برقی برای سرد کردن)، رگاب (حلقه ی فلزی آویزان شده در دو طرف زین اسب برای پا گذاشتن بر آن - قسمتی از اتومبیل،

موتور و دوچرخه) سفینه (کشتی و جنگ (مجموعه ی شعر و نثر، وسیله ای برای سفر فضایی)، زین (زین اسب - زین دوچرخه)، پروانه (نام

حشره ای، اجازه و دستور کتبی - قطعه ای چند تیغه ی ستاره ای شکل)

قدیم	جدید		
دستور ^۲	وزیر، فرمان، اجازه	دستور زبان فارسی (فرمان)	ب تحول معنایی
رکاب	حلقه ماندی فلزی که در دو طرف زین مرکوب آویزند و به هنگام سوار شدن پا را در آن کنند.	قسمتی از ماشین که برای سوار شدن بر آن پا می گذارند، رکاب دوچرخه	ت با حفظ معنی قدیم معنی جدید پذیرفته است
تماشا	راه رفتن گردش کردن	نظاره کردن	ب تحول معنایی
کتیف	مترکم، دارای جرم	آلوده و ناپاک	ب تحول معنایی
رعنا	دراز و احمق، ابله، خود پسند	زیبا و خوش اندام	ب تحول معنایی
دیوار	جداری در اطراف خانه وزمین	جداری در اطراف خانه وزمین	پ معنی یکسان است
سفینه	کشتی	فضا پیما	ب تحول معنایی
قوس	کمان	خط خمیده	ب تحول معنایی
کرسی	تخت حکومت، مرکز حکومت	چهار پایه که آتش زیر آن می گذارند ولحاف روی آن قرا می دهند، صندلی	ب تحول معنایی
سپر	ابزار جنگی	سپر ماشین	ت با حفظ معنی قدیم معنی جدید پذیرفته است
زین ^۲	زین اسب، ابزار جنگی	(زین دوچرخه، زین اسب)	ت با حفظ معنی قدیم معنی جدید پذیرفته است
دستار	سربند، دستمال	_____	الف متروک
جامه	لباس، پارچه، بستر و فرش	لباس	پ معنی یکسان است

۲۱- شیوه های ساخت واژه های جدید را با مثال بنویسید.

۱- ترکیب: در این روش دویا چند واژه ی موجود در کنار هم قرار می گیرند و با هم واژه ای جدید می سازند که ممکن است حاصل

جمع معنای آنها چیزی جز معنای تک تک آن باشد مانند: خرمن کوب، کتاب خانه، گل پوش، راهبر دو ...

۲- اشتقاق: این روش با افزایش «وند» اشتقاقی به واژه های موجود تحقق می پذیرد؛ مانند: یارانه، خنده، پوشش و ...

۳- علایم اختصاری: نخستین واج های چند کلمه را با هم می آمیزند و کلمه ی جدیدی می سازند مانند:

سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها

ساف: سازمان آزادی بخش فلسطین

نزاجا: نیروی زمین ارتش جمهوری اسلامی ایران. // کما: کتاب خانه ی ملی ایران

نهایجا: نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران. //

انکا: اتحادیه تعاونی های کارکنان ارتش / اتکا: اداره تدارکات کادر (کارکنان) ارتش

هما: هواپیمایی ملی ایران

شابک: شماره استاندارد بین المللی کتاب

حماس: حرکت مقاومت اسلامی

توانیر: تولید و انتقال نیرو

سپاد: سازمان ملی پرورش استعداد های درخشان

۲- از این نظر که معنی قدیم خود را از دست داده (اجازه و وزیر) و معنی جدید (دستور زبان) پذیرفته است، تحول معنایی «ب» یافته است. و از نظر این که هم در قدیم و هم در جدید به معنای «فرمان» است می تواند جزء گروه «ت» هم به حساب آید ولی صحیح تر همان «ب» تحول معنایی است.

۲- زین: در معنای «ابزار جنگی» معنای خود را از دست داده است و معنی جدید پذیرفته است جزء «ب» می شود.

ساف: سازمان آزادی بخش فلسطین
نزاجا: نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران
ره: رحمة الله عليه

ساج: سیستم اطلاعات جغرافیایی
هوا نیروز: هوا پیمایی نیروی زمینی
نداجا: نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران
ماه: مرکز انرژی هسته ای

امکان: اتحادیه ی مرکزی تعاونی های مصرف کارگران ایران
پ.ت.ت: پست و تلگراف و تلفن

رافع: رشد استعداد های فرزندان علی (ع)

رجا: راه آهن جمهوری اسلامی ایران

فیپا: فهرست نویسی پیش از انتشار

س ج ۱۱: سیمای جمهوری اسلامی ایران

ساواک: سازمان امنیت و اطلاعات کشور

صها: صنایع هوایی ایران

کاجیران: کارخانجات چرخ خیاطی ایران

ماجد: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی

کما: کتاب خانه ی ملی ایران

۲۲- چهاره واژه از غیر محسوسات مثال بزنید که در گذشته وجود نداشته و امروز به وجود آمده است. **روان شناسی، رایانه، رویکرد، راهبرد، توان بخشی.**

تضاد، ترادف، تضمّن و تناسب را با مثال تعریف کنید.

الف: تضاد: دو واژه با معناهای مخالف را کلمه های متضاد می نامند.

مانند: آغاز و انجام / اوج و حضيض

ترادف: وقتی دو واژه با هم، هم معنا باشند رابطه ی آن ها ترادف است.

مانند: براءت و برتری / کوشک و قصر

تضمن: وقتی معنای یک واژه، واژه ی دیگر را در برگیرد، رابطه ی آن ها تضمّن است.

مانند: حشره و سوسک / درخت و کاج / پدر و ولی

تناسب: وقتی دو واژه رابطه ی تناسب و هماهنگی معنوی داشته باشند.

مانند: باغ و گیاه / سیر و کاشتن

خرداد ماه ۱۳۹۴

۱- رابطه معنایی میان واژه های داخل کمانک را بنویسید. ۰/۲۵ (ماه - ستاره) ← **تناسب**

۲- شیوه ساخت هر یک از واژه های روبه رو چیست؟ ۰/۵ (الف) روکش ← **ترکیب** (ب) روش ← **اشتقاق**

۳- هریک از واژه های مشخص شده زیر، در گذر زمان مشمول کدام یک از وضعیت های چهارگانه شده است؟ ۰/۵

(الف) کف اندر دهانشان شده خون و خاک همه گبر و برگستوان چاک چاک

(ب) خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است؟ چون کوی دوست هست به صحرا چه حاجت است؟

(الف) از فهرست واژگان حذف شده است. (متروک)

(ب) معنای قدیم را از دست داده و معنای جدید گرفته است. (تحول معنایی)

خرداد ماه سال ۱۳۹۳

۴- سرواژه یا علامت اختصاری « فرماندهی انتظامی تهران بزرگ » را بنویسید. ۰/۲۵ فاتب

۵- شیوه ی ساخت واژه ی « شاگردانه » چیست؟ ۰/۲۵ اشتقاق

۶- هر یک از واژه های مشخص شده در بیت های زیر مشمول کدام یک از وضعیت های چهارگانه شده است؟

الف) یکی خوب دستار بودش حریر به موزه درون پرزمشک و عبیر ۰/۲۵

ب) سودای این سواد مکن بیش در دماغ تکلیف این گنیف منه بیش بر روان ۰/۲۵

پ) دست از طلب ندارم تا کام من برآید یا تن رسد به جانان یا جان زتن برآید ۰/۲۵

الف) از فهرست واژگان حذف شده است. (متروک) ؛

ب) معنای قدیم را از دست داده و معنای جدید گرفته است. (تحول معنایی)

پ) با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می دهد.

شهریور سال ۱۳۹۳

۷- در جمله ی « سیر را غم گرسنه نیست. » مفهوم واژه ی « سیر » را با توجه به کدام رابطه ی معنایی در می یابیم؟ ۰/۲۵ تضاد

۸- سرواژه یا علامت اختصاری « هواپیمایی ملی ایران » را بنویسید. ۰/۲۵ هما

۹- شیوه ی ساخت واژه ی « کارانه » چیست؟ ۰/۲۵ اشتقاق

۱۰- هر یک از واژه های زیر مشمول کدام یک از وضعیت های چهارگانه شده است؟ ۰/۷۵

الف) برگستوان : ب) سوگند : پ) سپر:

الف) از فهرست واژگان حذف شده است. (متروک) ؛

ب) معنای قدیم را از دست داده و معنای جدید گرفته است. (تحول معنایی)

پ) هم معنای قدیم را حفظ کرده و هم معنای جدید گرفته است.

دی ماه ۱۳۹۳

۱۱- شیوه ساخت هر یک از واژه های روبه رو چیست؟ ۰/۵

الف) نهجا ← سرواژه سازی یا علایم اختصاری ب) افشانه ← اشتقاق

۱۲- سیر معنایی هر یک از واژه های زیر در گذر زمان مشمول کدام یک از وضعیت های چهارگانه شده است؟ ۱

الف) سوفار: ب) کثیف: پ) یخچال: ت) خنده:

الف) از فهرست واژگان حذف شده است. (متروک) ؛ ب) معنای قدیم را از دست داده و معنای جدید گرفته است. (تحول معنایی)

پ) هم معنای قدیم را حفظ کرده و هم معنای جدید گرفته است. (ت) باهمان معنی گذشته به حیات خود ادامه می دهد.

شهریور ماه ۱۳۹۲

۱۳- سرواژه یا علامت اختصاری « نیروی انتظامی جمهوری اسلامی » را بنویسید. ۰/۲۵ ناجا

۱۴- در جمله ی « سر را غم گرسنه نیست. » از کدام رابطه ی معنایی به مفهوم واژه ی « سیر » پی می بریم؟ ۰/۲۵ ← ت (تضاد)

الف) ترادف ب) تضمن پ) تناسب ت) تضاد

۱۵- شیوه ی ساخت کدام واژه ی داخل کمانک، متفاوت است؟ (یارانه - پوشش - روکش - پذیرا) ۰/۲۵

دی ماه ۱۳۹۲

۱۷- سرواژه یا علامت اختصاری « نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی » را بنویسید. ۰/۲۵ نزاچا

۱۸- شیوه ی ساخت هر یک از واژه های زیر چیست؟ ۰/۵ الف) یارانه: ← اشتقاق ب) خرمن کوب ← ترکیب

۱۹- هر یک از واژه های زیر مشمول کدام یک از وضعیت های چهارگانه شده است؟ ۰/۷۵

الف) برگستوان : ب) یخچال: پ) سوگند :

الف) از فهرست واژگان حذف شده است. (متروک) ؛ ب) هم معنای قدیم را حفظ کرده و هم معنای جدید گرفته است.

ب) معنای قدیم را از دست داده و معنای جدید گرفته است. (تحول معنایی)

خرداد ماه سال ۱۳۹۱

- ۲۰- سرواژه (علامت اختصاری) « سامانه ی احراز هویت تحصیلی » را بنویسید. ۰/۲۵ **سأهت**
- ۲۱- هر یک از واژه های مشخص شده در بیت های زیر مشمول کدام یک از وضعیت های چهارگانه ی ناشی از گذر زمان شده است؟
- الف) گر ایدون که **دستور** باشد کنون بگویم سخن پیشت ای رهنمون ۰/۲۵
- ب) حاصلی نیست به جز غم ز جهان خواجه را **شادی** جان کسی کاو ز جهان آزاد است ۰/۲۵
- الف) با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شده است. (تحول معنایی)**
- ب) با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می دهد.**

۲۲- رابطه ی معنایی دو واژه ی « ورزش » و « شنا » کدام است / ۲۵ ← **الف) (تضمن)**

الف) تضمن (ب) ترادف (پ) تضاد

۲۳- هر یک از واژه های زیر با چه شیوه ای ساخته شده اند؟ ۰/۵ **الف) کارانه ← اشتقاق** (ب) گلاب ← **ترکیب**

شهریور ماه سال ۱۳۹۱

- ۲۴- سرواژه (علامت اختصاری) « ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی » را بنویسید. ۰/۲۵ **سماجا**
- ۲۵- هر یک از واژه های مشخص شده در بیت های زیر مشمول کدام یک از وضعیت های چهارگانه ی ناشی از گذر زمان شده است؟
- الف) چون **سوفارش** آمد به پنهان گوش زشاخ گوزنان برآمد خروش ۰/۲۵
- ب) **چشم** دل باز کن که جان بینی آن چه نادیدنی است آن بینی ۰/۲۵
- پ) در عرضگه عشقش فتنه سپه انگیزد در زرمگه زلفش گردون **سپر** اندازد ۰/۲۵
- الف) از فهرست واژگان حذف شده است. (متروک)**
- ب) با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می دهد.**
- پ) هم معنای قدیم را حفظ کرده و هم معنای جدید گرفته است. ۰/۲۵**

دی ماه سال ۱۳۹۱

- ۳- برای هر یک از واژه های مشخص شده در بیت های زیر کدام یک از وضعیت های چهارگانه ی ناشی از گذر زمان پیش آمده است؟
- الف) ای تهی دست رفته در بازار ترسمت پرنیاوری **دستار** ۰/۲۵
- ب) بی وفا نگار من، می کند به کار من **خنده** های زیرلب، عشوه های پنهانی ۰/۲۵
- پ) خورده ست خدازروی تعظیم **سوگند** به روی همچو ماهت ۰/۲۵
- الف) از فهرست واژگان حذف شده است. (متروک)
- ب) با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می دهد.
- پ) معنای قدیم را از دست داده و معنای جدید گرفته است. (تحول معنایی)

خرداد ماه سال ۱۳۹۰

- ۳- در ترکیب « سیر و گرسنه » معنای واژه ی « سیر » را با توجه به چه رابطه ای در می یابیم؟ ۰/۲۵ **تضاد**
- ۴- هر یک از واژه های مشخص شده در بیت های زیر نمونه ای برای کدام یک از وضعیت های چهارگانه ی ناشی از گذر زمان هستند؟
- الف- بی وفا نگار من ، می کند به کار من **خنده** های زیرلب، عشوه های پنهانی ۰/۲۵
- ب- ای تهی دست رفته در بازار ترسمت پرنیاوری **دستار** ۰/۲۵
- پ- در عهد تو ای نگار دل بند بس عهد که بشکنند و **سوگند** ۰/۲۵
- الف) با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می دهد.**

ب) متروک یا حذف شده است.

پ) با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شده است. (تحول معنایی)

۵- علامت اختصاری « نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی » را بنویسید. ۰/۲۵ **نداجا**

شهریور ماه سال ۱۳۹۰

۳- در جمله ی « ماه طولانی بود. » معنای واژه ی « ماه » را با توجه به چه رابطه ای در می یابیم؟ ۰/۲۵

۴- هر یک از واژه های مشخص شده در بیت های زیر مشمول کدام یک از وضعیت های چهارگانه ی ناشی از گذر زمان شده است؟

الف) چشم دل باز کن که جان بینی / آن چه نادیدنی است آن بینی ۰/۲۵

ب) چو سوفارش آمد به پهنای گوش / زشاخ گوزنان برآمد خروش ۰/۲۵

پ) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را / که سر به کوه و بیابان تو داده ای ما را ۰/۲۵

الف) با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می دهد. (ب) متروک یا حذف شده است. ۰/۲۵

پ) با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شده است. (تحول معنایی)

۷- هر یک از واژه های زیر به چه شیوه ای ساخته شده است؟ ۰/۵ الف) اتکا-علایم اختصاری (ب) پوشه- اشتقاق

دی ماه سال ۱۳۹۰

۳- در هر یک از جمله های زیر معنای واژه ی « تند » را با توجه به کدام رابطه ی معنایی در می یابیم؟

الف) باد تند و شدیدی می وزید. ۰/۲۵ ← ترادف (ب) گاهی تند و گاهی کند حرکت می کرد. ۰/۲۵ ← تضاد

۴- علامت اختصاری « نیروی انتظامی جمهوری اسلامی » را بنویسید. ۰/۲۵ ← **ناجا**

۵- هر یک از واژه های مشخص شده در بیت های زیر مشمول کدام یک از وضعیت های چهارگانه ی ناشی از گذر زمان شده است؟

الف) جانان من برخیز و آهنگ سفر کن / گر تیغ بارد گو ببارد جان سپر کن ۰/۲۵

ب) به پاس یک دل ابری دو چشم بارانی / پر است خلوتم از یک حضور نورانی ۰/۲۵

پ) چنین است سوگند چرخ بلند / که بر بی گناهان نیاید گزند ۰/۲۵

الف) هم معنای قدیم را حفظ کرده و هم معنای جدید گرفته است.

ب) با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می دهد.

پ) با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شده است. (تحول معنایی)

خرداد ماه سال ۱۳۸۹

۳- با توجه به عبارت زیر به سوالات داده شده پاسخ دهید.

« در نمایشگاه کتاب و مطبوعات، چند جلد کتاب و مجله خریدم و پس از تماشای کتاب فروشی ها و هیجان خریداران، از انتشارات سمت نیز بازدید کردم. »

الف) میان دو واژه ی « کتاب » و « مجله » کدام رابطه ی معنایی برقرار است؟ ۰/۲۵ ← **تناسب**

ب) شیوه ی ساخت واژه ی « نمایشگاه » چگونه است؟ ۰/۲۵ ← **اشتقاق**

پ) یک واژه بیابید که به شیوه ی علامت اختصاری ساخته شده باشد. ۰/۲۵ ← **سمت**

ت) واژه ی « تماشا » مشمول کدام وضعیت چهارگانه شده است؟ ۰/۵

ت) با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنایی جدید به دوران بعد منتقل شده است.

شهریور ماه ۱۳۸۹

۳- با توجه به بیت زیر به سوالات داده شده پاسخ دهید.

خنده ی تلخ من از گریه غم انگیز تر است / کارم از خنده گذشته است بدان می گریم

الف) واژه ی « خنده » مشمول کدام یک از وضعیت های چهارگانه شده است؟ ۰/۵ **با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می دهد.**

ب) یک واژه بیابید که به شیوه ی « ترکیب » ساخته شده باشد. ۰/۲۵ ← **غم انگیز**

پ) واژه ی « گذشته » به چه شیوه ای ساخته شده است؟ ۰/۲۵ ← **اشتقاق**

ت) دو واژه بیابید که رابطه ی معنایی تضاد یافته اند. ۰/۵ ← **گریه، خنده**

دی ماه سال ۱۳۸۹

۲- با توجه به بیت زیر:

« گرچه من خود زعدم دل خوش و خندان زادم / عشق آموخت مرا شکل دگر خندیدن »

الف) شیوه ی ساخت واژگان مشخص شده را بنویسید. ۰/۵ دل خوش ← **ترکیب** خندان ← **اشتقاق**

- پ) واژه ی « خندیدن » در گذر زمان چه وضعیتی یافته است؟ ۰/۵ بدون هیچ تغییر به مرحله ی بعد منتقل شده است.
- ۵- عبارات نوشته شده در گروه « الف » را به روابط معنایی خود در گروه « ب » وصل کنید. ۰/۷۵
- ۱- نغز و دلکش ← **ترادف** ۲- لاله و شقایق ← **تناسب** ۳- هنر و مجسمه سازی ← **تضمن**

خرداد ماه سال ۱۳۸۸

- ۳- آیا می توان از طریق هم نشینی واژگان و روابط معنایی آن ها به معنی جمله ی « دهانش بوی شیر می دهد. » پی برد؟ ۰/۲۵ **خیر**
- ۴- با استفاده از روش « ترکیب » از واژه ی « کوش » یک واژه جدید بسازید. ۰/۲۵ **سخت کوش یا هر واژه ی صحیح دیگر**
- ۵- در بیت زیر واژه ای بیابید که با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شده است؛ سپس معنای قدیم و جدید آن را بنویسید. ۰/۷۵ « باغبانا زخزان بی خبرت می بینم آه از آن روز که بادت گل رعنا ببرد »
- رعنا معنای قدیم: احمق معنای جدید: خوش اندام یا هر معنای صحیح دیگر ۰/۷۵**

شهریور ماه ۱۳۸۸

- ۳- با استفاده از روش ترکیب از واژه ی « پوش » و با استفاده از روش اشتقاق از واژه ی « کوش » دو واژه ی جدید بسازید. ۰/۵
- خوش پوش کوشا یا هر واژه ی صحیح دیگر ۰/۵**
- ۴- واژه ی مشخص شده در عبارت زیر مشمول کدام یک از وضعیت های چهارگانه شده است؟ ۰/۵
- ظرف گشته نهان ای همه را جان و جهان / بار دگر رقص کنان بی دل و دستار بیا ← **به طور کلی از فهرست واژگان زبان حذف شده است.**

خرداد ماه ۱۳۸۷

- ۱- رابطه معنایی دو واژه ی « ماه » و « ستاره » چیست؟ ← **تناسب**
- ۳- با توجه به بیت زیر به هر یک از سؤال پاسخ دهید:
- « یاری اندر کس نمی بینم، یاران را چه شد؟ دوستی کی آخر آمد؟ دوستداران را چه شد؟ »
- هر یک از واژه های « دوستی » و « دوستدار » با استفاده از چه شیوه ای ساخته شده است؟
- دوستی ← اشتقاق دوستدار ← ترکیب**
- ۴- واژه مشخص شده در بیت زیر مشمول کدام یک از وضعیت های چهارگانه شده است؟
- « خورده است خدا ز روی تعظیم سوگند به روی هم چو ماهت »
- سوگند: با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شده است.**

شهریور ماه ۱۳۸۷

- ۳- با توجه به بیت « دلارام در بر دلارام جوی لب از تشنگی خشک بر طرف جوی »
- شیوه ساخت هر یک از کلمات مشخص شده را بنویسید. دلارام ← **ترکیب** تشنگی ← **اشتقاق**
- ۶- کدام واژه در عبارت زیر با از دست دادن معنای پیشین، معنایی جدید پذیرفته است؟ معنی جدید و قدیم آن را بنویسید.
- « صافی ز چشمه جوید و شوخی ز آب جوی » ← شوخ معنی قدیم: **آلودگی** ، چرک . معنی جدید: **شادابی**

دی ۱۳۸۷

- ۳- در جمله ی زیر بر اساس کدام رابطه ی معنایی به معنی واژه ی « مهر » پی می بریم؟ ۰/۲۵
- « مهر و تسبیح را بر سجاده نهادم. » ← **تناسب یا تضمن**
- ۴- یک واژه مثال بنزید که کاملاً متروک و از فهرست واژگان زبان حذف شده باشد؟ ۰/۲۵ **برگستوان یا سوفار، آزنداک و ...**
- ۶- با توجه به جمله ی « کودک از شادی خنده سرداد و به آغوش پرمهر مادرش پناه برد. »
- یک صفت بیابید که به شیوه ی « ترکیب » ساخته شده باشد. ۰/۲۵ **پرمهر**

خرداد ماه ۸۶

- ۵- در دو بیت زیر: ۰/۵ « محفل ما دگر امروز به بستان ماند عیش خلوت به تماشای گلستان ماند »
- « به خشم رفته ی ما را ، که می برد پیغام؟ بیا، که ما سیر انداختیم ، اگر جنگ است »
- الف- واژه ای بیابید که تحول معنایی یافته است؟ **تماشا** ب- کدام واژه با حفظ معنای قدیم ، معنای جدید نیز گرفته است؟ **سیر**

۶- واژه ی « سایه وش » با چه شیوه ای ساخته شده است؟ ۰/۲۵ - اشتقاق

شهریور سال ۱۳۸۶

۷- با توجه به عبارت « کودک با دیدن عروسک رعنا لب به خنده گشود» به سوالات زیر پاسخ دهید. ۰/۷۵
الف) کدام واژه با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شده است؟
ب) واژه ی « خنده » مشمول کدام یک از وضعیت های چهارگانه شده است؟

الف) رعنا (ب) با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می دهد.

دی ماه ۱۳۸۶

۱- با استفاده از روشن ساختن واژه های جدید ، از واژه ی « گل » یک واژه ی مشتق بسازید. ۰/۲۵

گلستان یا هر واژه ی مشتق دیگر.

۳- میان دو واژه ی « سیر » و « خوراکی » کدام رابطه ی معنایی برقرار است؟ ۰/۲۵

۱) تضمین (۲) ترادف (۳) تناسب (۴) تضاد

۵- از چه طریق می توان به معنای متفاوت « بوستان » در دو جمله ی زیر پی برد؟ ۰/۵
الف) با خواندن بوستان درهای اندیشه ی سعدی به رویم گشوده شد. ب) تفرج در بوستان کودک خیالم را به بازی وا داشت.

از طریق رابطه ی هم نشینی یا به وسیله ی قرار گرفتن هر یک از این واژگان در کنار عناصر دیگر.

خرداد ماه ۱۳۸۵

۵- برای هر یک از واژه های مشخص شده در عبارت زیر در گذر زمان، کدام یک از وضعیت های چهارگانه پیش آمده است؟ ۰/۷۵
« به دستور فرمود تا در آید، در ساعت وارد شد، کیسه ای زر بدو داد و بر او دستار و جبه پوشاند. »

دستور: تغییر معنا داده. کیسه: بدون تغییر معنا تا امروز باقی مانده. دستار: از زبان خارج گشته است.

۸- با فعل « گشت » دو جمله با معنای مختلف بنویسید. ۰/۵

۸- سعید تمام خانه را به دنبال او گشت. خانه از گرد و غبار سیاه گشت.

(باید دقت شود که فعل گشت، یک بار به عنوان فعل تام (غیر اسنادی) و یک بار به عنوان فعل گذرا به مسند به کار رود.)